روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

# فرهیختگان

شماره مسلسل ۴۸۱۲
یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
۲۳ رجب ۱۴۴۵
۴

www.Fdn.ir | Sun | 4 Feb 2024

# همه ایران خندید

**برد تاریخی تیم ملی ایران برابر ژاپن کارناوال‌های شادی را در سراسر کشور به راه انداخت، ترمیم شکاف‌های اجتماعی نسبت به سال قبل در واکنش‌ها واضح است، فقط ایران اینترنشنال از این موفقیت عصبی است**

## درست عین کارتون فوتبالیست‌ها

حامد عسکری
نویسنده

پرواز دارم به مقصد اصفهان. یک جوری بلیت گرفته‌اند که نیمه‌اول را باید توی فرودگاه ببینم. می‌رسم می‌روم توی کافه‌ای چای بنوشم و نیمه‌اول را ببینم. مردی عراقی کنارم به دخترک چای فروش می‌گوید واحدشای، دخترک قبضش را صادر می‌کند؛ بلد نیست بگوید چقدر می‌شود. مرد را به چای میهمان می‌کنم. می‌نشینیم به تماشای نیمه‌اول، گل را می‌خوریم پنچر می‌شوم. فرودگاه ساکت است. مرد شماره‌ای می‌دهد و می‌گوید توی نجف منتظرت هستم اربعین؛ یک چای چقدر زور دارد برای ایجاد یک علقه. هواپیما تاخیر دارد و ما مسافران اصفهان اصلا غر نمی‌زنیم، اصلا ناراحت نیستیم. دقیقه ۶۶ بازی است اعلام می‌کند سوار شوید. سوار می‌شویم همه گوشی به دست دارند بازی را می‌بینند، داور سوت پنالتی را می‌کشد، هواپیما از زمین کنده شده، من می‌گویم شما باور نمی‌کنید عین کارتون فوتبالیست‌ها که توپ درست یک متری دروازه باز می‌شد و صدای نصرالله مدقالچی می‌گفت ادامه این قسمت را در هفته آینده مشاهده کنید. ما صد و خرده‌ای نفر آن فاصله پشت توپ قرار گرفتن جهانبخش تا بوسه توپ بر تور مردیم و زنده شدیم، یک پنالتی ۴۰ دقیقه طول کشید و ما وزن کم کردیم... یک پنالتی ۴۰ دقیقه طول کشید و ما برای تاخیر غر نزدیم، برای لقمه مزخرف الویه غر نزدیم، برای معطل کردن بازشدن در هواپیما و رسیدن اتوبوس غر نزدیم... ما برده بودیم و وقتی زنی چادری در سالن هواپیما یواش به حجاب‌ها تذکر می‌داد، صدایی بالا نرفت. ما برده بودیم و شیربچه‌هایمان با تمام قدرت موجود در ساق‌هاشان دویده بودند. و تا همین الانش هم چهارم آسیا بودیم.

آقای مدیر، آقای مسئول، آقای تصمیم‌گیر کارشناس و کارگروه و کارویژه و هر کارفلانی دیگری که صلاح می‌دانی تدارک ببین این مردم شاد باشند. شادی لامصب عین اسید است، همه چیز را در خودش حل می‌کند می‌شورد می‌برد. شادی، جگر را خنک می‌کند. اینجای ستون رسیده‌ام توی تاکسی اینترنتی‌ام. رادیو بر طبل شادانه بکوب پخش می‌کند. من به خاطر دیر رسیدن به جلسه کاری‌ام هیچ عجله‌ای ندارم و آنها که منتظرم هستند هم حرص نمی‌خورند، همه چیز خوب است. این لحظات را تافت بزنید...

درباره «قلب‌رقه» فیلمی که در پایتخت داعش ساخته شد

## نزدیک به واقعیت

۱۱

چرا حملات تلافی‌جویانه سنتکام در منطقه فعلا بیشتر مصرف داخلی دارد

## پوچ بازی کردن بایدن در نیمه‌شب بوکمال

۸

فرزاد موتمن در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف»:

## طبقه متوسط از سینما حذف شده است

۱۲،۱۳

۲۰ نکته درخصوص آخرین آمار و ارقام مالی شرکت‌های دانش‌بنیان

## رشد درآمد ۱۴۰۰ دانش‌بنیان‌ها؛ ۱۵ درصد

۴ ۵

محاسبات رسمی می‌گوید ۴۷ درصد اقتصاد دست بخش خصوصی است، اما چرا این آمار گول زننده است؟

## واقعیت سهم بخش خصوصی از اقتصاد ایران

۲

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

محاسبات رسمی می‌گوید ۴۷ درصد اقتصاد دست بخش خصوصی است، اما چرا این آمار گول‌زننده است؟

# واقعیت سهم بخش خصوصی از اقتصاد ایران

مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

در روزهای گذشته فیلمی کوتاه از واکنش رهبر انقلاب نسبت به گزارش وزیر نفت در مورد جایگزین توتال منتشر شد. آیت‌الله خامنه‌ای در واکنش به گزارش جواد اوجی، در مورد مجموعه جایگزینی شرکت توتال برای پروژه‌های نفتی فرمودند: «به بخش خصوصی بدهید؛ ستاد اجرایی که بخش خصوصی نیست.» گرچه این اولین بار نبود که رهبر انقلاب نسبت به حضور کم بخش خصوصی در پروژه های بزرگ و کلان تذکر داده‌اند، اما این اظهارات ایشان با واکنش های بسیار مثبتی در سطح نخبگانی روبه‌رو شد. «فرهیختگان» به همین بهانه در یادداشتی بررسی جایگاه «بخش خصوصی در منظومه فکر اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای» و همچنین در گزارش مفصلی به وضعیت فعلی حضور بخش خصوصی در اقتصاد ایران پرداخته است.

## سهم بخش خصوصی از اقتصاد ایران ۴۷ درصد

یکی از معتبرترین گزارش های رسمی از سهم بخش خصوصی در اقتصاد ایران مربوط به گزارشی است که توسط اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و با همکاری پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران تهیه شده است. این گزارش که با عنوان «محاسبه سهم ارزش افزوده بخش خصوصی در اقتصاد کشور برای سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳» تهیه شده، در تاریخ ۶ اسفند ۱۳۹۷ به صورت عمومی انتشار یافت. داده‌های این گزارش نشان می‌دهد براساس اطلاعات صورت‌های مالی پنج بخش عمومی شامل ۱- دولت، ۲- شهرداری، ۳- تأمین اجتماعی، ۴- شرکت‌های دولتی و ۵- نهادهای عمومی غیردولتی و همچنین شرکت‌های بخش خصوصی؛ در سال ۱۳۹۳ سهم ارزش افزوده بخش خصوصی از کل ارزش افزوده ایجادشده در اقتصاد ایران معادل ۴۷٫۳ درصد و سهم بخش عمومی ۵۲٫۷ درصد بوده است.

براساس این گزارش، در سال ۱۳۹۳ از کل ارزش افزوده اقتصاد ایران؛ سهم دولت و شرکت‌های دولتی ۳۱٫۵ درصد، سهم بخش خصوصی ۴۷٫۳ درصد و ۲۱٫۲ درصد نیز سهم نهادهای عمومی غیردولتی اعم از شهرداری‌ها، تامین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای انقلابی بوده است. در این گزارش آمده است که از ۳۷ نهاد عمومی غیردولتی فعال در کشور فعال تعداد ۱۹ نهاد عمومی اطلاعات لازم برای سنجش میزان نقش‌شان در اقتصاد ایران به پژوهشگران ارائه نداده‌اند. نگاهی به لیست نهادهای عمومی غیردولتی نشان می‌دهد ازجمله نهادهای عمومی که اطلاعات خود را در این گزارش ارائه داده‌اند؛ عبارتند از آستان قدس، بنیاد مستضعفان، شهرداری‌های کشور، کمیته امداد، موسسه جهاد نصر و استقلال، هیات امنای صرفه‌جویی ارزی، جهاد دانشگاهی، هلال احمر، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد شهید. همچنین بزرگ‌ترین غایب این لیست، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام است.

## فرآیند محاسبه سهم بخش خصوصی

براساس گزارش اتاق ایران، مراحل کلی انجام این مطالعه به شرح زیر بوده است. ۱- گردآوری اطلاعات (اطلاعات صورت‌های مالی دولت، بیلان شهرداری و صورت‌های مالی)، ۲- داده‌آمایی اطلاعات، ۳- کدگذاری اطلاعات براساس طبقه‌بندی رشته فعالیت‌های اقتصادی، ۴- استخراج اعتبارات بخش‌های دولت از اطلاعات، ۵- بررسی و تعیین ماهیت اقلام اطلاعات دریافتی، ۶- محاسبه جبران خدمات، مصرف واسطه، مصرف سرمایه ثابت، ستانده و ارزش افزوده در زیرگروه‌های بخش عمومی و درنهایت ۷- محاسبه سهم ارزش افزوده بخش خصوصی در اقتصاد کشور. طبق اطلاعات ارائه‌شده در این گزارش، اطلاعات صورت‌های مالی دولت که شامل اعتبارات هزینه‌ای و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کلیه سازمان‌ها شامل دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی است، از وزارت اقتصاد و دارایی گرفته شده است. به‌طورکلی برای محاسبه ارزش تولید ناخالص داخلی (ملی) از سه روش مختلف زیر استفاده می‌شود؛ روش درآمد، روش مخارج و روش تولید (ارزش افزوده). با توجه به اینکه روش اصلی استخراج اطلاعات موردنیاز از حساب‌های ملی کشور، روش تولید است بر همین اساس در این مطالعه نیز از روش تولید (ارزش افزوده) استفاده شده است.

ارزش افزوده ایجادشده توسط هریک از این زیر بخش‌ها بر اساس اطلاعات ثبتی گزارش‌شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و همچنین صورت‌های مالی و بیلان‌های ارائه‌شده توسط هر زیر بخش، محاسبه شده است. محاسبه اندازه بخش عمومی نیز با دو رویکرد متفاوت صورت گرفته است. رویکرد نخست رویکرد «مالکیت» نامیده شده و رویکرد دوم، رویکرد «مدیریت». علت نام‌گذاری رویکردها مبنی تعیین مالکیت دستگاه‌های موردبررسی است. در رویکرد مالکیت بر مبنی درصد مالکیت سهام، دولتی یا خصوصی بودن تعیین شد و در رویکرد دوم دولتی یا خصوصی بودن مدیر دستگاه تعیین‌کننده خصوصی بودن یا دولتی بودن دستگاه بوده است.

## سهم ۵۲ درصدی بخش خصوصی از ۱۰۰ شرکت برتر ایران

علاوه‌بر گزارش اتاق بازرگانی و پژوهشکده مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت صنعتی کشور (زیرنظر وزارت صمت) نیز هرساله مراسمی تحت عنوان معرفی ۵۰۰ شرکت برتر کشور دارد که در آن، ۵۰۰ شرکت برتر کشور معرفی می‌شوند. ازجمله مهم‌ترین شاخص این گزارش، شاخص فروش است. در این گزارش نیز ۱۰۰ شرکت اول که حول و حوش ۹۰ درصد از حجم فروش ۵۰۰ شرکت را به خود اختصاص داده، در سال مالی ۱۳۹۸ از کل فروش ۱۰۰ شرکت برتر، ۵۲ درصد از آن سهم بخش خصوصی، ۴۰ درصد بخش عمومی (شرکت‌های زیرمجموعه نهادهای انقلابی، تامین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی و سهام عدالت و...) و درنهایت هشت درصد نیز برای شرکت‌های دولتی بوده است. البته با توجه به اینکه این گزارش براساس شاخص بالاترین فروش رتبه‌بندی را انجام می‌دهد، طبیعی است که شرکت‌های دولتی نتوانند به رده‌های بالای فروش برسند؛ چراکه بخش‌هایی زیادی از این شرکت‌ها کالا و خدمات خود را به قیمت‌های تکلیفی می‌فروشند که این موضوع در کاهش ارزش فروش موثر است. درمجموع آمارها نشان می‌دهد در بخش ۵۰۰ شرکت برتر هم اندازه و سهم بخش خصوصی از اقتصاد ایران بسیار نزدیک به سهمش از ارزش افزوده کل اقتصاد است.

## سهم بخش خصوصی از صنعت پالایش نفت یک درصد

یکی از موضوعاتی که در گزارش اتاق ایران و پژوهشکده مرکز آمار ایران به آن اشاره نشده، میزان حضور بخش خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصاد است. به عبارتی، مشخص نیست آن ۴۷ درصد سهم بخش خصوصی در ارزش افزوده کل اقتصاد ایران دقیقا در چه بخش‌هایی است. برای مثال سهم بخش خصوصی از بنگاه‌های بزرگ چقدر است، سهم بخش خصوصی از بنگاه‌های کوچک و متوسط چقدر است، سهم بخش خصوصی از اصناف چقدر است. در این خصوص مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش‌هایی به بررسی سهم نهادهای شبه‌دولتی در اقتصاد کشور پرداخته است. این گزارش علاوه‌بر سهم بخش شبه‌دولتی، سهم دولت، نهادهای عمومی و بخش خصوصی را نیز برای برخی صنایع و فعایت‌ها مشخص کرده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یکی از مواردی که مرکز پژوهش‌های مجلس به آن پرداخته، «سهم نهادهای شبه دولتی در صنعت پالایش نفت» است. براساس گزارش مذکور، درحالی‌که نقدینگی سرگردان ایرانی‌ها در سال‌هایی با ثبات اقتصادی هم به‌صورت سپرده‌های بانکی و زمین و مسکن نگهداری می‌شود و در شرایط جهش‌های ارزی نیز از بازارهای مختلف دارایی و بازار ارز، طلا و سکه سردرمی‌آورد، بررسی‌های مفصل مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «سهم نهادهای شبه‌دولتی در صنعت پالایش نفت» نشان می‌دهد سهم بخش خصوصی در این صنعت تنها یک درصد است.

طبق این گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در پاییز ۱۴۰۱ سازمان تامین اجتماعی، دولت (شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی)، سهام عدالت و تامین اجتماعی نیروهای مسلح (ساتا) به ترتیب ۴۵، ۳۵، ۱۱ و ۸ درصد از حق کنترل و مدیریت صنعت پالایش نفت کشور را در اختیار دارند و سهم بخش خصوصی از مدیریت صنعت مذکور تنها حدود یک درصد است. براساس این گزارش، در بخش جریان نقدی نیز دولت و نهادهای عمومی غیردولتی مذکور به همراه سایر نهادهای عمومی غیردولتی نظیر صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت، هیات‌امنای صرفه‌جویی ارزی، صندوق بازنشستگی کارکنان بانک‌های ملی و ادغام‌شده، بیمه اجتماعی روستاییان، عشایر و کشاورزان، بنیاد شهید و امور ایثارگران و صندوق بازنشستگی کشوری منتفعان اصلی صنعت پالایش نفت کشور هستند و بخش خصوصی سهمی کمتر از یک درصد را داراست. در این گزارش تاکید شده بخش عمده شرکت‌های پالایشی به‌صورت خرید توسط نهادهای عمومی یا انتقال به آنها بابت رد دیون به تملک نهادهای مذکور درآمده است.

## سهم ۵۳ درصدی بخش خصوصی از صنعت دارو

مرکز پژوهش‌های مجلس علاوه‌بر صنعت پالایش در گزارش مفصل دیگری به بررسی «سهم نهادهای شبه‌دولتی در صنعت دارویی» پرداخته است. طبق این گزارش، حدود ۳۱ درصد از بازار دارویی کشور در اختیار بخش عمومی (شامل ۱۷ درصد برای تامین اجتماعی، هفت درصد برای ستاد اجرایی فرمان امام، پنج درصد برای بانک ملی، یک درصد برای آستان قدس و یک درصد برای موسسه جامع امام صادق)، ۵۳ درصد از بازار دارو در اختیار بخش خصوصی و ۱۶ درصد مابقی نیز مربوط به دولت و سایر گروه‌هاست. البته پرواضح است که سهم ۱۷ درصدی تامین اجتماعی نیز به‌لحاظ مدیریتی در زیرمجموعه دولت قرار می‌گیرد.

## سهم ۲۰ درصدی بخش خصوصی از خودروسازی

بخش دیگری که داده‌های آن از سهم بخش خصوصی قابل دسترس بوده، صنعت خودروسازی است. براساس گزارش‌های جداگانه ایران‌خودرو و سایپا، سهم این دو گروه از تولید خودرو در کشور حدود ۷۹ درصد (سهم ۴۶ درصدی ایران‌خودرو + سهم ۳۳ درصدی برای سایپا) است. مابقی ۲۱ درصد نیز به نام بخش خصوصی ثبت شده اما در بخش‌هایی از آن، ردپای نهادهای عمومی غیر از بخش خصوصی دیده می‌شود.

بررسی‌ها از وضعیت اطلاعات مالکیتی و مدیریتی گروه ایران‌خودرو نشان می‌دهد سهامداران گروه ایران‌خودرو را باید در پنج بخش اصلی دسته‌بندی کرد: ۱- مالکیت مستقیم دولت، ۲- مالکیت شرکت‌های وابسته به دولت و وابسته به بانک‌ها، ۳- مالکیت تودرتو یا ماتریسی شرکت‌های زیرمجموعه ایران‌خودرو، ۴- مالکیت قطعه‌سازان و ۵- مالکیت سهامداران زیر یک درصد. بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم مستقیم دولت از سهام ایران‌خودرو ۵٫۷۱ درصد است که سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به نمایندگی از دولت آن را در اختیار دارد. سهم شرکت‌های وابسته به دولت و بانک‌ها ۲۱٫۲ درصد، سهم شرکت‌های زیرمجموعه ایران‌خودرو ۲۵٫۲ درصد، سهم قطعه‌سازان ۱۸٫۷ درصد و درنهایت ۲۹٫۲ درصد نیز مربوط به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی با سهامداری زیر یک درصد است.

سهم دولت از مالکیت و سهام‌داری گروه ایران‌خودرو گرچه در ظاهر حدود ۵٫۷ درصد بوده که سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به نمایندگی از دولت این سهام را در اختیار دارد، اما اگر سهام شرکت‌های عمومی وابسته به دولت و بانک‌ها را به آن اضافه کنیم، سهام دولت افزایش خواهد یافت، به‌طوری‌که درحال حاضر حدود ۲۱٫۲ درصد از سهام ایران‌خودرو در اختیار شرکت‌های وابسته به دولت و بانک‌هاست. شرکت‌های سرمایه‌گذاری ملی ایران با سهم پنج درصدی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری آتیه‌صبا با سهم نزدیک به پنج درصد، بانک صادرات با سهم ۳٫۴ درصد، بانک تجارت با سهم بیش از ۳ درصد، سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری با سهم بیش از ۳ درصد و شرکت گروه مالی ملت نیز با سهم نزدیک به ۱٫۷ درصدی در این گروه قرار می‌گیرند. درمجموع بخش عمده سهامداری در شرکت‌های وابسته به صندوق‌های بازنشستگی در اختیار بخش عمومی و دولت قرار دارد. با این حساب، سهم واقعی دولت در ایران‌خودرو نه ۵٫۷ درصد، بلکه به بیش از ۱۹ درصد می‌رسد. البته در بین سهامداران بانک‌های خصوصی‌شده نیز بخش عمومی و صندوق‌های بازنشستگی زیرمجموعه وزارت رفاه سهامدار هستند که از این طریق نیز سهم دولت در مالکیت ایران‌خودرو افزایش می‌یابد. شرکت‌های زیرمجموعه ایران‌خودرو نیز جمعا ۲۴٫۲ درصد سهام این شرکت را در اختیار دارند.

در گروه سایپا نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد در این گروه سهم مستقیم دولت ۱۷٫۳ درصد است. شرکت‌های عمومی وابسته به دولت و بانک‌ها با سهم ۱۵٫۶ درصدی و شرکت‌های زیرمجموعه سایپا با سهم ۳۹٫۷ درصدی و سهامداران خرد زیر یک درصد نیز با سهم ۲۷٫۴ درصدی، سهامداران گروه سایپا هستند. در گروه سایپا درمجموع حدود ۷۳ درصد سهام شرکت سایپا در اختیار بخش عمومی و شرکت‌های زیرمجموعه این شرکت است، به‌طوری‌که حدود ۳۳ درصد از سهام شرکت سایپا به دولت و شرکت‌های عمومی وابسته به دولت اختصاص دارد. علاوه‌بر آن نزدیک به ۴۰ درصد از سهام شرکت سایپا متعلق به شرکت‌های زیرمجموعه آن است. درمجموع، گرچه بخش خصوصی (قطعه‌سازان) نیز در خودروسازی دولتی سهام دارند، اما از آنجایی که مدیریت این بنگاه‌ها در اختیار دولت بوده، عملا دو غول خودروسازی کشور دولتی یا بهتر بگوییم با مالکیت عمومی محسوب می‌شوند و صرفا ۲۰ درصد تولید خارج از ایران‌خودرو و سایپا را می‌توان به‌عنوان تولیدات بخش خصوصی ذکر کرد.

اما در بخش قطعه‌سازی نیز گرچه ایران‌خودرو داده‌ای از منابع تامین قطعات خودرو منتشر نکرده، اما طبق گزارش گروه سایپا، این گروه در شش ماهه نخست سال ۴۱۱۴۰۲ درصد از قطعات مصرفی (محصول کامل) خود را از شرکت‌های زیرمجموعه خریداری کرده است. به نظر می‌رسد در گروه خودروسازی ایران‌خودرو نیز سهم تامین قطعه و محصول از شرکت‌های زیرمجموعه قابل توجه باشد.

## انتقال ۵۳ درصد بنگاه‌های دولتی به نهادهای عمومی

در کشور ما اهداف خصوصی‌سازی در سیاست‌های ابلاغی مقام‌معظم‌رهبری در اصل ۴۴ قانون اساسی به این شرح آمده است: شتاب بخشیدن به رشد تولید ناخالص ملی، گسترش مالکیت در سطح عمومی مردم به‌منظور تامین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و افزایش بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاون در اقتصاد کلان، افزایش سطح عمومی اشتغال و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها. یکی از مواردی که مانع تحقق اهداف برنامه خصوصی در کشور شده، تعهدات و دیون بالای دولت به نهادهای عمومی و صندوق‌های بازنشستگی است که موجب شده دولت به جای واگذاری شرکت‌ها و تصدیگری خود در اقتصاد به بخش خصوصی واقعی برای تسویه بدهی‌های خود بسیاری از شرکت‌های مشمول خصوصی‌سازی را به جای بخش خصوصی به نهادهای عمومی واگذار کند.

در این خصوص آمارها نشان می‌دهد سهم ۴۷ درصدی بخش خصوصی از مالکیت در اقتصاد ایران تا سال ۱۳۹۳ درحالی است که طبق گزارش سازمان خصوصی‌سازی از مجموع نزدیک به ۶۴۰ همت واگذاری‌های مربوط به‌خصوصی‌سازی سهام و دارایی‌های متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی از سال ۱۳۸۰ تا پنج ماهه نخست سال ۱۴۰۲، به‌لحاظ اسمی حدود ۵۲٫۷ درصد از آن مربوط به رد دیون دولت یعنی واگذاری سهام یا دارایی دولت به شیوه انتقال مستقیم به اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت بوده، ۴۳٫۲ درصد از آن واگذاری‌های رقابتی یا عرضه به عموم و ۴٫۲ درصد نیز مربوط به واگذاری‌های سهام عدالت است. گرچه رد دیون برای دولت از سر اجباری قانونی است، اما بسیاری از کارشناسان می‌گویند واگذاری شرکت‌های دولتی در قالب رد دیون یکی از بدترین شیوه‌های خصوصی‌سازی است. البته کارشناسان تاکید دارند نباید عنوان این نوع واگذاری‌ها را خصوصی‌سازی گذاشت و واژه بهتر، واگذاری‌های خصولتی و شبه‌دولتی است که پس از واگذاری نیز عملا مدیریت آن از یک بدنه دولتی تخصصی به یک بدنه غیرمتخصص واگذار می‌شود و نتیجه آن، بعضا ناکارآمدی است.

# «بخش خصوصی» در منظومه فکر اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای

یادداشت

دانیال داودی
دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی

سه‌شنبه هفته پیش (۱۴۰۲/۱۱/۱۰) بود که رهبر معظم انقلاب با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی دیداری داشتند. دیداری که دست‌کم در دو سال گذشته نیز درست در همین روز برگزار شده بود. در این دیدار، پرتکرارترین کلیدواژه رهبر معظم انقلاب بخش خصوصی بود. عبارتی که پیش‌تر نیز بارها به‌کار برده‌اند. وقتی به دهه ۱۳۶۰ نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در روزهایی که نگاه‌های اقتصادی چپ در میان انقلابیون غلبه داشت، آیت‌الله خامنه‌ای از معدود سیاسیونی بودند که در برابر مصادره‌های غلط و افراطی، به دفاع از بخش خصوصی پرداختند. بخش خصوصی در ادبیات رهبر معظم انقلاب به چه معناست، چه جایگاهی دارد و چرا این قدر مهم است!؟

## ماشین پیشبرد اقتصاد

رهبر معظم انقلاب بخش خصوصی را «ماشین پیشبرد اقتصاد» می‌دانند. ایشان بخش خصوصی را به «وانتی» تشبیه می‌کنند که می‌تواند بار اقتصاد را به دوش کشیده و به‌مقصد برساند.[1] در مدل مطلوب معظم‌له دولت نقش حمایت‌کننده، هدایت‌کننده و کمک‌کننده را خواهد داشت اما «در عرصه، محور حرکت، بخش خصوصی خواهد بود.»[2] این نگاه محوری به بخش خصوصی دو دلیل دارد؛ یکی آنکه برگرفته از نگاه فقه شیعه نسبت به مالکیت خصوصی است و دیگری آنکه کاملا واقع‌گرایانه است؛ چراکه اساسا بدون حضور مردم، سرمایه‌های مردم، ابتکار و سرپنجه‌های ایشان، دولت قادر به تامین کالاها و خدمات مورد نیاز کشوری مانند ایران نخواهد بود. علاوه بر این، اثر قهری بخش خصوصی این است که آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر تحریم‌ها را بسیار کاهش خواهد داد. آمریکایی‌ها چون گمان می‌کردند ۹۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است، معتقد بودند تحریم‌ها ایران را مانند شوروی با فروپاشی اقتصادی مواجه خواهد کرد. اکنون اما فهمیدند که این، اشتباه محاسباتی بود.

## رقابت ممنوع!

جایگاه محوری بخش خصوصی در اقتصاد باعث شده است که ایشان با هر گونه رقابت «بخش دولتی» یا «نهادهای عمومی غیردولتی» با بخش خصوصی مخالف باشند. اگر دولت با بخش خصوصی رقابت کند «چون امکانات بخش دولتی بیشتر است و نگرانی و دغدغه مالی‌اش کمتر است، لذا بخش خصوصی را زمین‌گیر می‌کند. اگر [بخش دولتی] وارد شد، بخش خصوصی زمین‌گیر خواهد شد.» ایشان همچنین مهم‌ترین مشکل ما را «دولتی بودن اقتصاد»[3] می‌دانند. تصدی‌گری دولت در دهه ۱۳۶۰ به‌طور افراطی زیاد شد و تا امروز مهم‌ترین مشکل اقتصاد ماست. رهبر انقلاب همچنین معتقدند نهادهای عمومی غیردولتی نیز نباید با دولت رقابت کنند. از منظر ایشان «نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند در جاهایی که بخش خصوصی توان لازم، امکانات و رغبتی ندارد، وارد شوند؛ اگر چنانچه بعد از مدتی بخش خصوصی وارد آنجا شد، اینها از آنجا هم به یک نقطه دوردست‌تر و سخت‌تری مهاجرت کنند و بروند آنجا کار کنند، سرمایه‌گذاری کرده و جدا از رقابت با بخش خصوصی پرهیز کنند.»[4]

## دوگونه تحریف

متاسفانه در مورد بخش خصوصی در منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی تاکنون دست‌کم شاهد دو گونه تحریف بوده‌ایم. در زمان امام(ره) ایشان هر چه می‌گفتند اقتصاد را به مردم بدهید، «اینها می‌گفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست -مراد نظر امام را توجیه می‌کردند!- [و می‌گفتند] مردم یعنی توده مردم. به توده مردم چه جوری می‌شود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا می‌کردند! خب این توجیه، غلط بود.»[5] اکنون نیز وقتی رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «بایستی بنگاه‌های خصوصی که حضور مردم است، توانایی مردم است، ابتکار مردم است، پول مردم است، حمایت بشوند؛ وسط میدان بیایند؛ اقتصاد را اینها باید اداره کنند.»[6] ادعا می‌کنند مراد رهبر معظم انقلاب از بخش خصوصی بیشتر بنگاه‌های کوچک و متوسط است.

این افراد بنگاه‌های خصوصی بزرگ را برای «سرمایه‌دارهای زالو صفت» و «حاجی‌بازاری‌های فاسد» می‌دانند. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب اتفاقا در دیدار اخیرشان با فعالان اقتصادی[7] فرمودند: «بنگاه‌های تولیدی بزرگ کشور ما، در طول سال‌های متعدد، رشد چشمگیری داشته‌اند. این رشد چشمگیر از سوی بخش خصوصی ـ این بنگاه‌هایی که گفتم، منظورم بنگاه‌های بخش خصوصی است ـ خیلی پرمعنا است؛ این نشان‌دهنده وجود یک بخش خصوصی توانا و قدرتمند در کشور است و این خبر مهمی است.» ایشان در همین سخنرانی در مورد زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد فرمودند: «زمینه‌های مشارکت خیلی وسیع است. شما از صنایع بزرگی مثل نفت، مثل گاز، مثل فولاد بگیرید، تا مثلا صنایع دستی؛ در همه این زمینه گسترده وسیع، امکان مشارکت مردم وجود دارد.» بنابراین هم تفسیر به رای اقتصاد مردمی به گونه‌ای که از دلش اقتصاد دولتی در بیاید و هم تقلیل بخش خصوصی مطلوب به بنگاه‌های کوچک و متوسط، تحریف نظر امامین انقلاب اسلامی است.

## وظایف متقابل دولت و بخش خصوصی

رهبر انقلاب نقش دستگاه‌های دولتی را حمایت از «توسعه بخش خصوصی»[8] می‌دانند و در پاسخ به برخی مسئولان دولتی که در فرآیند اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ادعا می‌کردند بخش خصوصی به‌دلیل کم‌توانی [برای خرید بنگاه‌های اقتصادی دولتی] پا پیش نمی‌گذارد، می‌گفتند: «خب، باید فکری کنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقرراتِ لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود.»[9] ایشان بارها فلسفه تشکیل صندوق توسعه ملی را حمایت از بخش خصوصی دانسته‌اند[10] یا بر عدالت در اعطای تسهیلات به بنگاه‌های دولتی و بخش خصوصی تاکید کرده‌اند.[11] البته رهبر معظم انقلاب در کنار این همه حمایت از بخش خصوصی، تکالیف و وظایفی را نیز بر عهده ایشان می‌دانند: از جمله «صرفه‌جویی در مصرف انرژی، افزایش سطح بهره‌وری، نوسازی ماشین‌آلات»[12]، «همکاری و هم‌افزایی میان بنگاه‌های بخش خصوصی در کنار رقابت»[13] و «همراهی و همکاری با دولت»[14] در هر چه بهتر انجام دادن وظایف نظارتی دولت.

## پی‌نوشت:

۱- بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها|۱۴۰۱/۱۱/۱۰
۲- بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان|۱۳۹۷/۰۵/۰۸
۳- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی|۱۴۰۲/۰۱/۰۱
۴- بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی|۱۳۹۸/۰۸/۲۸
۵- بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت|۱۳۸۹/۰۶/۰۸
۶- بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها|۱۴۰۱/۱۱/۱۰
۷- بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی|۱۴۰۲/۱۱/۱۰
۸- بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها|۱۴۰۱/۱۱/۱۰
۹- بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت|۱۳۹۷/۰۶/۰۲
۱۰- بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها|۱۴۰۱/۱۱/۱۰ و بیانات در دیدار مسئولان نظام|۱۳۹۷/۰۳/۰۲ و بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی|۱۳۹۶/۰۱/۰۱
۱۱- بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی|۱۴۰۲/۱۱/۱۰ و بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیات دولت|۱۳۹۹/۰۶/۰۲
۱۲- بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور|۱۳۹۰/۰۵/۲۶
۱۳- بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها|۱۴۰۱/۱۱/۱۰
۱۴- بیانات در دیدار اعضای هیات دولت|۱۳۸۸/۰۶/۱۶

دبیر نمایشگاه اینوتکس در پاسخ به «فرهیختگان»:

# ارتباط صنعت و دانشگاه را در اینوتکس ۱۳ رونق می‌دهیم

فرهیختگان
دانشگاه
یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۷۴ | WWW.FDN.IR

۲۰ نکته درخصوص آخرین آمار و ارقام مالی شرکت‌های دانش‌بنیان

## رشد واقعی درآمد ۱۴۰۰ دانش‌بنیان‌ها ۱۵ درصد

۷۳ درصد از شرکت‌ها تنها ۳٫۵ درصد کل درآمد دارند

۱۲ درصد از مدیرعاملان شرکت‌های دانش‌بنیان زن هستند

دانش‌بنیان‌ها همان قدر که دارایی دارند مقروض هستند

۷۱ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان تسهیلات بانکی دریافت نکردند

ارزش تسهیلات دریافتی دانش‌بنیان‌ها یک‌سوم شد

افزایش ۶۰ درصدی مبلغ چک‌های برگشتی در یک‌سال

دکتر طهرانچی در شورای معاونان و مدیران کل امور مجلس وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها:

## اقدامی نمی‌کنیم مگر اینکه پاسخگوی نیاز مردم و حکمرانان باشیم

مردم به باور ساخت مجلس کارآمد برسند مشارکت جدی خواهند داشت

دبیر نمایشگاه اینوتکس در پاسخ به «فرهیختگان»:

## ارتباط صنعت و دانشگاه را در اینوتکس ۱۳ رونق می‌دهیم

ندا اظهری
خبرنگار گروه دانشگاه

نشست خبری سیزدهمین نمایشگاه اینوتکس دیروز در محل کارخانه «های وی»، وابسته به پارک علم و فناوری پردیس با حضور مهدی صفاری‌نیا رئیس پارک پردیس، مجتبی جباری‌پور معاون توسعه نوآوری پارک و سجاد عباسی‌فشمی دبیر نمایشگاه اینوتکس برگزار شد. نمایشگاه اینوتکس ۲۰۲۴ با شعار «زیست‌بوم نوآوری و فناوری زیر یک سقف» از ۱۸ تا ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در پارک علم و فناوری پردیس برگزار خواهد شد. این نمایشگاه در حال حاضر به بزرگ‌ترین رویداد نوآوری و فناوری در کشور و منطقه تبدیل شده است. در نمایشگاه سیزدهم قرار است سه گروه از فناوران حضور داشته باشند که شامل شرکت‌های فناوری (شرکت‌های فناوری و استارتاپی)، شرکت‌های صنعتی بزرگ و نهادها و سازمان‌های فعال در حوزه‌های عمومی می‌شوند که محدود به داخل نبوده و شرکت‌ها خارجی نیز می‌توانند مانند دوره‌های قبل در این نمایشگاه حضور یابند. ظرفیت پذیرش نمایشگاه برای اینوتکس سیزدهم حدود ۴۵۰ مشارکت‌کننده است اما برای اینکه مانند سال‌های گذشته با محدودیت فضا و عدم حضور برخی شرکت‌ها مواجه نشویم، تمام ثبت‌نام‌کنندگان طی مصاحبه‌ای آنلاین، با بیان هدف خود از حضور در نمایشگاه و محصول و خدمت نوآورانه‌ای که برای عرضه دارند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. طبق آماری که در این نشست از اینوتکس دوازدهم ارائه شد، بیش از ۸۳ تفاهمنامه و قرارداد در راستای رفع مشکلات صنایع به مبلغ ۲۷۷ میلیارد تومان به امضا رسید. همچنین اینوتکس ۲۰۲۳ میزبان هیات‌های خارجی از کشورهای ترکیه، پاکستان و روسیه نیز بود و امید می‌رود امسال هم میزبان کشورهایی از منطقه باشد. نمایشگاه سیزدهم در سه بخش برپا می‌شود؛ بخش اول بخش نمایشگاهی یا تجاری است که میزبان شرکت‌ها و صنایع با موضوع یا محصول نوآوری خواهد بود. بخش دوم بخش رویدادی یا ترویجی است که با هدف تحقق هم‌افزایی و تعامل سیاستگذاران برگزار می‌شود. بخش سوم هم رویدادهای آنلاین نمایشگاه است که بستری را برای حضور علاقه‌مندان به صورت آنلاین فراهم می‌کند. در اینوتکس سیزدهم هم مانند دوره دوازدهم رویدادهای جانبی مختلفی چون اینوتکس پیچ، ریورس پیچ، استیج اینوتکس و رویداد دانش‌آموزی سیکاپ برگزار خواهد شد. ثبت‌نام برای حضور شرکت‌ها از اول بهمن‌ماه در سایت اینوتکس آغاز شده و مهلت ثبت‌نام تا ۳۰ فروردین ۱۴۰۳ نیز ادامه دارد. شرکت‌هایی که ثبت‌نام خود را تا ۳۰ بهمن انجام دهند، مشمول ۲۰ درصد تخفیف ثبت‌نام زودهنگام خواهند شد و با هماهنگی با صندوق نوآوری و شکوفایی، شرکت‌های دانش‌بنیان برای حضور در این رویداد و دریافت غرفه، مشمول دریافت حمایت ۷۰ درصدی از صندوق خواهند شد.

### مذاکره با روسیه، قزاقستان و بلاروس برای حضور در اینوتکس سیزدهم

عباسی در پاسخ به این سوال که در نمایشگاه سیزدهم اینوتکس قرار است چه کشورهایی حضور داشته باشند، عنوان کرد: «فرآیند ثبت‌نام تازه آغاز شده و طبیعتا نمی‌توان گفت چه کشورهایی حضور خواهند داشت. دعوتنامه‌ها به چند کشور ارسال شده و در حال حاضر با کشورهای روسیه، قزاقستان و بلاروس علاوه بر ارسال دعوتنامه، ارتباط هم برقرار شده و مشغول سنجیدن شرایط برای حضور در نمایشگاه سال آینده هستند و در حال مذاکره هستیم. همچنین کشورهای عضو «ECO» نیز در تقویم برنامه‌هایش قرار گرفته است که در این نمایشگاه مشارکت داشته باشند. اما در کل، حدود یک ماه آینده می‌توان اعلام کرد چه کشورهایی به‌طور قطع در نمایشگاه سیزدهم حضور خواهند یافت.»

طبق پیش‌بینی‌هایی که در سال جاری از سهم اقتصاد دانش‌بنیان از تولید ناخالص داخلی (GDP) ارائه شده، انتظار می‌رود تا پایان برنامه هفتم توسعه، سهم اقتصاد دانش‌بنیان از GDP کشور به ۷ درصد برسد و به‌طور قطع، برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی می‌تواند تاثیر این اقتصاد را بر توسعه سهم آن از GDP افزایش دهد. مجتبی جباری‌پور، معاون توسعه نوآوری پارک علم و فناوری پردیس در خلال صحبت‌های خود درباره اهداف برگزاری این نمایشگاه اظهار کرد: «یکی از اهداف اصلی برگزاری اینوتکس ۲۰۲۴ شکل‌گیری همکاری و هم‌افزایی بین بازیگران این زیست‌بوم برای تحقق اقتصاد نوآور و اقتصاد دانش‌بنیان است. قاعدتا نسبت دانش‌بنیان از GDP براساس آمار نمایشگاه اینوتکس سنجیده نمی‌شود و برای سنجش آن باید اقتصاد شرکت‌های دانش‌بنیان را ارزیابی کنیم. اینوتکس بیشتر به بلوغ و توسعه زیست‌بوم کمک می‌کند و حتی آمارهای مالی ارائه شده هم تاثیرگذاری اصلی آن نیست، بلکه بیشترین تاثیر این نمایشگاه افزایش همکاری‌ها و هم‌افزایی‌هایی است که سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها، حکمرانان و... در این پلتفرم حضور پیدا کرده و با یکدیگر آشنا می‌شوند. البته در چهار روز اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد، بلکه بسیاری از اتفاقات در ماه‌ها و سال‌های آینده تاثیر خود را نشان می‌دهد و نمی‌توان ادعا کرد به عنوان مثال GDP را ۰٫۵ درصد بالا خواهد برد، ادعای درستی نیست.»

### برنامه‌ای برای تقویت ارتباط پژوهشگران دانشگاهی و صنایع

یکی از نقاط ضعف نمایشگاه اینوتکس ۲۰۲۳ عدم حضور پررنگ دانشگاه‌ها در میان صنایع بود که به‌وضوح هم مشخص بود. اما در این میان، عباسی در پاسخ به اینکه برای اصلاح این نقص در نمایشگاه سیزدهم چه راه‌حلی را در پیش گرفته‌اید، بیان کرد: «دانشگاه ممکن است صرفا با عنوان دانشگاه بودنش در نمایشگاه شرکت نکند. دانشگاه‌ها مراکز فناوری، شتاب‌دهنده‌ها، پارک‌های علم و فناوری و... دارند و اغلب با این قبیل برندها در چنین نمایشگاه‌هایی حضور پیدا می‌کنند. در سال آینده نیز ارزیابی می‌کنیم اگر دانشگاهی بخواهد با برند دانشگاه خود حضور داشته باشد، باید اختراعات و نوآوری‌های خود را به منصه ظهور بگذارد نه اینکه دانشگاه خدمات خود را معرفی کند. از این رو، به دنبال آن هستیم استارتاپ‌ها و شرکت‌های نوپا که اغلب در مراکز رشد و نوآوری و پارک‌ها مستقر هستند، در نمایشگاه حضور یابند.»

عباسی همچنین در ادامه به برگزاری برنامه‌های پژوهش‌محور در مدت برگزاری نمایشگاه اینوتکس اشاره کرد و گفت: «برنامه «ریسرچ پیچ» که جشنواره پژوهش‌های مساله‌محور است، با هدف برقراری ارتباط بیشتر بین بدنه دانشگاه و دانشجو و صنایع و شرکت‌ها رقم می‌خورد. این برنامه در استان‌های مختلف کشور هم در حال برگزاری است و اجرای آن تنها محدود به روزهای نمایشگاه نمی‌شود. در این برنامه برخی شرکت‌ها اولویت‌های پژوهشی و نیز مشکلات شات در حوزه پژوهش را معرفی کرده‌اند تا بتوانند با پژوهش‌های خود مساله‌ای را حل کنند و به این ترتیب با یکدیگر مرتبط شده و وارد تعامل با هم می‌شوند. با برقراری این تعاملات، حمایت‌هایی از پژوهش‌ها و پژوهشگر می‌کنیم تا ارتباط آنها با یکدیگر پررنگ‌تر شود. درواقع برگزاری ریسرچ پیچ با هدف افزایش ارتباط میان پژوهشگران در دانشگاه با مجموعه‌ها و صنایع مختلف شکل گرفته است.»

### هوش مصنوعی یکی از اولویت‌ها در نشست‌های اینوتکس است

در ادامه مهدی صفاری‌نیا، رئیس پارک علم و فناوری پردیس در پاسخ به این سوال که وضعیت شرکت‌ها از نظر هوش مصنوعی در نمایشگاه سیزدهم به چه شکل رقم خواهد خورد، اظهار کرد: «امسال در حوزه نوآوری، از متقاضیان حضور در نمایشگاه اینوتکس سیزدهم، پیش‌ارزیابی انجام می‌دهیم. در حال حاضر نیز در میان حوزه‌هایی هم که برای حضور در نمایشگاه اعلام کرده‌ایم، هوش مصنوعی جزء اولویت‌های حوزه نوآوری در سطح جهانی است. تعداد مجموعه‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی در کشور را که ما شناسایی کرده‌ایم، به بیش از ۱۰۰ شرکت می‌رسد که ممکن است بیشتر هم باشد. دعوتنامه‌ای برای آنها در حال ارسال است که حتما در این نمایشگاه حضور داشته باشند. اگر فراوانی شرکت‌های هوش مصنوعی در اینوتکس سیزدهم بالا باشد، بخشی را به حضور این شرکت‌ها اختصاص خواهیم داد. اما در نشست‌هایی که طبق برنامه در سه سالن برگزار خواهیم کرد، هوش مصنوعی یکی از اولویت‌هایی است که در نشست‌ها به آن پرداخته خواهد شد.» صفاریان‌پور در پاسخ به اینکه شرکت‌های هوش مصنوعی چه سهمی از کل شرکت‌های حاضر در نمایشگاه را فعالان هوش مصنوعی تشکیل می‌دهند، بیان کرد: «قطعا سهم اول نمایشگاه نخواهند بود؛ چراکه فراوانی سایر شرکت‌های حاضر در نمایشگاه که در حوزه‌های دیگر کار می‌کنند، در ایران بسیار بیشتر از هوش مصنوعی است. ما در تمام حوزه‌های صنعتی و فناوری به‌طور آزاد پذیرش داریم اما می‌گوییم شرکت‌هایی که در حوزه صنعتی فعالیت می‌کنند مانند ایران‌خودرو یا فولاد مبارکه یا شرکت‌های فعال در حوزه مواد غذایی، آخرین نوآوری‌ها را در حوزه خود عرضه کنند نه اینکه نوآوری‌ها حتما در حوزه‌های های‌تک و فناوری‌های پیشرفته باشد، بلکه نوآوری می‌تواند در فرآیند، در خدمت یا رده‌های مختلف محصولی باشد.»

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### ۲۰ نکته درخصوص آخرین آمار و ارقام مالی شرکت‌های دانش‌بنیان

# رشد واقعی درآمد ۱۴۰۰ دانش‌بنیان‌ها ۱۵ درصد

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

**شرکت‌های دانش‌بنیان در دو دهه اخیر توانسته‌اند نقش مهمی را در اقتصاد ایران ایفا کنند. حدود ۶ هزار شرکتی که در سال ۱۴۰۰ وجود داشته‌اند، طبق اظهارنامه مالیاتی خود، در این سال مالی حدود ۴۱۱ همت درآمد داشتند که حدود ۲۵۵ هزار میلیارد تومان این مبلغ، حاصل محصولات غیردانش‌بنیان این شرکت‌ها بوده است. همچنین سهم فروش محصولات دانش‌بنیان شرکت‌ها از تولید ناخالص داخلی حدود ۰٫۷۹ درصد تخمین زده می‌شود. در ادامه این گزارش نگاهی به وضعیت آماری شرکت‌های دانش‌بنیان می‌اندازیم.**

## تهران، دانش‌بنیان‌خیزترین استان ایران

تعداد فارغ‌التحصیلان کشور تا سال ۱۴۰۰، ۵۵۷ هزار و ۵۲۶ نفر بوده و در مقابل آن تعداد دانشجویان دانشگاه‌های کشور در این سال ۳ میلیون و ۱۷۳ هزار نفر بوده است. نرخ بیکاری، ۱۸ تا ۳۵ سال ۱۶ونیم درصد و نرخ بیکاری کل جامعه، ۹٫۲ درصد بوده است. وضعیت اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به این صورت است که ۵۰ درصد افراد در بخش خدمات، ۳۴ درصد در بخش صنعت و ۱۶ درصد در بخش کشاورزی مشغول به کار بوده‌اند.

استان تهران، ۴ هزار و ۲۴۶ شرکت دانش‌بنیان در سال ۱۴۰۰ به ثبت رسانده که این تعداد، بیش از ۲۰۸ میلیارد تومان درآمد و ۲۵۸ میلیارد تومان دارایی داشتند. استان اصفهان با این وجود که در رتبه دوم تعداد شرکت‌ها با ۷۶۲ شرکت قرار می‌گیرد، اما از نظر درآمد شرکت‌ها از استان البرز با ۳۸۸ شرکت رتبه پایین‌تری دارد. استان خراسان رضوی، با ۴۵۷ شرکت دانش‌بنیان و استان فارس با ۲۹۱ شرکت دانش‌بنیان در رتبه‌های سوم و پنجم قرار می‌گیرند. بیش از ۵۱ درصد کل شرکت‌ها در استان تهران مستقر هستند.

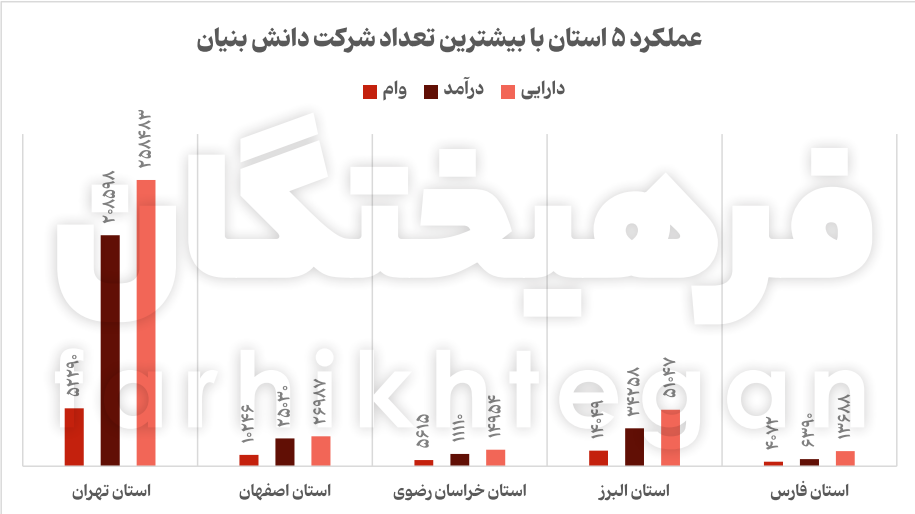


## سهم ۴۵ درصدی درآمد شرکت‌های تهرانی، از کل درآمدها

حدود ۹٫۲۹ درصد شرکت‌ها در استان اصفهان و بیش از ۵ درصد در استان خراسان مستقر هستند. در بحث دارایی‌های نیز، ۴۵٫۹ درصد دارایی‌ها در شرکت‌های تهرانی، ۹٫۳ درصد در استان البرز و ۴٫۶ درصد در اصفهان هستند. از سمت دیگر کهگیلویه‌وبویراحمد با ۰٫۱۶ درصد شرکت‌ها و ۰٫۱۷ درصد درآمد آخرین استان این پایش است. بالاتر از آن استان ایلام و سیستان‌وبلوچستان قرار دارند.

**عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان استانی**

| استان | شرکت‌ها | دارایی | درآمد |
|---|---|---|---|
| تهران | ٪۵۱ | ٪۴۵٫۹۹ | ٪۴۷٫۵۶ |
| اصفهان | ٪۹٫۲۹ | ٪۴٫۶۹ | ٪۶٫۳۵ |
| خراسان رضوی | ٪۵٫۵۱ | ٪۲٫۶۱ | ٪۲٫۷۱ |
| البرز | ٪۴٫۶۶ | ٪۹٫۳۵ | ٪۷٫۹۴ |
| فارس | ٪۳٫۴۱ | ٪۲٫۷۱ | ٪۱٫۶۳ |

## ۶۷ درصد درآمدها برای ۲۰ درصد دانش‌بنیان‌هاست

میزان درآمد شرکت‌های دانش‌بنیان به نسبت نوع و تفکیک شرکت‌ها نشان می‌دهد شرکت‌های نوپایی که تقریبا ۷۳ درصد از شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد، تنها ۳٫۵ درصد درآمد دارند. اما شرکت‌های نوآور که ۱۹٫۷ درصد از کل شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد، حدود ۶۷٫۴ درصد درآمد شرکت‌های دانش‌بنیان را دارد. از سمت دیگر نیز شرکت‌های دانش‌بنیان فناور، با سهم ۶٫۹ درصدی از کل شرکت‌ها، در ۲۹٫۱ درصد از درآمد سهیم هستند.

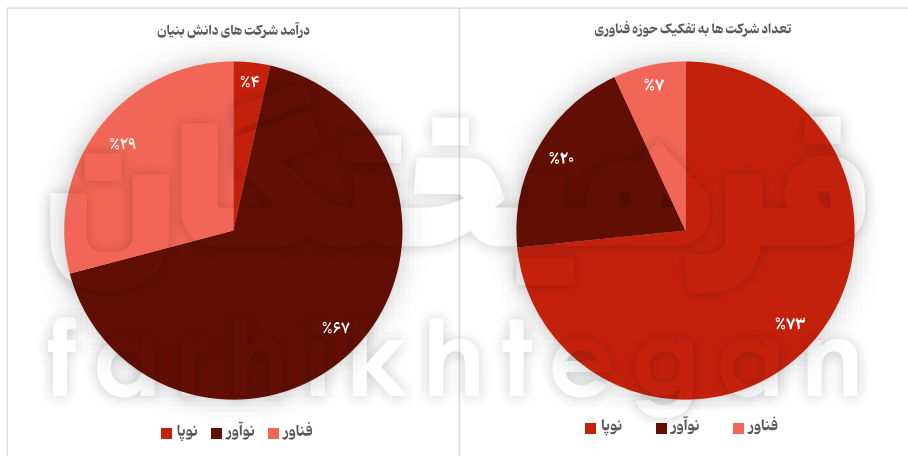


## افزایش ۶۰ درصدی مبلغ چک‌های برگشتی

مقایسه اندازه شرکت‌ها و مبلغ چک‌های برگشتی نشان می‌دهد این چک‌ها در سال ۱۴۰۱ کاهش داشته است. اما با این وجود مجموع مبالغ چک‌های برگشتی شرکت‌های دانش‌بنیانی ۶۰ درصد رشد داشته است. شرکت‌هایی با درآمد بین ۱۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومانی، سال گذشته بیش از ۱۵ درصد از کل چک‌های برگشتی را به خود اختصاص دادند که در سال ۱۴۰۱ این رقم به ۲۷ درصد رسیده است. دومین درصد بالای مبلغ چک‌های برگشتی نسبت به کل مبالغ، مربوط به هزار و ۲۸۲ شرکتی می‌شود که بازه درآمدی بین ۱۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومانی دارند و ۲۷ درصد مبالغ چک‌های این شرکت‌ها برگشت خورده است. رتبه بعدی در این شاخص، به شرکت‌هایی با بازه درآمدی ۱۰۰ تا هزار میلیارد تومانی می‌رسد و به عبارتی این ۴۵۰ شرکت، ۱۶ درصد مبالغ چک‌هایشان برگشت خورده است. کمترین میزان مبلغ چک برگشتی، مربوط به شرکت‌هایی با ۰ تا ۱ میلیارد تومان درآمد است که تنها ۳ درصد مبالغ چک‌های این شرکت‌ها برگشت خورده است.

ادامه در صفحه ۵

## ۱۲ درصد از مدیران عامل شرکت‌های دانش‌بنیان زن هستند

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد شرکت‌هایی که از سال ۱۳۹۲، تا به امروز تاسیس شده‌اند، توانسته‌اند ۱۶ درصد از درآمد کل شرکت‌ها را به خود اختصاص دهند و از سمت دیگر نیز بیش از نیمی از شرکت‌ها دانش‌بنیان از ۱۲ سال پیش تاکنون تاسیس شده‌اند. در بین این شرکت‌ها، شرکت‌های نوآور، ۵۸ درصد کارکنان، شرکت‌های فناوری ۲۸ درصد و شرکت‌های نوپا ۱۵ درصد از کل کارکنان را به خود اختصاص داده‌اند. شرکت‌های دسته فناوری نرم‌افزار و فناوری اطلاعات با ۳۳ درصد و ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته با ۱۹ درصد، بیشترین رشد کارکنان را داشته‌اند. نکته قابل توجه این است که در مدیریت شرکت‌های دانش‌بنیان، با توجه به نوع فعالیت و اتمسفر فضای این نوع شرکت‌ها، تنها ۹۷۸ مدیرعامل زن و ۳ هزار و ۲۶۴ عضو هیات مدیره زن وجود دارد.

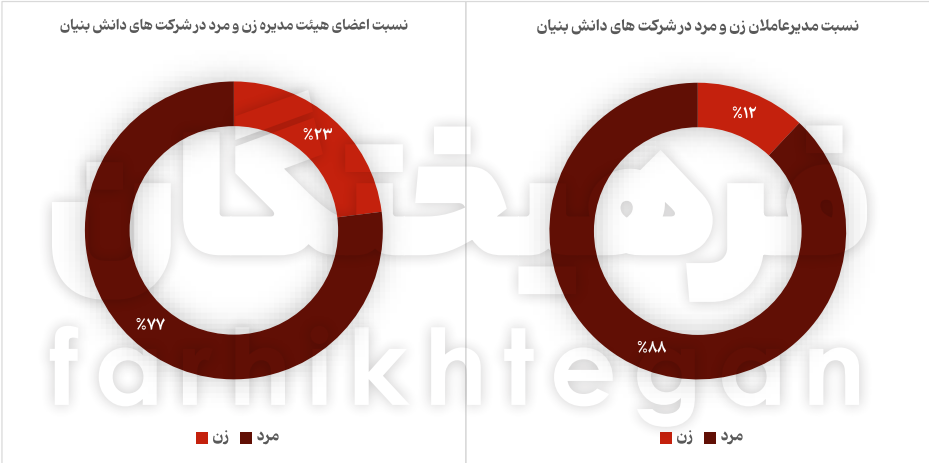


## درآمد یک‌ساله دانش‌بنیان‌ها ۱۵ درصد رشد کرد

درآمد شرکت‌های دانش‌بنیان در سال مالی ۱۴۰۰، ۴۱۱ هزار میلیارد تومان بوده و حدود ۲۵۵ هزار میلیارد تومان آن حاصل از محصولات غیردانش‌بنیان این شرکت‌ها بوده است. از سال ۹۶ تا ۱۴۰۰، درآمد این شرکت‌ها بیش از ۱۰ برابر افزایش داشته اما اگر بخواهیم این افزایش درآمد را بدون تورم در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که رشد چندانی در این درآمد صورت نگرفته است. رشد یکساله درآمد دانش‌بنیان‌ها بدون در نظر گرفتن تورم ۶۱ اما با در نظر گرفتن تورم ۱۵ درصد بوده است.

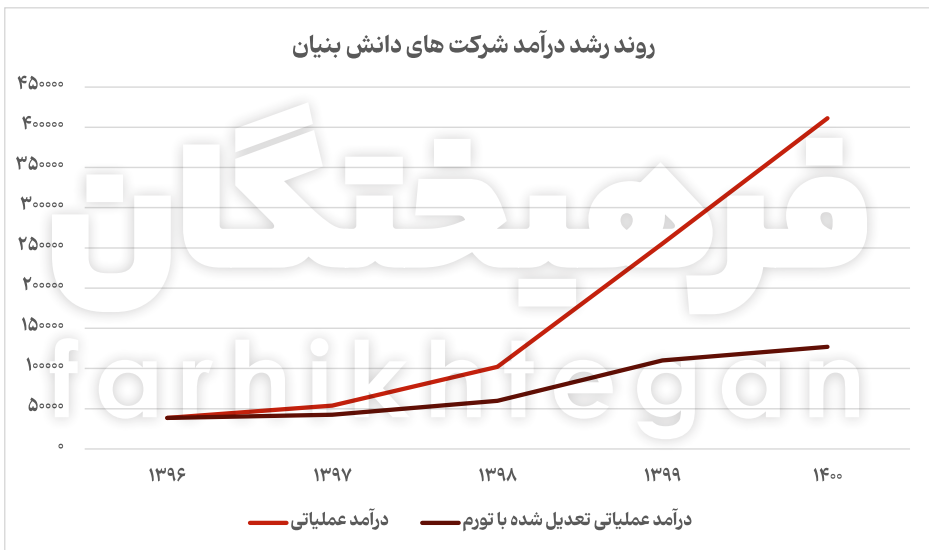


## هزار و ۲۹۷ میلیارد تومان، معافیت مالیاتی برای محصولات دانش‌بنیانی

در سال ۱۴۰۰، با نگاهی به بررسی میزان معافیت مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان، حدود ۳۴ درصد از کل معافیت‌ها، مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان بوده است. البته این آمار برای پیش از آیین‌نامه ارزیابی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان بوده و قطعا آمار در سال جاری و سال‌های آتی رشد خواهد داشت. تاکنون هزار و ۲۹۷ میلیارد تومان به معافیت مالیاتی برای محصولات دانش‌بنیان اختصاص یافته است که مجموع سود خالص محصولات دانش‌بنیان، ۶ هزار و ۴۸۴ میلیارد تومان بوده است.

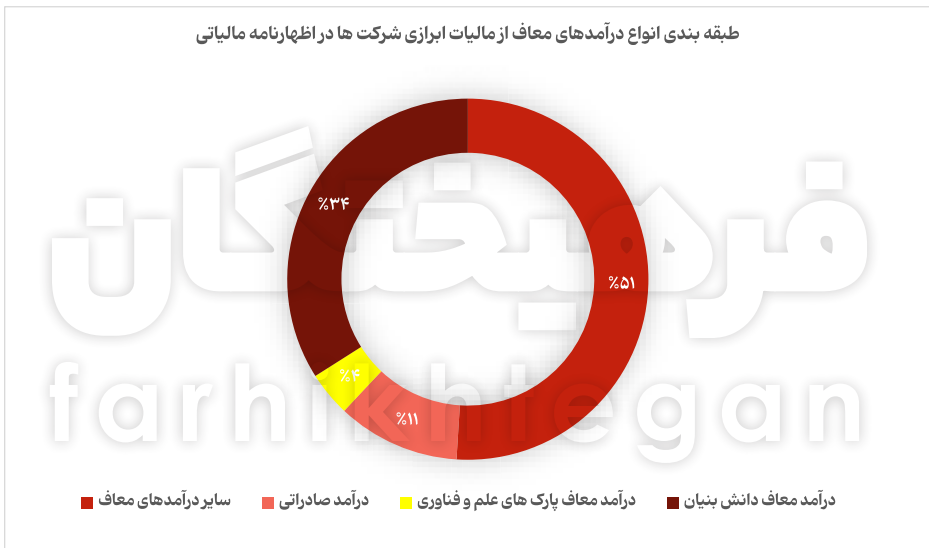


## دانش‌بنیان‌ها همان قدر که دارایی دارند مقروض هستند

میزان دارایی و بدهی و حقوق مالکانه شرکت‌های دانش‌بنیان تقریبا مساوی است. تنها امتیازی که شاید فضای تنفس کمی را برای این شرکت‌ها باز گذاشته، میزان حقوق مالکانه و مقایسه آن با دارایی‌های ثابت شرکت است. با این حساب بدهی کل شرکت‌ها در سال ۱۴۰۰، ۳۷۴ هزار و ۷۲۹ میلیارد تومان و دارایی جاری شرکت‌ها، ۳۹۳ هزار و ۱۲۱ میلیارد تومان بوده است.

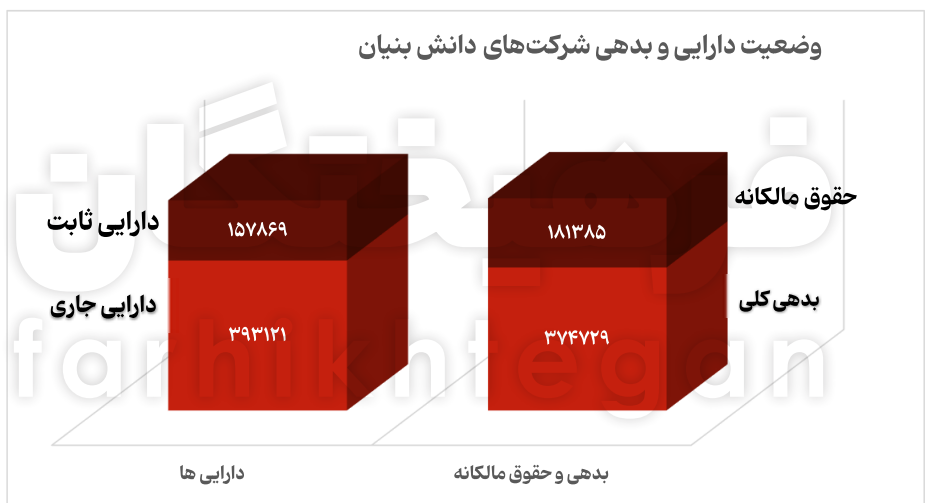

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

## ۷۱ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان تسهیلات بانکی دریافت نکردند

سهم شرکت‌های دانش‌بنیان نسبت به کل مانده وام بانک‌های کشور، ۱۴۱ هزار و ۸۹۲ میلیارد تومان به ۵ میلیون و ۵۸۳ هزار و ۳۱۴ میلیارد تومان است. به عبارت دیگر سهم آن ۲ و نیم درصد بوده است. در سال ۱۴۰۰ از تعداد ۸ هزار و خرده‌ای شرکت دانش‌بنیان، بیش از ۵ هزار و ۸۰۰ یا ۷۱ درصد شرکت‌ها هیچ‌گونه وامی دریافت نکرده بودند. ۲ هزار و ۳۷۱ شرکت حداقل یک وام یا به صورت میانگین شش وام دریافت کردند. همچنین ۲۰۲ شرکت در بازپرداخت وام دیرکرد داشتند. در سال‌های اخیر و با سیاست‌گذاری‌هایی که صورت گرفت، مشخص شد که وام‌های دریافتی تنها افزایش اسمی داشته‌اند و با در نظر گرفتن تورم، ارزش واقعی تسهیلات سیستم بانکی تغییری نداشته است.

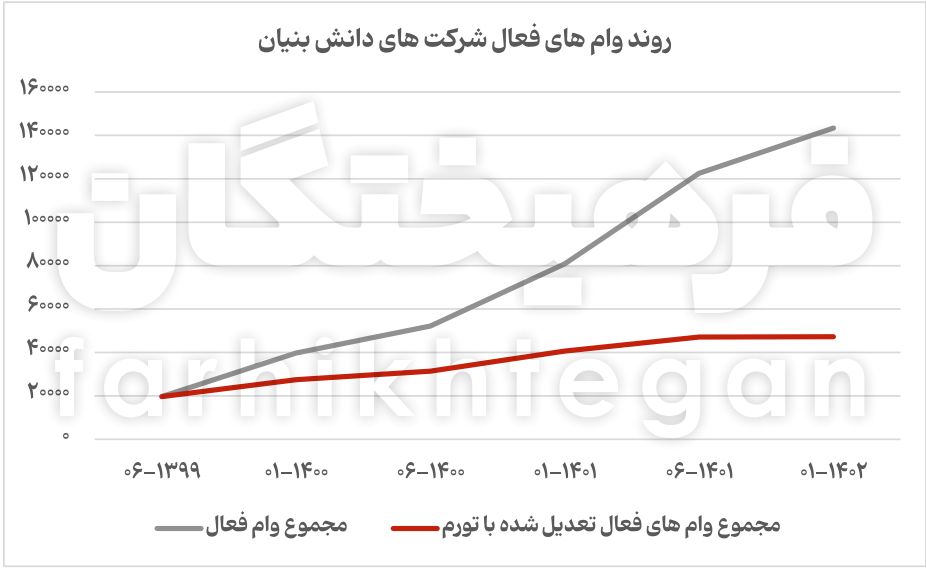


## ارزش تسهیلات دریافتی دانش‌بنیان‌ها یک‌سوم شد

روند پرداخت وام توسط صندوق‌های پژوهش و فناوری به شرکت‌های دانش‌بنیان تقریبا تا حدودی و با در نظر گرفتن تورم، متوقف شده است. وام‌های این صندوق به حدود هزار و ۳۶۳ شرکت انجام شده است. میزان وام در سال ۱۴۰۱، هزار و ۲۱۸ میلیارد تومان بوده است. همچنین هزار و ۸۶۶ میلیارد تومان مانده تسهیلات صندوق‌های پژوهش و فناوری تا سال ۱۴۰۱ بوده است.

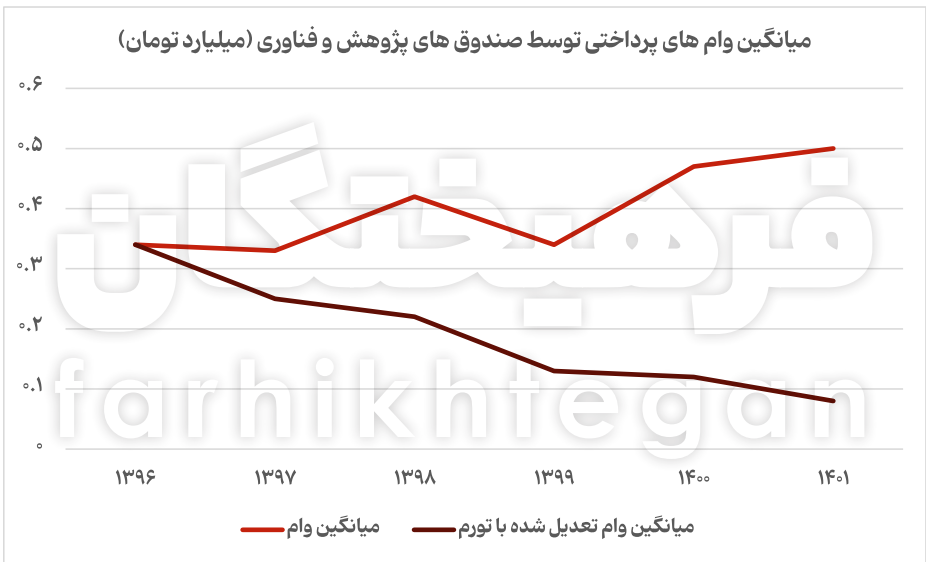


## ۲۳۰ فقره چک برگشتی تنها برای یک شرکت دانش‌بنیان!

تعداد شرکت‌های استعلام‌شده، ۸ هزار و ۲۶۰ شرکت بوده که از این میزان، ۲۷۳ شرکت دارای چک برگشتی هستند. مجموع مبالغ چک‌های برگشتی، هزار و ۶۸۸ میلیارد تومان است و تعداد آن نیز هزار و ۶۲۳ چک است. مجموع مبالغ چک‌های برگشتی اکثر شرکت‌های دانش‌بنیان، کمتر از یک میلیارد تومان است. اما یکی از شرکت‌ها به تنهایی، حدود ۲۳۰ فقره چک برگشتی به مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان یا شرکت دیگری یک فقره چک برگشتی به مبلغ ۱۳۶ میلیارد تومان داشته است.

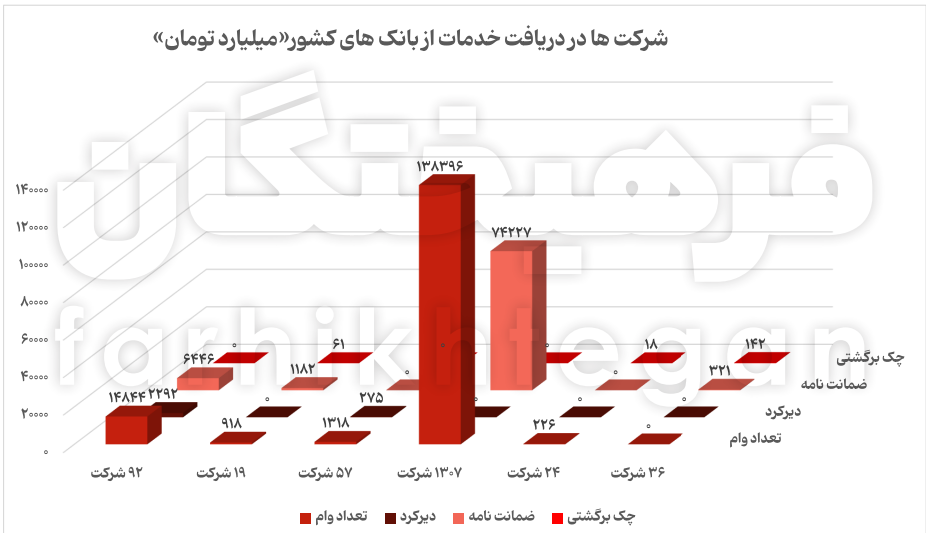


## بالاترین درآمد برای شرکت‌های مواد شیمیایی و پلیمری پیشرفته

بیشترین تعداد شرکت به تفکیک دسته‌های فناوری، مربوط به دسته برق و الکترونیک با ۱۸۷۸ شرکت می‌شود. در بخش بیشترین درآمد، دسته مواد شیمیایی و پلیمری پیشرفته به دلیل سهیم بودن در صادرات در رتبه اول قرار دارد. بیشترین دارایی نیز مربوط به شرکت‌های حوزه ماشین‌آلات و تجهیزات می‌شود. همچنین این دسته بیشترین میزان وام را نیز از آن خود کرده است.

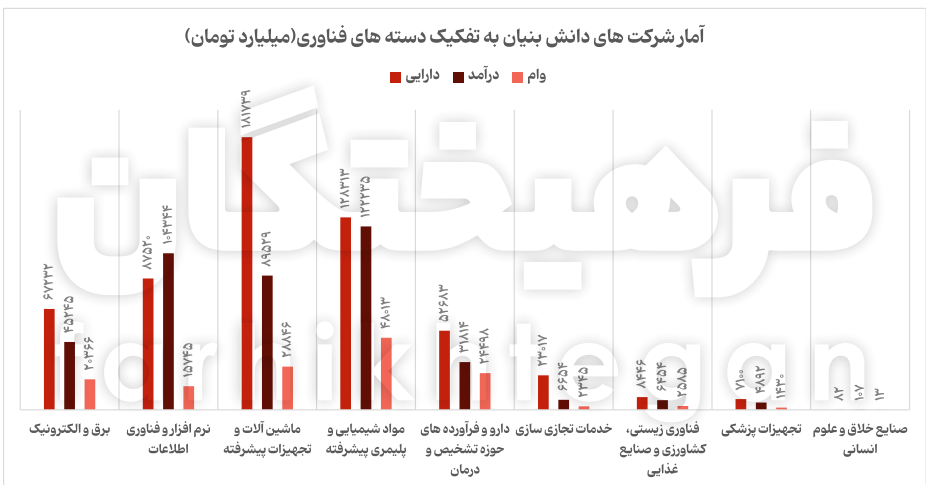


## بیش از ۹۳ درصد دانش‌بنیان‌های صنایع خلاق نوپا هستند

در دسته‌بندی‌های فناورانه شرکت‌های دانش‌بنیان، اکثر این شرکت‌ها نوپا هستند که بیشترین آمار با ۹۳ درصد، به صنایع خلاق و کمترین آمار با ۶۳ درصد به ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته مربوط می‌شود؛ و شرکت‌های فناور کمترین سهم را از آمار کلی دارند، به صورتی که در دسته صنایع خلاق تنها سهم ۳٫۵ درصدی و در دسته صنایع مواد شیمیایی و پلیمری پیشرفته و نرم‌افزار و فناوری اطلاعات ۱۰ درصد است.

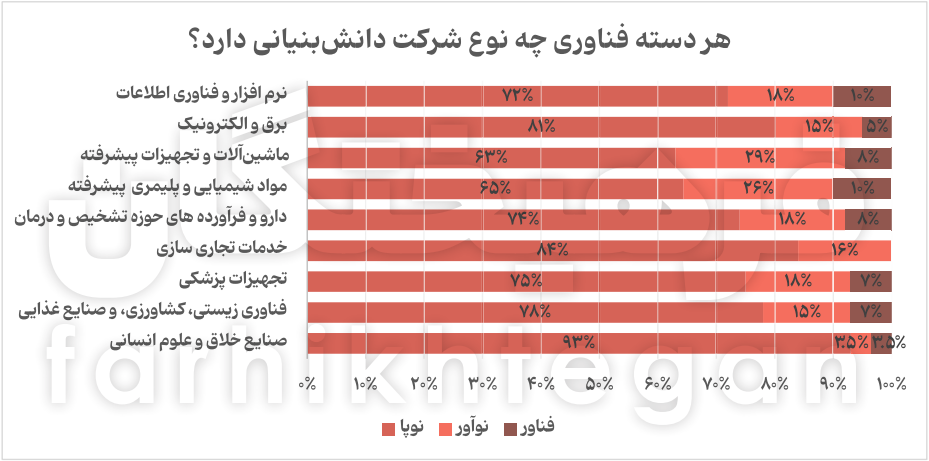


## بانک پاسارگارد، درصدر حمایت از تولیدات دانش‌بنیان

بانک پاسارگاد، بیشترین مبلغ وام، به میزان ۹ هزار و ۴۴۲ میلیارد تومان برای محصولات دانش‌بنیان در سال ۱۴۰۰، در نظر گرفته است. بعد از آن بانک تجارت با ۸ هزار و ۴۴۱ تومان، در نظر گرفته است. در رتبه سوم نیز بانک صادرات ایران با میزان ۴ هزار و ۸۷۵ قرار دارد.

| بانک | وام محصولات دانش‌بنیان | درصد وام محصولات دانش‌بنیان | نسبت وام محصولات دانش‌بنیان به کل وام |
|---|---|---|---|
| پاسارگاد | ۹۴۴۲ میلیارد تومان | ٪۱۸٫۲۸ | ٪۳٫۲۵ |
| تجارت | ۸۴۴۱ میلیارد تومان | ٪۱۶٫۳۴ | ٪۲٫۰۵ |
| صادرات ایران | ۴۸۷۵ میلیارد تومان | ٪۹٫۴۴ | ٪۱٫۱۵ |

## دانش‌بنیان‌های حوزه ماشین‌آلات بیشتر وام می‌گیرند

مقایسه عملکرد بانک‌ها در پرداخت وام به تفکیک دسته فناوری نشان می‌دهد بانک مسکن بیش از ۹۵ درصد تسهیلات دانش‌بنیانی خود را به ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته اختصاص داده است. بانک شهر نیز بیش از ۴۰ درصد وام‌های خود را به این حوزه اختصاص می‌دهد و به صورت کلی بیشتر وام‌ها به دسته دارو و ماشین‌آلات اختصاص یافته است.

**وضعیت ۵ بانک با بیشترین درصد تخصیص تسهیلات به محصولات دانش بنیانی (میلیارد تومان)**

| بانک | کل خدمات بانک | درصد کل خدمات بانک | خدمات مالی محصولات دانش‌بنیان | درصد خدمات مالی محصولات دانش‌بنیان | درصد خدمات محصولات دانش‌بنیان به کل خدمات |
|---|---|---|---|---|---|
| کارآفرین | ٦٤٫٢١٨ | ٪۱٫۱٤ | ٤٫٠٩١ | ٪٤٫٥٧ | ٪٦٫٣٧ |
| ایران‌زمین | ١٤٫٨١٩ | ٪٠٫٢٦ | ٧٩٩ | ٪٠٫٨٩ | ٪٥٫٣٩ |
| پاسارگاد | ٣٨١٫٣٧٩ | ٪٦٫٧٧ | ١٣٫١٤٧ | ٪١٤٫٦٨ | ٪٣٫٤٥ |
| تجارت | ٦٥٦٫٢٠٩ | ٪١١٫٦٤ | ٢٠٫٨٩٠ | ٪٢٣٫٣٣ | ٪٣٫١٨ |
| سامان | ١٢٥٫٠٦٣ | ٪٢٫٢٢ | ٣٫٣٦٧ | ٪٣٫٧٦ | ٪٢٫٦٩ |

## تمرکز کارکنان شرکت‌ها در حوزه‌های برق و IT و ماشین آلات

تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در سال ۱۴۰۱ ۸ هزار و ۲۶۰ شرکت بوده که از این بین ۳ هزار و ۹۰۵ شرکت، اطلاعات کارکنان خود را در اظهارنامه سال مالی ۱۴۰۰، وارد کرده‌اند. تعداد کارکنان این شرکت‌ها، مطابق اظهارنامه ۲۶۶ هزار نفر است. شرکت‌های نوآور بیشترین رشد تعداد کارکنان را دارند و در کنار آن گروه نرم‌افزار و فناوری اطلاعات، در بین دسته های فناوری با رشد ۳۳٫۴ درصدی مواجه بودند.

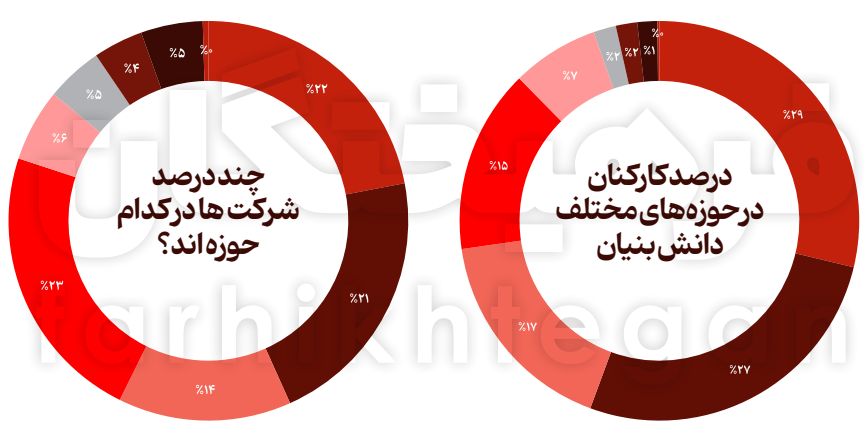


## رشد ۱۰ برابری دارایی دانش‌بنیانی در ۴ سال

از سال ۹۶ تا سال ۱۴۰۰، شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۰ برابر شده‌اند. بخش قابل توجهی از این رشد به دلیل افزایش شرکت‌های دانش‌بنیان رقم خورد. در صورتی که روند دارایی شرکت‌ها مانند سال گذشته در ۱۴۰۱ نیز با رشد مواجه شده باشد، دارایی این شرکت‌ها تا ۷۵۰ همت پیش‌بینی می‌شود. مجموع دارایی این شرکت‌ها از ۵۵ همت در سال ۹۶ به ۵۵۶ همت در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

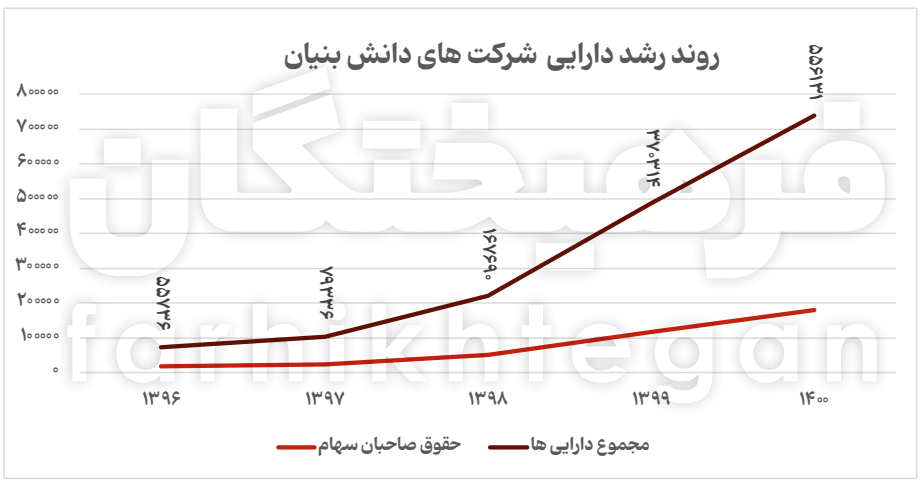


ادامه از صفحه ۴

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### دکتر طهرانچی در شورای معاونان و مدیران کل امور مجلس وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها

# اقدامی نمی‌کنیم مگر اینکه پاسخگوی نیاز مردم و حکمرانان باشیم

## مردم به باور ساخت مجلس کارآمد برسند، مشارکت جدی خواهند داشت

فرهیختگان

سی‌امین جلسه شورای معاونان و مدیران کل امور مجلس وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی با حضور سیدمحمد حسینی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور و دکتر محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی به میزبانی دانشگاه آزاد برگزار شد. دکتر طهرانچی در این جلسه با بیان اینکه در یکی از حساس‌ترین مناطق تمدنی کره خاکی به همت امام خمینی(ره) بنیانی گذاشته شد که این بنیان تعریف جدیدی از مردم‌سالاری دینی را مطرح کرد، گفت: «در زمانی که غرب بحث سکولاریسم، عقل جمعی و دین به‌عنوان یک مقوله فردی را مطرح می‌کرد، امام خمینی (ره) دین را در دال مرکزی حکمرانی قرار داد و آن عارف فیلسوف فقید و مجاهد حرکتی رقم زد که امروز بعد از نیم قرن، اثرات آن در منطقه قابل مشاهده است.» وی ادامه داد: «زمانی که انقلاب اسلامی بنا نهاده شد، در دنیا دو تفکر شرق و غرب حاکم بود. خبر سقوط تفکر شرق یک دهه بعد از انقلاب اسلامی توسط امام خمینی (ره) اعلام شد و ما امروز شاهد افول غرب سلطه‌گر هستیم.»

رئیس دانشگاه آزاد با بیان اینکه ما به‌عنوان مسئول انقلاب اسلامی را که یک اتفاق عظیم است بسیار کم برای نسل جوان تبیین کرده و از آن سخن گفته‌ایم، تصریح کرد: «اساسا انقلاب اسلامی با دوران پهلوی اول و پهلوی دوم قیاس‌پذیر نیست؛ چراکه دوران سرسپردگی با دوران آقایی هیچ‌گاه قابل مقایسه نخواهد بود. این دوران آقایی، سروری و اثرگذاری کجا و آن دوران سرسپردگی کجا؟ لازم است برکات انقلاب اسلامی برای نسل جوان تبیین شود.» دکتر طهرانچی با اشاره به یکی از مصداق‌های سرسپردگی دوران پهلوی گفت: «پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ نظام آموزش عالی ایران از نظام فرانسوی به یک نظام آمریکایی گذر کرد. دانشگاه شیراز، دانشگاه ملی ایران و دانشگاه شریف سه دانشگاهی بود که به شیوه آمریکایی تاسیس شد.» وی خاطرنشان کرد: «مرحوم شیخ‌الاسلام بنیانگذار دانشگاه ملی نقل می‌کرد: «برای تاسیس دانشگاه خدمت وزیر وقت فرهنگ آقای مهران رفتم و گفتم که می‌خواهیم دانشگاه تاسیس کنیم. آقای مهران گفت تاسیس دانشگاه در کشور دو اشکال دارد؛ اول اینکه برای این کار قانونی وجود ندارد و دومین اشکال نیز این است که برای تاسیس دانشگاه باید از مستشاران آمریکایی نظرخواهی کرد... برای تاسیس دانشگاه به جلسه‌ای با حضور یک هیات پنج نفره از مستشاران آمریکایی رفتم که سواد آنها به مراتب از من که در آمریکا درس خوانده بودم، پایین‌تر بود و مجبور بودم از آنها برای تاسیس دانشگاه در ایران نظرخواهی کنم.» این یکی از موارد سرسپردگی دولت پهلوی بود و کار مردم به جایی رسیده بود که اگر می‌خواستند دانشگاهی ایجاد کنند، باید از هیات مستشاری آمریکایی نظر بگیرند. این کجا و حملات امروز جبهه مقاومت به پایگاه‌ها، کشتی‌ها و ناوهای آمریکایی کجا.» دکتر طهرانچی با اشاره به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان گفت: «انتخابات یکی از نعمت‌های انقلاب اسلامی است. من به یاد دارم که در دوران پهلوی دوم، در زمان انتخابات مجلس مرحوم پدرم که می‌خواست رأی بدهد، از او پرسیدم که مگر رأی شما اثر دارد و او گفت نه، نماینده‌ها از قبل تعیین شده‌اند. حال این را با شرایط امروز کشور مقایسه کنید. واقعیت این است که امروز هیچ‌کس در کشور تضمین رأی ندارد و نتیجه انتخابات کاملا وابسته به رأی مردم است. این نعمت بزرگی است که باید جوانان کشور را از آن مطلع کرد و نباید کفران نعمت کنیم.» رئیس دانشگاه آزاد در ادامه خاطرنشان کرد: «نام معاونت پارلمانی در دانشگاه آزاد، «معاونت امور مجلس و ارتباطات اجتماعی» است؛ چراکه به نظر ما ارتباطات اجتماعی بسیار مهم است. اهمیت ارتباطات اجتماعی از این روست که در یک سمت دولت و در سمت دیگر مردم قرار دارند و نحوه ارتباط بین مردم و دولت از اهمیت زیادی برخوردار است. رئیس‌جمهور به‌صورت مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شود و هیات دولت توسط نمایندگان مجلس - که منتصبان مردم هستند - انتخاب می‌شوند.» دکتر طهرانچی خطاب به معاونان و مدیران کل امور مجلس وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی گفت: «درواقع مجلس یا پارلمان دو وجه دارد؛ یک وجه تقنین و وجه دیگر نمایندگی مردم در تعیین هیات دولت و نظارت بر آن است. موضوعی که اینجا مطرح می‌شود، این است که استیضاح و ارتباط مجلس و دولت و ارتباط مجلس و وزرا، شما را به قدری به خود مشغول کرده که ممکن است از وظیفه ارتباطات اجتماعی دور شوید. لازم است در این زمینه تصویرسازی از کارآمدی دولت توسط معاونان پارلمانی و ارتباطات اجتماعی رقم زده شود.»

وی با تاکید بر اهمیت تصویرسازی از کارآمدی دولت و مجلس، گفت: «این تصویرسازی در مقابل جریانی است که می‌خواهد بگوید نظام جمهوری اسلامی که منتسب به یک نظام دینی است، کارآمد نیست. این جریان می‌خواهد انقلاب اسلامی را که یک انقلاب مردم‌سالاری دینی است و دین را در عرصه اجتماعی به میدان کشیده و به ظهور و بروز کشانده، ناکارآمد نشان دهد. لازم است ما در این زمینه جهادی دفاع کنیم.»

### معاونان پارلمانی باید در عرصه اجتماعی جبهه‌سازی از کارآمدی را نشان دهند

دکتر طهرانچی تاکید کرد: «در این زمینه معاونان پارلمانی باید در عرصه اجتماعی، جبهه‌سازی از کارآمدی را نشان دهند. این به معنی تبلیغ دولت نیست بلکه بسیار بنیادی‌تر و عمیق‌تر است. بنده به آقای دکتر حسینی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌دهم اکنون که مجلس جدید در حال شکل‌گیری است، در یک همایش مفصل مدل جدیدی از نحوه تعامل نوین بین مجلس و دولت را تعریف کرده و به کار گیرد. لازم است در این مدل، ارتباط بین دولت و مردم و دولت و مجلس تبیین شده و روابط براساس کارآمدی تنظیم شود تا از همین ابتدا به یک الگوی نوین برسیم؛ چراکه نیازمند آن هستیم.» وی افزود: «ما نیازمند بازتعریف شیوه‌های جدید هستیم و اگر این بازتعریف صورت نگیرد، اثرات مخربی به دنبال خواهد داشت که امروز با آن مواجهیم و یکی از بحث‌های آن، کارآمدی مجلس است.»

### اگر مردم به این باور برسند که رای‌شان در ساخت مجلس کارآمد موثر خواهد بود، مشارکت جدی خواهند داشت

رئیس دانشگاه آزاد با بیان اینکه میزان مشارکت مردم در انتخابات به این بستگی دارد که مردم باور کنند چگونه می‌توانند مجلسی اثرگذار بسازند، گفت: «اگر مردم به این باور برسند که رای‌شان در ساخت مجلس کارآمد موثر خواهد بود، مشارکت جدی خواهند داشت.» وی با بیان اینکه دانشگاه آزاد به‌عنوان یک نهاد غیرخصوصی غیردولتی، از هنرهای حضرت امام خمینی (ره) و مردم بزرگ ایران است، گفت: «ما در هیچ کشوری نمونه‌ای مانند دانشگاه آزاد نداریم که بتواند بدون تکیه بر دولت، ۴۰ درصد بار آموزش عالی را بر دوش گرفته و هفت میلیون فارغ‌التحصیل داشته باشد. دانشگاه آزاد اسلامی دارای یک میلیون و ۳۶۰ هزار دانشجو، ۱۵۰ هزار دانش‌آموز و حدود ۸۳۰ مدرسه است.» دکتر طهرانچی ادامه داد: «دانشگاه آزاد در عرصه دانش‌بنیان، یک صندوق پژوهش و فناوری دارد که با سرمایه ۸۰۱ میلیاردی، بزرگ‌ترین کنشگر دانش‌بنیان در عرصه غیردولتی است.» رئیس دانشگاه آزاد با بیان اینکه دانشگاهی به این بزرگی توسط کمک‌های امام خمینی (ره) و مردم ایجاد شد، تصریح کرد: «این دانشگاه با کمک یک میلیون تومانی امام (ره) و کمک‌های ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ تومانی مردم ساخته شده است که بسیار ارزشمند است.» وی با اشاره به خاطره‌ای از بنیانگذار دانشگاه آزاد واحد شهرضا گفت: «ایشان نقل می‌کرد که روزی یک مادر شهید به دفتر من آمد و مقداری پول در یک دستمال به من داد و گفت فرزند شهیدم وصیت کرده بود که این پول در دانشگاه آزاد هزینه شود. بنیانگذار شهرضا نیز پول را به‌عنوان تبرک در دفتر خود قرار می‌دهد. پس از چند روز دوباره مادر آن شهید بزرگوار مراجعه کرده و می‌گوید فرزندم به خواب من آمد و گفت من وصیت کرده بودم که آن مقدار پول در ساخت دانشگاه به کار گرفته شود و اثرگذار باشد اما این طور نشده. در آن زمان بنیانگذار شهرضا می‌گوید من این پول را به‌عنوان تبرک نگه داشته بودم و پس از این اتفاق، از آن در ساخت دانشگاه استفاده شد. این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که ببینید دانشگاه آزاد با این نیت‌ها بنیان گذاشته شد و هر زمان شرایط سختی برای آن به وجود آمد، خداوند کمک کرد.» وی با بیان اینکه در پنج سال گذشته دانشگاه آزاد مسیر سختی را پشت سر گذاشت، گفت: «اقبال اجتماعی نسبت به این دانشگاه کم شده بود و با برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های شبانه‌روزی توانستیم اقبال اجتماعی به این دانشگاه را افزایش داده و یک اقبال سرآمد داشته باشیم؛ به‌طوری که تعداد دانشجویان این دانشگاه از ۸۳۰ هزار به یک میلیون و ۳۶۰ هزار دانشجو رسید.» دکتر طهرانچی ادامه داد: «این امر به خاطر اقبال اجتماعی مردم است؛ چراکه مردم به شدت فعالیت‌ها را رصد کرده و عملکرد را قضاوت می‌کنند.» رئیس دانشگاه آزاد با بیان اینکه ما در این دانشگاه براساس یک سند تحول و تعالی حرکت می‌کنیم، گفت: «این سند دارای چرخش‌های تحولی است که یکی از سه محور راهبردی این چرخش‌های تحولی این است که دانشگاه آزاد را به یک دانشگاه سرآمد و پاسخگو تبدیل کند. این امر مبتنی بر یک سند آمایش صورت خواهد گرفت.» وی افزود: «قرار است هیچ اقدامی نکنیم مگر اینکه پاسخگوی نیاز مردم و حکمرانان باشیم؛ لذا ارتباط ما با معاونان و مدیران کل امور مجلس یک فرصت مناسب برای پیاده‌سازی سند آمایش است.»

### دانشگاه آزاد می‌تواند در به‌کارگیری نیروهای موثر در صحنه اجرا، آموزش و انتقال تجربه موثر واقع شود

دکتر طهرانچی با بیان اینکه نوع ارتباطات اساتید با دانشگاه آزاد دو دسته است، تصریح کرد: «یک دسته اساتید پیوسته که در متن دانشگاه قرار دارند و دسته دیگر اساتید وابسته که با دارا بودن مدرک دکتری، در سایر مناسک اثرگذارند و حضور آنها می‌تواند به تقویت موثر دانشجو ختم شود.» رئیس دانشگاه آزاد خطاب به معاونان و مدیران کل امور مجلس وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی گفت: «این دانشگاه می‌تواند با شما ارتباطات و تعاملات خوبی داشته باشد و متناسب با نیاز شما حرکت کرده و در بحث به‌کارگیری نیروهای موثر در صحنه اجرا، آموزش و انتقال تجربه موثر واقع شود.» رئیس دانشگاه آزاد در پایان ابراز امیدواری کرد در شرایطی که دشمن به دنبال مأیوس کردن مردم از الگوی سوم حکمرانی است - الگویی که روحیه نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی بر آن بنیان گذاشته شده - انتخابات پرشورتر از گذشته برگزار شده و مجلسی کارآمد انتخاب شود. لازم به ذکر است در ادامه این نشست محمد قربانی گلشن‌آباد، معاون امور مجلس و ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد با بیان اینکه همه ما مدیون و مرهون انقلاب اسلامی هستیم، گفت: «انقلاب اسلامی شرف و کرامت انسانی را برای ما به دنبال داشت.» وی با اشاره به صحبت‌های میشل فوکو درخصوص انقلاب اسلامی ایران گفت: «میشل فوکو ۹ مقاله در رابطه با انقلاب اسلامی ایران نوشته و این در حالی است که خودش در جنبش دانشجویی فرانسه نیز حضور داشت. فوکو دو بار به ایران آمد و تحولات انقلاب را مشاهده کرد و مقالاتی منتشر کرد که در این مقالات تاکید کرده است: «انقلاب ایران تنها انقلاب ارادی جهان است که براساس اراده عمومی مردم شکل گرفت و آوانگاردها نقشی در آن نداشته‌اند. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلابی است که ماتریالیستی است و معنویت را از اعماق قرن‌ها و تاریخ در دست گرفت. این انقلاب تنها انقلابی است که امکان حذف آن در مرزهای جغرافیایی وجود ندارد.» قربانی گلشن‌آباد تاکید کرد: «همه ما موظفیم تلاش کنیم تا مردم کشور با شور و شعور انقلابی در پای صندوق‌های رأی حاضر شده و یک مشارکت خوب داشته باشند.»

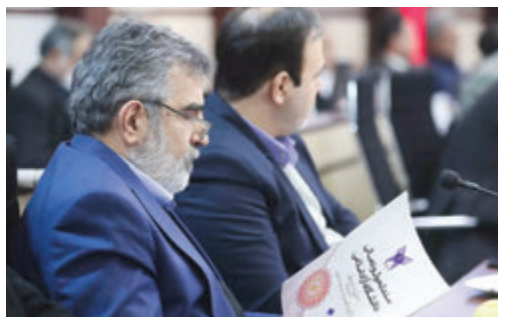

دانشنامه پایان دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث اینجانب مهدیه باغخانی فرزند جواد باکد ملی ۲۹۹۲۲۸۵۴۷۱ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اشواق ناصری فرزند ناجی به شماره شناسنامه ۱۷۴۰۸۷۹۴۹۱ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی فقه و مبانی حقوق صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۳۹۲۱۰۶۰۲۴۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

دانشنامه پایان دوره کارشناسی ناپیوسته رشته مکانیک حرارت سیالات اینجانب صالح درودگر فرزند علی‌اصغر باکد ملی ۰۰۵۴۴۸۶۶۱۰ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب ریحانه کلانتری‌پور فرزند احمد به شماره شناسنامه ۳۱۷۰۱۳۸۲۵۱ صادره از بردسیر در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی بردسیر با شماره ۳۷۱۷۵۳۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر به نشانی بردسیر—دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

مدرک موقت معصومه لطفی‌نژاد فرزند ناصر دارای شناسنامه به شماره ۰۵۹۰۳۷۵۵۱۲ صادره ساوه رشته کارشناسی ارشد زیست‌شناسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه-کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

**آگهی مزایده عمومی**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا** در نظر دارد اموال مازاد و اسقاطی خود را از طریق مزایده عمومی به‌صورت یکجا به فروش برساند، متقاضیان می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی جهت بازدید، دریافت اسناد مزایده و ارائه قیمت پیشنهادی به حوزه معاونت اداری و مالی دانشگاه واقع در مجتمع آموزشی شماره یک مراجعه نمایند. ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

**روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا**

**آگهی مناقصه عمومی**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج** در نظر دارد اجرای کامل پروژه، تهیه مصالح و قطعات ساخت و نصب یک دستگاه کانکس مطابق نقشه‌ها و دستورکارهای اداره کل فنی و طرح‌های عمرانی جهت پروژه مرکز تولید نان سبوسدار با آرد کامل واقع در کرج مهرشهر بلوار آزادی را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط می‌توانند ضمن بازدید از محل انجام کار با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۷۱۷۱۰۵۰۰۷ بانک ملی شعبه دانشگاه بابت خرید اسناد مناقصه (غیرقابل استرداد)، جهت دریافت اسناد با مراجعه به دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در کرج- انتهای رجایی‌شهر- بلوار شهید موذن- ساختمان اداری طبقه سوم در مناقصه شرکت نمایند.

**سایر شرایط:**

۱- آخرین مهلت بازدید، خرید اسناد، تکمیل و تحویل فرم اسناد و پیشنهاد قیمت، تا ده روز کاری پس از تاریخ آگهی روزنامه می‌باشد.

۲- هزینه درج آگهی در روزنامه‌ها و فضای مجازی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۳- شرکت‌کنندگان در مناقصه ملزم به واریز مبلغ ۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌صورت نقدی به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۷۱۷۱۰۵۰۰۷ یا ضمانتنامه بانکی مطابق اسناد می‌باشند.

۴- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.

۵- سایر شرایط در فرم اسناد مناقصه مندرج و برای تمامی شرکت‌کنندگان الزام‌آور است.

**روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج**

کانون تبلیغاتی سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

«فرهیختگان» به بهانه مراسم نکوداشت دکتر مسعود نیلی نگاهی به افکار و اندیشه‌های ایشان داشته است

# در نقد و تایید اقتصاددان محافظه‌کار

روز گذشته آیین نکوداشت مسعود نیلی، اقتصاددان باسابقه کشورمان بعدازظهر در محل آمفی‌تئاتر دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف با حضور جمعی از اقتصاددانان، دانشجویان و فعالان اقتصادی برگزار شد. در ابتدا نگاهی به زندگی علمی و سیاسی وی داریم. سپس به بررسی برخی از دیدگاه‌های وی پرداخته شده و درنهایت نقدی به افکار و اندیشه‌های او خواهیم داشت. مسعود نیلی در سال ۱۳۳۴ در شهر همدان در خانواده‌ای از طبقه متوسط به‌دنیا آمد و پس از قبولی در آزمون پذیرش دانشگاه شریف در رشته عمران مشغول به تحصیل شد. در ادامه وی در مقطع ارشد رشته مهندسی سیستم‌های اقتصادی اجتماعی در دانشگاه صنعتی اصفهان مشغول به تحصیل شد. او پس از فارغ‌التحصیلی ضمن حضور در سازمان برنامه‌وبودجه به سمت معاون اقتصادی این سازمان ارتقا یافت. در ادامه وی در برخی تصمیمات کلیدی مثل نرخ ارز، اختلاف‌نظرهای جدی با دولتمردان داشت که زمینه‌ساز جدایی او از سازمان برنامه و پیگیر ادامه تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه منچستر انگلیس شد. نیلی در سال ۱۳۷۶ مجددا معاون اقتصادی سازمان برنامه شد. در ادامه اختلاف‌نظرهای اجرای برنامه سوم تشدید و مسعود نیلی از سازمان برنامه جدا شد. نیلی با همکاری علینقی مشایخی دانشکده مدیریت و اقتصاد را در دانشگاه شریف راه‌اندازی کرد. با روی کارآمدن دولت روحانی، نیلی با عرضه تحلیل خود از چشم‌انداز میان‌مدت اقتصاد ایران، به‌عنوان مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور انتخاب شد. درمجموع، مسعود نیلی شاید جزء معدود اقتصاددانان ایرانی است که حضور پررنگی در عرصه سیاستگذاری اقتصادی داشته است. به‌طور خلاصه، نیلی در فاصله سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ و نیز از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به‌عنوان معاون امور اقتصادی سازمان برنامه‌وبودجه فعالیت می‌کرد. همچنین از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰ رئیس دپارتمان اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف بود. نیلی از ۱۳ شهریور ۱۳۹۲ تا ۲۵ مرداد ۱۳۹۶ مشاور رئیس‌جمهور در امور اقتصادی و از ۲۵ مرداد ۱۳۹۶ تا ۲۲ آبان ۱۳۹۷ در سمت دستیار رئیس‌جمهور در امور اقتصادی فعالیت کرده است. وی از ۱۵ مهرماه ۱۳۹۲ به‌عنوان «موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی» معروف به «موسسه نیاوران» منصوب شد و تا آذرماه ۱۳۹۷ در این موسسه فعالیت کرده است.

## نیلی از زبان مسعود نیلی

مسعود نیلی در مراسم نکوداشت خود و در پاسخ به سوالی پیرامون نقطه الهام‌بخش «مسعود نیلی شدن» اظهار داشت: «تجربه لحظه‌های ناب و تکرارنشدنی است که تقریبا تمام افراد دوست‌داشتنی شما در یک مکان جمع شوند، بدون شک، بزرگ‌ترین ثروت من نیز وجود همین افراد در زندگی من است. شاید آن چیزی که سرنوشت من را رقم زد، تلاش من برای قاعده‌مند شدن و مطالعه درسی بود که بتواند به حل و درک مسائل کشور کمک کند؛ درنتیجه من شیفته علم اقتصاد و مهر سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علم اقتصاد شدم؛ مهرماه سال ۱۴۰۲، از دوره ۴۰ سال اول عبور کردم و دوره ۴۰ سال دوم را آغاز کرده‌ام و قرار است این راه را ادامه دهم. رشد دانشجویان مانند رشد فرزندانم برای من لذت‌بخش است. علاقه من دانشگاه است. بازنشسته شدم اما صبح که از خانه بیرون می‌آیم خودروی من خودبه‌خود به دانشگاه می‌رود.» وی افزود: «ورود به عرصه تدوین برنامه سوم توسعه، نقطه عطفی در مسیر شغلی و فکری من بود. ایده‌ای در ذهن داشتم که برنامه‌ریزی در کشور نیازمند تحولی اساسی است. این ایده با ورود به سازمان برنامه‌وبودجه و آغاز فرآیند تدوین برنامه سوم، به بوته آزمایش گذاشته شد. ایجاد تغییر در نظام برنامه‌ریزی، ریسک بزرگی بود. چالش اصلی، متقاعد کردن کل سیستم تصمیم‌گیری کشور برای پذیرش این تحول بود. خوشبختانه با شروع این دگرگونی از درون سازمان مسیر برای جلب نظر دولت، مجلس و شورای نگهبان هموار شد. ایجاد رشته اقتصاد در دانشگاه صنعتی شریف به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای من همواره در صدر فهرست افتخاراتم قرار دارد. راه‌اندازی این رشته، در شرایطی که هیچ‌گونه هسته اولیه وجود نداشت، کاری بس دشوار بود. تلاش‌های شبانه‌روزی و همدلی اساتید برجسته، نقشی اساسی در تحقق این امر مهم ایفا کرد.»

وی ادامه داد: «یک اقتصاددان چهار حوزه ارتباطی دارد که نسبت به آن مسئول است؛ ارتباط با سیاست، دانشجویان، اقتصاددانان و جامعه از حوزه‌های یک اقتصاددان است. من در ابتدا که اقتصاد را آغاز کردم دو آرزو داشتم؛ آرزو اول من ایجاد رشته اقتصاد در دانشگاه صنعتی شریف بود که خوشبختانه به سرانجام رسید. آرزوی دوم من ورود علم اقتصاد در سیاستگذاری کشور بود. از سوی دیگر نیز باید اقتصاد را به‌سمت جامعه حرکت دهیم و مطالبات مردم را در حوزه اقتصاد منطقی کنیم. اکنون یک‌سری اقتصاددان داریم که می‌گویند ما اصلا علم اقتصاد را قبول نداریم. من می‌گویم من همان اقتصادی هستم که در دانشگاه‌های خوب دنیا تدریس می‌شود. همان اقتصادی که در آمریکا تدریس می‌شود، در مسکو، پکن و... هم تدریس می‌شود. این نشان می‌دهد ما هنوز در مرحله‌ای هستیم که باید از آن عبور کنیم و به‌سمتی برویم که اقتصاد مثل جامعه پزشکی تخصصی شود. اینکه یک نفر خود را جنرالیست بداند و درباره همه چیز نظر بدهد خوب نیست. دو کار برای انجام داریم؛ یکی اینکه به‌سمتی حرکت کنیم که جامعه علمی اقتصاد را تخصصی کنیم و هر کس شناسنامه داشته باشد. کسی که در زمینه رقابت و انحصار یک پایان‌نامه نداشته چطور نظر می‌دهد؟ از سوی دیگر نیز ما در زمینه آوردن اقتصاد به بطن جامعه باید کار کنیم.

## منظومه فکری مسعود نیلی

### ۱ تشخیص و تجویز نیلی

نیلی در تبیین وضع موجود معمولا به آمارها نگاهی طولانی‌مدت دارد و برای توضیح وضع هر متغیر اقتصاد ایران از داده‌های دهه ۳۰ یا ۴۰ شمسی تا به الان استفاده می‌کند و تحلیلی بلندمدت ارائه می‌دهد. او معتقد است عملکرد بلندمدت را اصولا سیاست‌های بلندمدت می‌سازند، نه منابع طبیعی یا شوک‌های مقطعی یا موضوعات دیگر. در اقتصاد ایران هم سیاست‌های بلندمدتی مقصر اصلی هستند که از هویت نظام حکمرانی نشأت می‌گیرند. وی بر هشت سیاست که مانع رشد اقتصادی ایران بوده است تاکید می‌کند: ۱- تنش‌های خارجی، ۲- کسری بودجه مزمن و پایدار، ۳- تعیین دستوری نرخ بهره بانکی (معمولا پایین‌تر از تورم)، ۴- نظام ارزی چندنرخی، ۵- قیمت‌گذاری دستوری دولت، ۶- نظام تعرفه‌ای خاص اقتصاد ایران (تعرفه‌های بسیار بالا و موانع غیرتعرفه‌ای بسیار)، ۷- عرضه ارزان‌قیمت انرژی و ۸- نظام بنگاه‌داری عظیم غیرخصوصی و غیررقابتی. او بیان می‌کند این هشت سیاست به نظام حکمرانی کشور گره خورده است و ریشه برخی از این سیاست‌ها، به باورهای ایدئولوژیک اول انقلاب برمی‌گردد. فهم سیاستگذاران اولیه از شعار استقلال، تقابل با غرب بوده است. شعار عدالت هم تحت تاثیر برداشتی خاص قرار داشته که از دهه ۴۰ از مارکسیسم تاثیر پذیرفته و عدالت را عرضه ارزان کالا و خدمات به مردم می‌داند. این باورهای ایدئولوژیک باعث نقش مسلط و دخالت شدید دولت در اقتصاد شده است.

### ۲ اقتصاد سیاسی مخارج دولت

از نگاه نیلی حضور دولت و مخارج آن از دو مسیر قابل بررسی است؛ مسیر اول، دوره‌های افزایش درآمدهای نفتی: در این دوره‌ها شاهد افزایش بودجه جاری، عمرانی و فرابودجه و افزایش ذخایر خارجی بانک مرکزی هستیم که به افزایش پایه پولی و نقدینگی و به‌دنبال آن تورم ختم می‌شود؛ اما در این دوران به‌دلیل رونق درآمد نفتی اثرات تورمی افزایش نقدینگی نشان داده نمی‌شود. مسیر دوم، دوره‌های کاهش درآمدهای نفتی: در این دوران نمی‌توانیم مخارج را متناسب با کاهش درآمدهای نفتی کاهش دهیم؛ پس با کسری بودجه، افزایش بدهی دولت به نظام بانکی و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی مواجه می‌شویم که این نیز به افزایش پایه پولی و نقدینگی (افزایش شدیدتر نسبت به مسیر اول) و نهایتا تورم منجر می‌شود. در شرایط تورمی، دولت به‌جای اینکه رفتار خود را اصلاح کند و به سراغ اصلاح مخارج خود برود، به دخالت بیشتر در اقتصاد روی می‌آورد. درواقع دولت با هدف حمایت از آسیب‌دیدگان تورم (تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) در بازارهای مختلف مداخله می‌کند. در شرایط تورمی دولت با مداخله در بازار محصول، قیمت‌گذاری دستوری انجام می‌دهد و به تخریب محیط کسب‌وکار دامن می‌زند.

راه‌حل اقتصاد کلان نیلی برای وضع موجودی که او تبیین می‌کند، این است که یک عدد ثابت از درآمد نفت وارد بودجه دولت شود (فارغ از افزایش یا کاهش درآمد نفتی)، مثلا ۲۰ میلیارد دلار سالانه به دولت اختصاص یابد که باعث کاهش سهم نفت در بودجه خواهد شد. او معتقد است تا زمانی که اقتصاد سیاسی درست نشود، این ایده پذیرفته نخواهد شد.

### ۳ حمایت تورم‌زای دولت از تولیدکننده برای جبران آسیب‌های او از تورم!

نیلی معتقد است دولت برای جبران این تخریب و حمایت از تولیدکننده، شروع به امتیاز دادن به بنگاه‌ها می‌کند و اقلام اصلی هزینه‌های بنگاه را تحت کنترل خود در می‌آورد. اولین امتیاز، دادن انرژی با قیمت پایین به بنگاه‌هاست که این مداخله دولت در بازار انرژی به افزایش شدید مصرف انرژی، تخریب محیط زیست، رشد بخش غیررسمی و افزایش قاچاق انرژی و گسترش صنایع انرژی‌بر منجر می‌شود. امتیاز دوم، چند نرخی کردن ارز و اجازه واردات با قیمت مصلحتی به بنگاه‌هاست. این شکل از مداخله باعث جایگزینی تولید داخل با واردات و فساد می‌شود. امتیاز سوم، به‌دنبال مداخله در سه بازاری که ذکر شد و تشدید کسری بودجه، دولت به سراغ مداخله در بازار پول و کمک به تولیدکننده از این طریق می‌رود. پایین نگه‌داشتن نرخ بهره فارغ از تورم نمونه‌ای از این مداخله است که سبب توسعه بخش‌های غیرسرمایه‌بر، شکل‌گیری بخش غیررسمی در بازار پول و حرکت منابع به‌سمت دارایی‌های نوسان‌زا می‌شود. امتیاز چهارم، مداخله در تجارت خارجی و کمک به بنگاه است که دولت برای جبران کاهش نرخ ارز حقیقی، تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای را افزایش می‌دهد. امتیاز پنجم، عرضه منابع طبیعی (آب و...) با قیمت پایین که به بحران محیط زیستی منتج می‌شود؛ بنابراین دولت برای حمایت از تولیدکننده امتیازات مختلفی به او می‌دهد که علاوه بر ایجاد بحران‌های مختلف، باعث تورم بیشتر می‌شود.

### ۴ حمایت تورم‌زای دولت از مصرف‌کننده برای جبران آسیب‌های او از تورم!

نیلی می‌گوید در شرایط تورمی دولت به حمایت قیمتی از مصرف‌کننده می‌پردازد و شروع به سرکوب قیمت‌ها برای جلوگیری از گرانی‌ها می‌کند. این شیوه حکمرانی اجتماعی که در آن نقش اجتماعی و اقتصادی دولت هماهنگ نیست به تورم بیشتر و کسری بودجه منجر می‌شود. نیلی معتقد است جامعه هدف سیاست قیمتی کل مردم است و حتی دهک‌های درآمدی بالا استفاده بیشتری از آن می‌برند، بنابراین برای مسئولیت‌های اجتماعی دولت شیوه حکمرانی اجتماعی دیگری را پیشنهاد می‌دهد که در آن سیاست‌های درآمدی محوریت دارد؛ بدین صورت که یک کف درآمدی در کشور مشخص می‌شود و هر کس که در پایین این کف قرار گیرد از او حمایت می‌شود. در این حالت اصابت حمایت‌ها فقط به دهک‌های درآمدی پایین است.

نیلی تعریف سیاستگذار از استقلال و عدالت را حدی می‌داند و گمان می‌کند استقلال مدنظر حکمران به معنای قطع رابطه یا تقابل با خارج از کشور است که بررسی کلام حکمرانان کشور چنین چیزی را اثبات نمی‌کند. علاوه بر این در مقام پاسخ و ارائه راه‌حل برای مشکلات اقتصادی، خود او حالت حدی از وابستگی را مشخص می‌کند. وی ریشه‌های مشکلات کشور را ایدئولوژیک و تمامی تحلیل‌های خود را عاری از ایدئولوژیک می‌داند، درحالی‌که صحبت‌ها یا هشدارهای اقتصادی او رگه‌های از گرایش‌ها و ایدئولوژی‌های او را نشان می‌دهد، به‌عنوان مثال در برخی دوره‌ها با تغییرات و نوسانات متغیرها هشدارهای جدی اقتصادی می‌دهد ولی در دوره‌های سیاسی دیگر نسبت به نوسانات و تغییرات در همان سطح متغیرها سکوت می‌کند و او در مقام تجویز برای مسائل بدون درنظر گرفتن شرایط خاص کشور و ویژگی‌های حکمرانی آن، به‌طور حدی بر راه‌حل‌های جریان اصلی اقتصاد تاکید دارد.

# نقاط ضعف و قوت آقای اقتصاددان

یادداشت

دانیال داودی
دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی

سال ۱۳۹۷ ، زمانی که دانشجوی کارشناسی‌ارشد بودم دکتر مسعود نیلی آرام‌آرام داشت از دولت حسن روحانی فاصله می‌گرفت. همان روزها روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی با عنوان «تشریف داشتید آقای مشاور!» به نقد سیاست‌ها و عملکرد ایشان پرداخت. وقتی گزارش را خواندم، آن را غیرفنی و به دور از انصاف دیدم. نکاتی را در نقد آن گزارش -در فضای مجازی- مطرح کردم. دوستی از سرویس اندیشه روزنامه «فرهیختگان» تشویقم کرد تا همان نکات را در قالب یادداشتی رسانه‌ای منتشر کنم و من هم در یادداشتی با عنوان «بیایید اصولی نقد کنیم!» (۲۹ آبان ۱۳۹۷ - خبرنامه دانشجویان ایران) نکاتی را در دفاع از نیلی نوشتم؛ یادداشتی که اولین کار رسانه‌ای‌ام بود. حالا دیروز دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، به‌مناسبت بازنشستگی نیلی آیین نکوداشتی برای ایشان برگزار کرده و نگارنده در این یادداشت به دعوت سرویس اقتصادی روزنامه «فرهیختگان»، می‌خواهد نکاتی در نقد برخی آرای ایشان ارائه کند.

## ماجرای درآمد سرانه

یک مولفه مهم در اقتصاد کلان درآمد سرانه و قدرت خرید است. در این خصوص دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و طبیعی است که اگر اقتصاددان درمورد تغییرات درآمد سرانه محاسبات دقیقی نداشته باشد، سایر تحلیل‌های مبتنی‌بر این شاخص نیز دقیق نخواهند بود. مسعود نیلی یک اظهارنظر معروف دارد. ایشان زمانی که مشاور رئیس‌جمهور بود (سال ۱۳۹۶ ادعا کرد «درآمد سرانه ما در حال حاضر ۷۰ درصد درآمد سرانه سال ۱۳۵۵ است.» اگر چه محاسبات نیلی این واقعیت را نشان می‌داد، اما اقتصاددان گاهی سرش را از روی کاغذ بلند کند و مشهودات را ببیند. اگر محاسبه با آنچه با چشم‌های غیرمسلح قابل دیدن است فرق داشت، حتما یک جای کار محاسبه می‌لنگد. اگر کسی از درون روزنامه‌ها و خاطرات پدران و پدربزرگ‌ها هم سراغ بهره‌مندی عمومی از امکانات مادی زندگی را بگیرد، خواهد دید که قدرت خرید حتما افزایش یافته است. بخش مهمی از این افزایش بهره‌مندی هم به رشد تکنولوژی در جهان برمی‌گردد و ربطی به عملکرد اقتصادی کشوری خاص ندارد.

## خلاف مشهودات

جواد صالحی‌اصفهانی -استادتمام دانشگاه صنعتی ویرجینیا- یک هفته پس از این اظهارنظر در وبلاگش (Tyranny of numbers) در یادداشتی با عنوان «آیا سطح زندگی ایرانیان قبل از انقلاب بالاتر بود!؟ (پی‌نوشت)» به این ادعای نیلی واکنش نشان داد. صالحی‌اصفهانی در آن یادداشت توضیح داد که راحت‌ترین راه برای فهم اشتباه بودن این ادعا، نگاهی به آمارهای لوازم اساسی زندگی در خانوارهای شهری ایرانی است. او بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۲۰۱۶ (به کمک آمارهای هزینه و درآمد خانوار)، مقایسه‌ای انجام داد. براساس این آمارها دسترسی به برق از ۸۶ درصد به ۱۰۰ درصد رسیده بود. دسترسی به آب آشامیدنی از ۶۸ درصد به ۱۰۰ درصد رسیده بود. دسترسی به یخچال از ۲۳ درصد به ۹۹ درصد، ماشین لباسشویی از ۴ درصد به ۸۵ درصد، جاروبرقی از ۲ درصد به ۹۰ درصد، کولر از ۱۰ درصد به ۸۲ درصد، اتومبیل از ۷ به ۴۸ درصد و تلفن از ۸ درصد به ۱۰۰ درصد رسیده بود. در چنین شرایطی، چطور ممکن است قدرت خرید ۳۰ درصد کاهش یافته باشد!؟ صالحی‌اصفهانی بعد از آن بارها در همان وبلاگ توضیح داد که چرا برای بررسی تغییرات مربوط به درآمد سرانه باید از شاخص «نرخ دلار برابری قدرت خرید» استفاده کرد.

## کدام ابرتورم؟!

برخی ادعا می‌کنند چون ما درآمد سرانه میان سال‌های مختلف یک کشور را با هم مقایسه می‌کنیم، کافی است داده‌های بانک مرکزی یا مرکز آمار را با داده‌های مربوط به شاخص قیمت‌ها تعدیل کنیم و می‌پرسند چه لزومی دارد درآمد سرانه در دو مقطع برای ایران را با نرخ دلار ppp محاسبه کنیم. جواد صالحی‌اصفهانی پاسخ این پرسش را نیز در چند مقاله داده‌اند. به‌اجمال باید گفت در کشورهایی که تولید و صادرات (یا مصرف داخلی به قیمت یارانه‌ای) انرژی سهم بالایی دارد، محاسبه با نرخ دلار ppp دقیق‌تر است. با این حال نیلی و شاگردان -به‌طور مثال در نمودارهای ارائه‌شده در رویداد کیش‌اینوکس- همچنان از آمارهای ریالی تعدیل‌شده با شاخص قیمت‌ها استفاده می‌کنند. از دل این محاسبات طبعا گزاره‌های نادرستی استخراج می‌شود که تحلیل اقتصادی را در مراحل بعدی با اخلال مواجه می‌کند. گاه از این دست محاسبات و تحلیل‌ها در اظهارات نیلی دیده می‌شود. یکی از این موارد، پیش‌بینی ابرتورم در سرمقاله روزنامه‌ی دنیای اقتصاد (رشد حجم پول در وضعیت هشدار- ۱۴۰۱/۱۱/۱۶) بود که دیدیم رخ نداد. همان ایام روزنامه شرق در مصاحبه‌ای از جواد صالحی‌اصفهانی در مورد ابرتورم پرسید و ایشان احتمال ابرتورم در اقتصاد ایران در آینده نزدیک را رد کردند.

## اقتصاددان جامع‌الاطراف

اگر چه با برخی محاسبات مسعود نیلی (که مصادیقی از آن بالاتر آمد) همراه نیستم یا در مورد مواجهه ایشان با تحریم‌ها، گمان می‌کنم ایشان می‌بایست در منظومه فکری‌شان برنامه‌ای برای استمرار تحریم‌های ظالمانه اقتصادی نیز داشته باشند و این بخشی از مسئولیت اجتماعی ایشان است -که گمان می‌کنم ندارند و می‌پندارند فعال‌مایشاء در سیاست خارجی ایران است و اگر ما اراده سیاسی برای کوتاه‌آمدن در سیاست خارجی داشته باشیم، تحریم‌ها برداشته می‌شوند- خوب است به دو نقطه قوت‌شان نیز اشاره کنم. نخست اینکه نیلی از معدود اقتصاددان‌هایی است که توانست میان حضور در عرصه سیاستگذاری، دانشگاه و رسانه جمع کند و در هر سه حضوری پررنگ داشت. این جامع‌الاطراف بودن در کمتر اقتصاددانی در ایران پیدا می‌شود و خوب است سایر اقتصاددانان -حتی با مشرب‌های فکری دیگر- در این خصوص از او بیاموزند.

## یک سوءتفاهم

همچنین یک سوءتفاهم درمورد او این است که گمان می‌شود نگاهی به رفع فقر و نابرابری ندارد و می‌پندارد با رشد اقتصادی، فقر از بین می‌رود و نابرابری کم می‌شود. درحالی‌که چنین نیست. او مدت‌ها پیش در مقاله‌ای با علی فرحبخش، نشان داد که منحنی کوزنتس در اقتصاد ایران کار نمی‌کند. همچنین در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تسنیم (۱۹ آبان ۱۴۰۰) که توسط دوستانم گرفته شد (و من نیز در آن مصاحبه حضور داشتم) توضیح داد که «دولت در برابر فقر، نابرابری و ایجاد فرصت‌های برابر مسئول است.» او بعدتر در گفت‌وگوهایی با آقای حمید آذرمند در رسانه اکوایران درمورد وظایف دولت در رفع فقر و نابرابری توضیحات بیشتری ارائه کرد. مروری بر آن اظهارات نشان می‌دهد پیشنهادات نیلی درمورد رفع فقر و نابرابری به سیاست‌های کلی نظام و صلاح اقتصاد ایران بسیار نزدیک‌تر است تا پیشنهادات چپ‌گرایانه برخی مدعیان. در پایان به این استاد بازنشسته دانشگاه و سایر اساتیدی که در سال جاری بازنشسته شدند خداقوت می‌گویم و برایشان آرزوی عمر دراز و توفیقات روزافزون دارم.

## پی‌نوشت

Was the Living Standard of Iranians Higher Before the Revolution?

یادداشت

# ضعف و سوءتفاهم در تعریف «استقلال»

اکبر احمدی
دانش‌آموخته اقتصاد

مسعود نیلی، اقتصاددان و رئیس پیشین دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف بازنشسته شد و اخیرا در همان دانشگاه آیین گرامیداشتی برگزار کردند. به این مناسبت نگاهی انتقادی به محوری‌ترین راهکار او برای وضع اقتصادی فعلی داشتیم. مسعود نیلی معتقد است «سیاست» ما را به این روز انداخته است نه «سیاستگذاری اقتصادی». او با این جمله خودش -به‌مثابه اقتصاددان- را تبرئه می‌کند و توپ را در زمین سیاستمدار می‌اندازد. اما آیا این اظهارنظر، مبتنی‌بر شناخت دقیق سیاستمدار و ملاحظات اوست!؟ به‌نظر می‌رسد چنین نباشد. نیلی گمان می‌کند مشکل اصلی سیاست ما آن است که تعریف درستی از «استقلال» نداریم و اگر استقلال را به جای «انزوا»، «وابستگی متقابل» معنا کنیم، سیاست از جلوی راه سیاستگذاری اقتصادی کنار می‌رود و بخش مهمی از مشکلات اقتصاد حل می‌شود. در این یادداشت خواهیم دید که اولا تعریف سیاستمدار ایرانی از «استقلال»، انزوا نیست و در ثانی «وابستگی متقابل» نیز نمی‌تواند راهکار دقیقی باشد.

## ایده وابستگی متقابل

مسعود نیلی در فصل اول گفت‌وگوهای «آینده ایران» که توسط «رسانه‌ی آزاد» برگزار شد (انتشار در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۴۰۲) می‌گوید: «درمورد اصلاح سیاست داخلی و خارجی شرط لازم برای اصلاح اقتصادی است، هرچند کافی نیست. سیاست اقتصاد ما را به این روز انداخته، نه سیاستگذاری اقتصادی؛ چراکه سیاست زمین بازی اقتصاد را تعیین می‌کند. تعریف ما از استقلال کشور تعارض با دنیا و یک اقتصاد درون‌گرا را نتیجه داده است. درحالی‌که در جهانی که هر کشوری باید براساس منافع خودش نسبت دیگر کشورها رفتار کند، استقلال به معنای وابستگی متقابل و تعامل با دنیاست، نه خودکفایی و تقابل با دنیا.» وی پیش‌تر نیز در گفت‌وگو با اکوایران (تاریخ انتشار: ۱ دی ۱۴۰۱) گفته بود: «دیگر الان می‌توانیم با اطمینان بگوییم که ما نتوانستیم تعریفی که متضمن استقلال کشور باشد و از دلش تعامل با دنیا در بیاید، ارائه کنیم. فکر می‌کنیم که مستقل بودن یعنی در تعارض بودن، نه در تعامل بودن. براساس تحلیل‌های چند دهه پیش فکر می‌کنیم الان هر کشوری که در دنیا با کشورهای پیشرفته مناسباتی برقرار می‌کند، حتما در یک رابطه استعماری قرار گرفته است.»

## استقلال، انزوا نیست!

این در حالی است که اساسا تعریف رهبران انقلاب اسلامی از «استقلال» هیچ ربطی به ایده انزوای اقتصادی ندارد. هنگامی که نشریه «اکونومیست» از امام خمینی (ره) پرسید که [آیا شما ترتیبات یا قراردادهای بازرگانی، تجارتی و داد و ستد فعلی را با غرب ادامه خواهید داد؟ سیاست تجارتی شما چیست؟]، امام پاسخ دادند: «ما همان‌طور که از تولیدات داخلی کشور به هر دولتی که مشتری آن باشد می‌فروشیم و صادر می‌کنیم، همان‌طور هم هر چه را که در داخل به آن نیاز داشته باشیم از خارج می‌خریم. ولی در همه این تجارت‌ها بر مبنای دو طرف مساوی عمل خواهیم کرد و حاضر نیستیم که دولتی بخواهد مبادلات اقتصادی را اهرمی برای نفوذ سیاسی و تحمیل اغراض استعمارگرانه خود قرار دهد»[1] همچنین رهبر معظم انقلاب نیز بارها تصریح کرده‌اند که استقلال اقتصادی، به معنای لغو داد و ستد با دنیا نیست.[2] همچنین استقلال را مانع جذب سرمایه‌های خارجی نیز نمی‌دانند.[3]

## کدام وابستگی متقابل؟!

با این وجود سیاستمدار نگرانی‌هایی دارد که اقتصاددان باید آنها را درک کرده و برایشان چاره‌ای بیندیشد. ادبیات مسعود نیلی درمورد «استقلال به‌مثابه وابستگی متقابل» نشان می‌دهد این تفاهم میان او با سیاستمداران ارشد در کشور شکل نگرفته است. سیاستمدار نگران آن است که در نتیجه وابستگی متقابل، ایران در هاضمه سرمایه‌داری جهانی هضم نشود. در شرایطی که براساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ تنها ۰٫۹۹ درصد از اقتصاد دنیاست اما سهم ایالات متحده از اقتصاد جهانی ۱۵٫۴۲ درصد است، وابستگی متقابل بین این دو کشور دقیقا چه معنایی می‌تواند داشته باشد!؟ طبعا سخن گفتن از وابستگی متقابل میان ایران و کشورهای اروپایی نیز معنایی ندارد؛ چراکه در تجربه برجام دیدیم کشورهای اروپایی خودشان در «وابستگی متقابل!» با ایالات متحده گرفتارند و نتوانستند خلاف تصمیم ترامپ، روی زمین برای ایران کاری کنند.

## خلأ هویت

بنابراین برخلاف نگاه نیلی اتفاقا سیاستمداران ارشد کشور تعریف دقیقی از استقلال دارند. ایشان استقلال را به معنای «هضم نشدن در هاضمه سرمایه‌داری جهانی» می‌دانند. راهکار پیشنهادی برای تحقق این هدف نیز آن است که «بزرگ شدن اقتصاد» تقدم رتبی و زمانی بر «ایده وابستگی متقابل» داشته باشد تا توازن در وابستگی برقرار باشد. یکی از مقامات ارشد دستگاه دیپلماسی که اتفاقا به لحاظ سیاسی همسو با مسعود نیلی است، درمورد نگاه او به روابط بین‌الملل معتقد است این دیدگاه «هویت‌اندیش» نیست. حق هم همین است. وقتی کشور را به‌مثابه بنگاه اقتصادی ببینیم که برای بزرگ‌تر شدن باید وابستگی با سایر بنگاه‌ها -فارغ از اندازه‌شان- داشته باشد، عملا در بلندمدت، هویت ملی برایمان باقی نمی‌ماند. به عبارت دیگر، یکی از پیچ و مهره‌های نظام سرمایه‌داری غرب خواهیم بود.

## پی‌نوشت

۱- صحیفه، جلد ۵، صفحه ۳۸۴
۲- بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۲/۰۲/۱۵
۳- بیانات در مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### چرا حملات تلافی‌جویانه سنتکام در منطقه فعلا بیشتر مصرف داخلی دارد

# پوچ بازی کردن بایدن در نیمه‌شب بوکمال

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

**آمریکا شامگاه جمعه و بامداد روز شنبه حملاتی را علیه اهداف محور مقاومت در سوریه و عراق انجام داد. آمریکا ادعا کرده در این حملات به ۸۵ هدف حمله شده است. دولت عراق ظهر روز گذشته اعلام کرد به دنبال حمله آمریکا، ۱۶ شهروند عراقی به شهادت رسیده‌اند. رسانه‌های سوری نیز می‌گویند تهاجم به شرق این کشور ۱۰ شهید و ۱۸ زخمی برجای گذاشته است. این حمله در انتقام از حمله اوایل هفته گذشته مقاومت اسلامی عراق به موقعیت برج-۲۲ در خاک اردن انجام شده است. طی این واقعه بر اثر اصابت یک پهپاد انتحاری به خوابگاه سربازان سه نظامی آمریکایی کشته و ۴۷ نفر مجروح شدند. جنبش عراقی نجبا تاکید کرده به این تهاجم پاسخ خواهد داد. حملات آمریکا به منطقه در داخل آمریکا با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شده است. طیف جنگ‌طلب حزب جمهوری‌خواهان ضربات آمریکا را ضعیف توصیف کرده است. شبکه آمریکایی فاکس‌نیوز به نقل از رئیس مجلس نمایندگان آمریکا نسبت به تاخیر در پاسخ به مقاومت اعتراض کرده و گفته دولت بایدن یک هفته طول کشید تا به حمله به سربازان آمریکایی در اردن واکنش نشان دهد. پمپئو وزیر خارجه سابق آمریکا نیز با اشاره به دیرهنگام بودن عملیات از کاخ سفید خواسته هزینه‌هایی واقعی به ایران تحمیل کند. در برابر این اقدامات، فردی مانند رابرت اف. کندی، یکی از نامزدهای حاضر در رقابت‌های درون حزبی دموکرات‌ها برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال جاری گفته است: «اگر به دنبال درگیری نیستیم، پس بیایید نیروها را از آنجا (خاورمیانه) خارج کنیم.» در موضع‌گیری‌های داخلی آمریکا به‌طور کلی دموکرات‌ها با بایدن همراهی کرده و از دو جناح حزب جمهوری‌خواه که یکی جنگ‌طلب و دیگری انزواطلبند، تنها جنگ‌طلبان انتقاد کرده‌اند. انزواطلب‌ها نیز یا خواهان جلوگیری از وقوع جنگی جدید بوده یا سکوت کرده‌اند. به عبارت دیگر، به لحاظ ساختاری تنها نیمی از یک حزب در نظام دوحزبی آمریکا خواهان درگیری و تشدید تنش بیشتر با ایران است. واشنگتن از شرایط میدانی درس‌هایی گرفته که تا حدی در ساختار سیاسی این کشور نیز منعکس شده است.**

## درس‌هایی برای آمریکا

۱. آمریکا در منطقه قادر به ایجاد نظم یا تغییرات مدنظر خود نیست. حملات به افغانستان و عراق باید به افزایش امنیت رژیم منجر می‌شد. تداوم حضور در شرق سوریه باید در همین راستا عمل کند. جنگ یمن قرار بود چنین هدفی را تحقق بخشد. تمام این اقدامات نیز در قالب بسته‌های پیچیده و طولانی‌مدت همه‌جانبه با ایجاد تغییرات اجتماعی، اقتصادی سیاسی و به‌کارگیری ابزار نظامی صورت گرفتند. نتیجه تمام این اقدامات ۷ اکتبر و ناکامی‌های پس از آن است. تقریبا قضایا در منطقه مشخص است و آنچه معلوم نیست دلیل حرکات آمریکاست که صرفا خود را خسته می‌کند.

۲. مقابله با آمریکا در منطقه دولتی نیست و ریشه‌های عمیق مردمی دارد. ایران همانند شوروی و دولت‌های بازمانده از ساختار کمونیسم، دارای ایدئولوژی‌ها و سیاست‌هایی نیست که از راس به مردم دیکته شوند. مواجهه با آمریکا برخاسته از بطن مردم و ملت‌های منطقه است. واکنش لایه‌هایی از مردم به هرگونه مذاکره با آمریکا و بی‌اعتمادی مدافعان مذاکره با آمریکا به این کشور، در همین راستا قابل ارزیابی‌اند.

۳. مشکل آمریکا فراتر از بمب‌افکن‌ها و تسلیحات است. هنگامی که آمریکا موفق شد افغانستان و عراق را اشغال کند، تعداد بیشتری بمب‌افکن و سرباز با خود به منطقه آورده بود اما نتیجه چندانی حاصل نشد.

۴. بدون ایران هیچ کشوری قادر به بازیگری موثر در منطقه نیست. اقداماتی که برخی از طرف‌ها همانند آمریکا انجام می‌دهند، به‌کارگیری زور و فریبکاری در تعامل با ایران است تا بتوانند تاثیرات تهران در منطقه را خنثی کنند. در ارتباط با ایران، طرف‌های مختلف نباید روی فریبکاری خود حساب باز کنند. هر فریب، زمانی کشف می‌شود و پس از آن زیان‌های بی‌اعتمادی باقی می‌ماند؛ «اگر نمی‌توانید با فریب، کاری را پایان دهید، آن را انجام ندهید.»

۵. پایان رژیم در بازه‌ای چند ساله ریل‌گذاری شده است. با توسعه محور مقاومت و محاصره رژیم و بدتر از آن حمله ۷ اکتبر، صهیونیست‌ها اعتماد خود به امنیت را از دست داده‌اند. با اقدامات خاص مانند جنایت علیه مردم غزه و بمباران منطقه شاید بتوان آن را به تعویق انداخت؛ البته اگر سقوط رژیم را تسریع نکند. رژیم از همان ابتدای تولد ناقص به دنیا آمد و مشکل بی‌ثباتی مزمن داشت. امروز ارگان‌های حیاتی بیشتری از رژیم از کار افتاده‌اند و صهیونیست‌ها زندگی نباتی در فلسطین اشغالی دارند.

۶. مقاومت در منطقه با مردم درهم تنیده شده است. اگر گروه‌های مقاومت و مردم در غزه قابل تفکیک نیستند در دیگر بخش‌های منطقه نیز وضعیت به همین منوال است. بمباران گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه راه به جایی نمی‌برد.

۷. آمریکا برای مقابله با ایران افراد و گروه‌های غیرقابل اعتمادی را به استخدام درآورده یا با دولت‌هایی غیرقابل اعتماد همکاری می‌کند. آنها واشنگتن را در مسیری برخلاف منافعش هدایت می‌کنند. نقش‌آفرینی در تهیه و اجرای سیاست‌های آمریکا برای تضمین ابرقدرتی این کشور در قرن ۲۱ و کشاندن آن به جنگ‌های بی‌پایان منطقه دستپخت مشاوره‌های غیرصادقانه و توطئه‌های فریبکارانه دوستان ناباب واشنگتن بود.

۸. تاریخ دروغ نمی‌گوید. در زمان‌های کوتاه می‌توان دروغ گفت اما زمان طولانی و تاریخ آن را آشکار می‌کند. در برابر فشارهای چهار دهه‌ای ایران سقوط کرده یا ضعیف شده است؟ در برابر تلاش برای تضعیفش قادر به پاسخ نبوده است؟ آمریکا چهار دهه، یا دو دهه یا یک دهه قبل در کجا ایستاده بود و امروز در کدام نقطه قرار دارد؟ جنگ فرسایشی موجود را آمریکا در منطقه به راه انداخته است اما در روندهای بلندمدت ایران همچنان پیشرفت و آمریکا پسرفت می‌کند. واشنگتن اگر سیاست استکباری خود درخصوص تهران را تغییر ندهد، وضعیت در آینده به‌مراتب بدتر از امروز خواهد بود.

۹. ایران همانند آلمان در جنگ با آمریکا شکست نخورده است. همانند ترکیه نیازمند آمریکا نیست تا در برابر همسایگان حمایتش کند یا مانند کویت و امارات کشورهای کوچک و ذره‌ای نیست تا از کسب جایگاه‌های بزرگ ناامید باشد. در برهه‌ای نظام شاهنشاهی برای مقابله با همسایه قدرتمند یعنی شوروی نیازمند آمریکا بود اما به‌مرور مردم دریافتند کشوری که نظام سیاسی وقت به‌عنوان دوست خود برگزیده، از دشمن بدتر است و آن را از کشور خود اخراج کردند. آمریکا با وقوع حمله عراق به ایران، تلاش کرد نیاز امنیتی تهران به خود را یادآوری و تشدید کند اما به جایی نرسید. نظام سیاسی کنونی منطبق با نگاه مردم، آمریکا را دوستی نمی‌داند که برای موازنه قدرت‌های دیگر به کار ایران بیاید. تهران نه شکست‌خورده است، نه کشوری ذره‌ای و نه خواهان تامین امنیتش از سوی واشنگتن. بنابر این در چنین قالب‌هایی نیز با آمریکا وارد گفت‌وگو نمی‌شود. این رویه برای آمریکا زیان‌هایی دارد زیرا ایران دیگر به زیر یوغ واشنگتن نمی‌رود اما این الگو باعث شده ایران برای موازنه آمریکا به چین و روسیه نیز وابسته نشود. استقلال ایران همزمان با نقمت بودن، یک نعمت هم به حساب می‌آید. ایران به لحاظ استقلال و خوداتکایی و مدیریت میدان‌ها از بسیاری ملت‌ها بهتر عمل کرده و احترام بالاتر و نحوه تعاملی متفاوت‌تر با آن لازم است.

۱۰. حضور نظامی آمریکا در برهه‌ای به مشکل خورده که روسیه و چین درحال تقویت حضور نظامی خود در منطقه با اشکال مختلف هستند. روسیه به شکل کلاسیک و سنتی وارد منطقه شده و چینی‌ها نیز با رویکرد خود که شامل ایجاد پایگاه‌های دوگانه است که در صورت لزوم می‌تواند به پایگاه نظامی تغییر ماهیت دهند. در زمانی که همگان سود می‌کنند، واشنگتن بدون حل روابط خود با ایران در حال زیان‌دهی است؛ آن هم در دورانی که حضور نظامی در منطقه فراگیر شده است.

۱۱. ایران نمی‌تواند ملت‌ها را مجبور کند به آمریکا امتیازات بیشتری بدهند اما می‌تواند از آنها حمایت کند تا امتیازات بیشتری را از دستان این کشور خارج کنند. آمریکا همچنان قدرتمندتر است اما روند ازیاد قدرت در دو کشور بالعکس است.

۱۲. در حملات آمریکا به منطقه بار دیگر اروپایی‌ها راه خود را جدا کرده و محور آنگلوساکسونی به تنهایی در حال تهاجم است. عدم همراهی اروپا با محور آنگوساکسونی در موضوعی که می‌تواند مخرج مشترک غرب باشد، تنها نشان‌دهنده اختلافات در سیاست خارجی غرب نیست، بلکه نشان می‌دهد اعضای خارج از محور آنگلوساکسونی نمی‌خواهند این محور به پیروزی رسیده و سروری‌اش بر جهان غرب را ادامه دهد.

۱۳. ایران سابقه جنگ و نابودی زیرساخت‌ها را دارد. این تجربه به گذشته منحصر نیست و هم‌اکنون نیز جریان دارد. زیرساخت‌های ایران به دنبال تحریم‌ها آسیب دیده‌اند؛ گرچه بدون جنگ است اما نتیجه یکی است. پس آمریکا نباید روی هراس ایران از زیان قمار کند.

۱۴. ورود آمریکا به میدان جنگ منطقه نشان‌دهنده تنگنای رژیم و این کشور است. در هنگامه نشان دادن ضعف، توقع کاهش فعالیت دشمن بیهوده است. نشان دادن ضعف رژیم می‌تواند به تشدید فعالیت‌ها علیه آن تبدیل شود.

۱۵. حملات آمریکا در منطقه باعث افزایش اتصال این کشور به قضایای غزه و جنایت‌های رژیم شد. این موضوع لبه اقدامات جهادی علیه واشنگتن را به دست خود این کشور تندتر می‌کند. گروه‌های جهادی -حتی آنهایی که مورد نفوذ غرب قرار دارند- با فشار اعضا و سوگیری نیروهایشان به سمت اهداف آمریکا روبه‌رو خواهند شد. آمریکا درحال کاشت و آبیاری بذر نفرت در منطقه است که در کوتاه مدت نیز گریبانگیر این کشور می‌شود.

۱۶. برخلاف سیاست‌های راهبردی و منافع بلندمدت آمریکا، ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا به دنبال فتنه‌گری در منطقه برای از اهمیت نیفتادن خود، همکاران و هدایت‌کنندگانش است.

۱۷. بازدارندگی آمریکا از دست رفته است. پس از بمباران‌های آمریکا، پایگاه‌های این کشور بار دیگر مورد حمله مقاومت قرار گرفته است. با جلو و عقب کردن هرتعداد از بمب‌افکن‌های بزرگ آمریکایی، این بازدارندگی احیا نمی‌شود.

۱۸. هرچه آمریکا در منطقه دست و پا بزند، روابطش با ملت‌های منطقه از سطح تعارض به تنازع ارتقا می‌یابد. در تعارض، ملت‌ها می‌توانند حضور اشغالگرانه یا غیرقانونی آمریکا در کنار خود را تحمل کنند، اما در تنازع یک محیط جغرافیایی یا جای ملت ساکن در آن است و یا آمریکا؛ نتیجه چنین درگیری‌ای مشخص است، همانگونه که در افغانستان آمریکا مجبور به فرار شد.

۱۹. محور مقاومت دارای محدوده تعریف جغرافیایی است و به لحاظ رویکرد نیز نگاهش به دفاع غیرفعال است، نه دفاعی فعال با حرکات تند؛ به این معنا که گروه‌های مقاومت در هر سطح از ضربه میدان را خالی نمی‌کنند بدون آنکه این خالی نکردن میدان ارتباطی به توان تهاجمی و برابر آنها داشته باشد. در جنگ ۳۳ روزه و جنگ‌های غزه این اتفاق کمتر رژیم را خم کرد. پس حتی سکوت و آنچه انفعال دیده می‌شود، به نفع محور مقاومت است.

۲۰. آمریکا که تضعیف رژیم، عواملش در اقلیم کردستان و مزدورانش در شمال سوریه را دیده، به دنبال تضعیف گروه‌های محور مقاومت است تا از تغییر موازنه جلوگیری کند. این تغییر موازنه رخ داده است. آمریکا برای تشخیص این تغییر می‌تواند دوباره به نقشه منطقه نگاه کند.

۲۱. آمریکا قادر به تعیین مناسبات ژئوپلیتیکی در منطقه نیست. رژیم در بیرون و محیط داخلی فلسطین اشغالی محاصره شده و درگیر است. خطوط مواصلاتی دریایی آمریکا برای اتصال به منطقه دچار چالش شده است. این تحول با «بمب‌افکن‌کشی» به منطقه حل نمی‌شود.

۲۲. آمریکا باید تصمیم بگیرد رژیم مدافع منافع این کشور در منطقه است یا این آمریکاست که مدافع رژیم است و برای آن هر هزینه‌ای می‌دهد. هدف اصلی تحرکات در منطقه رژیم است و اگر آمریکا وارد درگیری‌ها نشود، آسیبی به منافع آن وارد نمی‌شود. قدرت‌ها دوره‌های حضور در غرب آسیا بدون رژیم را تجربه کرده‌اند و واشنگتن نیز بدون تل‌آویو قادر به تامین منافع خود در منطقه است. صهیونیست‌ها همانگونه که در اروپا تحمل نشدند، در منطقه نیز تحمل نخواهند شد. کشورهایی که میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا هستند، برای مدت‌ها یا تمایل نداشته و یا جرات نداشته‌اند با رژیم روابط برقرار کنند. این خود شاهدی بر تفکیک میان آمریکا و صهیونیست‌ها و تفاوت در نحوه تعامل با این دو در منطقه است. واشنگتن با اتصال خود به صهیونیست‌ها منافعی اندک در برابر زیان‌های حداکثری را برای خود خریده است.

## مدل ترامپ

جمهوری‌خواهان، صهیونیست‌ها و بخشی از جریانات وابسته در منطقه به طور مداوم از بایدن خواسته‌اند شبیه ترامپ با ایران رفتار کند. آنها بر موفق بودن این سیاست در خصوص ایران تاکید دارند. ترامپ در مواجهه با ایران ادعا می‌کند دو پیروزی داشته است؛ نخست سیاست فشار حداکثری و دوم ترور سردار سلیمانی که از اتفاق هردو به عنوان شکست‌های او محاسبه و درک شده‌اند. سیاست فشار حداکثری به طور رسمی شکست‌خورده نامیده می‌شود. سیاست فشار حداکثری رویگردانی مردم ایران از آمریکا را افزایش داد و زمینه‌های لازم برای تقویت برنامه هسته‌ای ایران را فراهم کرد. ترور سردار سلیمانی نیز ضرورت‌های برنامه‌های هسته‌ای و موشکی را بر همگان آشکار ساخت. به طور خاص، آمریکا تاکید می‌کرد با ترور سردار سلیمانی منطقه امن شده است اما در همان دوران ایران بلافاصله پایگاه‌های آمریکا را در اتفاقی بی‌سابقه پس از پایان جنگ جهانی دوم مورد تهاجم قرار داد و سپس منطقه فرار این کشور از افغانستان و جنگ طوفان الاقصی را دید. اقدامات ترامپ نه‌تنها به لحاظ دیدگاه‌های فکری موفقیتی برای آمریکا نبود، بلکه به لحاظ فیزیکی و زیرساختی نیز دستاوردی برای این کشور نداشت و به پیشرفت‌های بزرگ ایران منجر شد. بازگشت ترامپ امضای قطعی بر رشد خیره‌کننده برنامه هسته‌ای و موشکی ایران خواهد بود و این امر پایداری مردم ایران برای تحمل فشارهای این مسیر را نیز افزایش خواهد داد. سیاست‌های نمایشی ترامپ با فریبکاری در اقدام و در ارائه دستاوردها همراه بود.

### روایتی از تراژدی طبقاتی در کویت

# «بی‌وطن»ها در وطن

هانیه کمری
خبرنگار

شاید همه ما با شنیدن واژه «خادم» و «خادمه» یاد قرن اول هجری بیفتیم و مردانی سیاه‌چرده از حبشه و زنان نصرانی از روم را تصور کنیم که در نخلستان و حیاط خانه‌ای عربی مشغول کارند یا در دربار والی یک شهر او را با برگ‌های بزرگی باد می‌زنند. اگر کسی از اختلاف طبقاتی صحبت کند در ذهن‌مان خاندان «مدیچی» و امثال‌شان را سرزنش می‌کنیم و نفرینی نثار خانواده تناردیه و فاتحه‌ای برای عموتام می‌فرستیم و صحبت اگر از فاقد هویت بودن ساکنان اصلی یک سرزمین باشد، سرخپوست‌های آمریکا را تصور می‌کنیم. اما نه! همین حالا که این کلمات را می‌بینید سواحل جنوبی خلیج‌فارس -مثل خیلی جاهای دیگر- میزبان کارگران مهاجر و مردمان بدون هویت است. یا به اصطلاح این کشورها: «خادم» و «بدون». بعد از اینکه آوازه ثروت کشورهای خلیج‌فارس در دنیا پیچید، کارگران زیادی مخصوصا از شرق و جنوب‌شرق آسیا به این کشورها سرازیر شدند. آمارهای چهار سال گذشته می‌گویند از حدود ۵۶ میلیون نفری که در شش کشور شورای همکاری خلیج‌فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر) زندگی می‌کنند، نزدیک به ۲۲ میلیون نفر کارگران خارجی هستند. در خیابان‌های کویت که راه بروید پشت سر هر خانواده عرب، زنانی را با لباس‌هایی خاص می‌بینید که مراقب فرزندان خانواده‌های کویتی هستند؛ زنانی که از چهره‌هایشان پیداست اهل این طرف‌ها نیستند. بیشترشان از فیلیپین، بنگلادش و سریلانکا آمده‌اند. مردان این کشورها هم غالبا خادم خانه، راننده و کارگر هستند. مثل جمعیت زیاد هندی‌ها، پاکستانی‌ها و مصری‌های ساکن کشورهای خلیج‌فارس. گفته می‌شود از چهار میلیون جمعیت کویت نزدیک به دو میلیون نفر آنها مصری هستند. کویتی‌ها کمتر از ۵۰ درصد جمعیت کشور خود را تشکیل می‌دهند. هندی‌ها در کویت غالبا در درمانگاه و بیمارستان به‌عنوان کادر درمان مشغول به کار می‌شوند و بعد از مدتی غالبا به کانادا مهاجرت می‌کنند.

در طی این سال‌ها اتفاقاتی برای مهاجران آسیایی در این کشورها رخ داد. مثلا هنگام ساخت ورزشگاه‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، حداقل روزی یک کارگر بر اثر حوادث کاری، فوت کرده است. طبق آمار سازمان عفو بین‌الملل تا سال ۲۰۲۱ بیش از شش هزار کارگر نپالی، فیلیپینی و... فقط در حین ساخت استادیوم‌ها جان باختند. این وقایع دولت‌های شرق آسیا را مجبور به حمایت بیشتر از شهروندان‌شان کرد. مثلا فیلیپین نمایندگی‌های دیپلماتیک قوی در منطقه ایجاد و مهاجرت کارگران به برخی از کشورهای خلیج‌فارس را ممنوع کرد. حالا هم کویت و عربستان سعودی طبق توافق با دولت فیلیپین حمایت از کارگران خانگی مهاجر این کشور را تضمین می‌کنند. هند تفاهمنامه‌های مشابهی را با کویت، امارات و قطر امضا کرده است. پاکستان نیز با قطر و امارات با تمرکز بر کارگران خانگی چنین تفاهمی را امضا کرده است. اما در هیچ‌یک از این قراردادها به صراحت به کارگران خانگی یا حقوق آنها اشاره نشده است. آمارها نشان می‌دهد بسیاری از زنان مهاجر کارگر خانگی (MWDWs) در معرض سوءاستفاده هستند. دولت کویت در صورت تعرض به این زنان دو راه را پیش روی شهروندانش قرار داده است: زندان یا ازدواج با آنها!

نمود این اتفاق در ادبیات تبدیل به یک رمان قابل توجه به نام «ساقه بامبو» به قلم «سعود السنعوسی» نویسنده و روزنامه‌نگار کویتی شده است؛ کتابی که جایزه بوکر (مهم‌ترین جایزه داستان جهان عرب) را از آن خود کرده است. بامبو، گیاهی است که در هرجا ریشه می‌دواند و از همین‌رو نویسنده، چنین نامی را برای کتابش برگزیده است. ساقه بامبو از داستان عشق یک دختر فیلیپینی و پسر یک خانواده کویتی عبور کرده و به زندگی فرزند آنها می‌پردازد. این رمان پر از نشانه، اطلاعات و جزئیات فرهنگی از شرایط زیستی و اجتماعی این دو محیط است. به‌عنوان نمونه، «عیسی»، نامی که نویسنده بر شخص اول داستان کتاب گذاشته نامی است که نه اسلامی است و نه مسیحی، بلکه بین این دو است.

تراژدی طبقاتی دیگر در کویت ماجرای «بدون»ها است. بدون‌ها، خانواده‌های اصیل کویتی‌اند که هویت کشورشان را ندارند. سال ۱۳۴۰ خورشیدی وقتی کویت از استعمار بریتانیا مستقل شد، پروژه ملت‌سازی را آغاز کرد. بدون ملیت‌ها، همان بادیه‌نشینان کویت هستند که در آن زمان به هر دلیلی از این قانون جا ماندند. برخی در سفر بودند و وقتی برگشتند فهمیدند در کشورشان جایگاه اجتماعی ندارند. برخی از آنها بزرگان قبیله بودند که می‌گفتند همه می‌دانند که ما نسل‌هاست کویتی هستیم؛ چرا باید برای اصالت‌مان کاغذ و مدرک بگیریم؟ در کویت بسیارند خانواده‌هایی که یکی از برادران تابعیت کویتی دارد و برادر دیگرش بدون ملیت است. دولت کویت تعداد بدون‌ها را ۸۵ هزار نفر اعلام کرده، اما فعالان سیاسی این کشور تعداد را بیش از ۲۰۰ هزار نفر می‌دانند. این درحالی است که تمام کشورهای خلیج‌فارس مشکل تبعیت بادیه‌نشینان را حل کرده‌اند. فعالان بدون کویتی مانند «خدیجه الشمری» و «عبدالحکیم الفضلی» معتقدند اراده حاکمیت بر حل مشکل بدون‌ها نیست. فضلی در گفت‌وگویی توضیح داد این اتفاق از «توصیه‌های» مقامات بریتانیا در حال زمان خروج از کشور بوده است. آنها می‌خواستند دادن تابعیت به کویتی‌هایی که از قبایل شمالی می‌آیند، محدودتر باشد. قبایل شمال کسانی بودند که بریتانیا معتقد بود بعدا به منبع نگرانی سیاسی و انتخاباتی تبدیل خواهند شد. در عوض، اعطای ملیت به قبایل جنوبی را با این ادعا که کنترل سیاسی آنها آسان‌تر است، ترجیح دادند.

کویت، برای کویتی‌هاست. خدمات اجتماعی، تحصیلی و حتی درمانی به‌راحتی به غیرکویتی‌ها داده نمی‌شود. حتی بانک «بیت التمویل» کویت از چند هفته قبل تصمیم گرفته برای ایرانی‌ها حسابی باز نکند و حساب‌های فعلی ایرانیان را هم ببندد. حالا شش دهه است که بدون‌های کویت در برزخ قانونی، از مدارک معتبر و خدمات اجتماعی محروم هستند و به حقوق‌شان برای سلامت، آموزش و اشتغال دسترسی ندارند. گاهی خبر خودکشی آنها توجه جامعه را جلب می‌کند. گاهی تجمع می‌کنند و با آنها برخورد قانونی سختی می‌شود. اینجا کویت است. کشوری که در فرهنگ عامه ما به‌عنوان مهد رفاه شناخته می‌شود. کشوری که با کارگران مهاجرش، با بدون‌هایش، با نبود منابع آب آشامیدنی و با اختلاف بین حکومت و پارلمان دست‌وپنجه نرم می‌کند. به این لیست باید اعتیاد را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کویت اضافه کرد تا فهمید کویت از نزدیک، آنقدرها هم کویت نیست.

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۸۱۲
یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
۲۳ رجب ۱۴۴۵
۴ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۴۰۷۴
| Sun | 4 Feb 2024 | vol.15 |
No. 4074 | 16 Pages

محمد کشاورز: رکوردهای گیتی‌پسند سال‌های سال دست نخورده باقی می‌مانند

## لیگ ایران بهترین لیگ آسیاست

عبدالکریم پرسپولیس را بالانس کرد

## ناکامی مرد برزیلی در مدیریت حواشی اردوی دبی

محمد ربیعی: برای فکر کردن به فینال خیلی زود است

## ژاپن به خاطر مدل بازی ما سورپرایز شد

گزارش خبرنگار اعزامی «فرهیختگان» به جام ملت‌های آسیا

## آزمون: اگر مربی آن حرف‌ها را نمی‌زد شاید امروز خوب بازی نمی‌کردم

## عزت‌اللهی: نباید اجازه دهیم اشتباه ۴ سال قبل تکرار شود

## محبی: قسمت این بود که بازی را دراماتیک ببریم

با برد فوق‌العاده مقابل ژاپن، تیم ملی حالا در دوقدمی فتح آسیاست

# جهان با من برقص

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### با برد فوق‌العاده مقابل ژاپن، تیم ملی حالا در دوقدمی فتح آسیاست

# جهان با من برقص

فرهیختگان

تیم ملی ایران در یک چهارم نهایی جام ملت‌های آسیا دست به کار بزرگی زد و با ارائه نمایشی عالی برابر ژاپن مدعی به برتری ۲ بر یک رسید تا راهی نیمه‌نهایی این مسابقات شود. ملی‌پوشان ما که در دیدار قبل برابر سوریه به سختی به برتری رسیده بودند، این بار در غیاب مهدی طارمی محروم، بازی را آغاز کردند. در ابتدای بازی مشخص بود که استرس این دیدار روی عملکرد هر دو تیم تاثیر منفی داشته و دو قدرت برتر فوتبال آسیا با احتیاط زیادی برابر هم بازی می‌کنند. درحالی‌که بازی تقریبا در شرایط برابر پیش می‌رفت یک اشتباه عجیب در خط دفاعی باعث شد تا دروازه تیم ما در دقیقه ۲۸ توسط هیدماسا موریتا باز شود. اگرچه نیمه نخست با همین یک گل به پایان رسید اما با شروع نیمه دوم نمایش متفاوتی را از بازیکنان خود شاهد بودیم. در ادامه درحالی‌که ۱۰ دقیقه از این نیمه سپری شده بود، پاس عالی سردار آزمون را محمد محبی به گل تساوی ایران تبدیل کرد تا روحیه بازیکنان ما دوچندان شود. تیم ما که یک بازی سخت و ۱۲۰ دقیقه‌ای را در مرحله قبل پشت سر گذاشته بود با انگیزه فراوانی بازی را دنبال می‌کرد و با تلاش و دوندگی زیادی به دنبال گل بعدی بود. این درحالی بود که ژاپنی‌ها که پیش از این تورنمنت رقبای تدارکاتی خود را با بردهای پرگلی شکست داده بودند در این بازی در ایجاد موقعیت روی دروازه تیم ایران ناتوان بودند و درنهایت در آخرین دقیقه وقت تلف شده بازی خطای مدافعان این تیم روی کنعانی‌زادگان را داور مسابقه پنالتی تشخیص داد تا علیرضا جهانبخش به زیبایی توپ را وارد دروازه سامورایی‌ها کند تا یوزهای ایرانی در یک بازی دراماتیک و تاریخی حریف قدرتمند خود را شکست داده و به جمع ۴ تیم برتر تورنمنت راه پیدا کنند.

## پس از ۱۹ سال

آخرین برد ایران برابر ژاپن در سال ۲۰۰۵ بود که ایران در ورزشگاه آزادی با دو گل وحید هاشمیان توانسته بود دو بر یک برنده شود و حالا بعد از ۱۹ سال، رقیب دیرینه برابر ایران شکست خورد. ایران در هر چهار دوره جام ملت‌های آسیا نه‌تنها نتوانسته بود ژاپن را شکست دهد، بلکه هنوز به این تیم گل نزده بود و حالا هر دو مانع برداشته شد. در جام ملت‌های ۱۹۸۸ دو تیم به تساوی بدون گل رسیدند. ۴ سال بعد این ژاپن بود که با یک گل تیم ما را شکست داد. در سال ۲۰۰۴ هم دیدار دو تیم برنده نداشت و با تساوی بدون گل خاتمه یافت و در دوره قبلی هم سامورایی‌ها در نیمه‌نهایی با سه گل تیم ما را شکست دادند.

بعد از پیروزی ۲ بر یک ایران مقابل ژاپن محمد محبی به‌عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شد. او در دقیقه ۵۵ دیدار مقابل ژاپن گل اول تیم کشورمان را به ثمر رساند و در طول مسابقه یکی از بهترین بازیکنان زمین بود. محبی در پایان این مسابقه گفت: «خدا را شکر می‌کنم که توانستیم بازی را ببریم. هر دو تیم در سطح فوق‌العاده‌ای بازی کردند. بازی سختی بود سطح بازی از آسیا فراتر بود. از همه بازیکنان تشکر می‌کنم. مردم ایران هم خیلی ما را دعا کردند و از همه آنها ممنونم. امیدوارم دست پر به کشور برگردیم و باعث سربلندی ایران شویم.» وی افزود: «به هر تیمی که روبه‌روی ما قرار می‌گیرد احترام می‌گذارم. شما به این اشاره کردید که ما در جام ملت‌های آسیا تا به حال ژاپن را شکست نداده بودیم اما من تا الان به این موضوع فکر نکرده بودم. ما تمرکزمان را روی پنل تاکتیکی خودمان گذاشتیم و سعی کردیم بهترین عملکرد را داشته باشیم. امروز یکی از بهترین بازی‌های تاریخ ایران را انجام دادیم. مهدی طارمی دیشب نیم ساعت با من صحبت کرد و کمک کرد امروز بدون استرس با تمرکز بالا بازی کنم و فشار بازی روی من تاثیر نگذارد.» وینگر تیم ملی اضافه کرد: «امروز جای مرتضی پورعلی‌گنجی، صادق محرمی و مجید حسینی خالی بود. این برد از یکدلی و اتحاد تیم ملی به دست آمد.»

## جهانبخش: با قلب‌مان بازی کردیم

علیرضا جهانبخش، زننده پنالتی حساس دقایق پایانی این دیدار نیز در پایان مسابقه گفت: «تنها کسی که کنار زمین گفت علی برو پنالتی را بزن کریم انصاری‌فرد بود. خدا را به خاطر این برد ارزشمند شاکریم. ژاپن تیم قابل احترامی بود اما فعل خواستن را در تیم ما دیدند، مخصوصا وسط نیمه و زمانی که یک بر صفر عقب بودیم، بچه‌ها همه ایمان داشتند که می‌توانیم به بازی برگردیم. نیمه دوم باید با قلب‌مان بازی می‌کردیم تا مردم را خوشحال کنیم. خدا را شکر شرمنده مردم نشدیم. پنالتی را با همه وجودم زدم؛ چراکه فشار ۹۰ میلیون ایرانی روی دوشم بود و خدا را شکر شرمنده مردم نشدم.»

امید ابراهیمی هم یکی از ستاره‌های تیم ما در این مسابقه بود که با تلاش زیاد اجازه بازیسازی به هافبک‌های تیم حریف را نداد. او در پایان مسابقه گفت: «خدا را شکر می‌کنیم، بچه‌ها از جان‌شان مایه گذاشتند و با غیرت بازی کردند. ما در بین دو نیمه با هم صحبت کردیم که هنوز چیزی از دست ندادیم و ۴۵ دقیقه وقت داریم. گل ژاپن به ما شوک وارد کرد. در نیمه دوم ژاپن یک توپ را هم روی دروازه ما نیاورد. بچه‌های ما باغیرت بازی کردند و از جان مایه گذاشتند. این پیروزی مبارک مردم باشد. امیدوارم این شرایط ادامه داشته باشد و به فینال راه پیدا کنیم.»

سعید عزت‌اللهی، دیگر هافبک تیم ما هم پس از این مسابقه درباره نمایش خوب تیم ما برابر ژاپن گفت: «ابتدا خسته نباشید می‌گویم به کادر فنی و بازیکنان. واقعا دمشان گرم. امروز فعل خواستن را صرف کردیم و نشان دادیم که اگر ایرانی‌ها بخواهند کاری را انجام دهند هیچ نیرویی جلودارشان نیست. دست خانواده‌های خود و مردم را می‌بوسم که حامی ما بودند و خدا را شکر که شرمنده آنها نشدیم. ما در بازی قبلی ۱۲۰ دقیقه بازی کرده بودیم و استرس پنالتی‌ها را هم داشتیم. از طرف دیگر زمان زیادی هم برای ریکاوری نداشتیم و این موضوع کار ما را سخت کرده بود. در این مدت، همه شبانه‌روزی همت کردیم و نتیجه‌اش را امروز مقابل ژاپن گرفتیم.» وی افزود: «از حالا باید از نظر ذهنی خود را ریکاوری کنیم تا در ۳ روز آینده آماده مرحله نیمه‌نهایی شویم.»

گزارش خبرنگار اعزامی «فرهیختگان» به جام ملت‌های آسیا

## آزمون: اگر مربی آن حرف‌ها را نمی‌زد شاید امروز خوب بازی نمی‌کردم

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

**ملی‌پوشان فوتبال ایران پس از برتری تاریخی برابر ژاپن امیدوارانه درباره ادامه کار خود در این تورنمنت صحبت می‌کنند و حالا با روحیه خوبی مهیای بازی نیمه نهایی می‌شوند.**

سردار آزمون بعد از برتری دو بر یک ایران برابر ژاپن و صعود به نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا اظهار کرد: «بازی خوبی را انجام دادیم و خدا را شکر بردیم. بازیکنان ما به هم دلگرمی می‌دهند. تیمی به این اندازه متحد تا به حال ندیده بودم. نه زمان کی‌روش و نه زمان اسکوچیچ تیم ملی را این‌طور ندیده بودم.» او در پاسخ به سوال خبرنگار اعزامی «فرهیختگان» درباره صحبت‌های امیر قلعه‌نویی پس از پایان بازی با سوریه گفت: «مربی به من احترام می‌گذارد و مشکلی ندارم که نامم را بیاورد. اگر او آن حرف‌ها را نمی‌زد شاید من امروز خوب بازی نمی‌کردم، چون از من انتظار دارد. وقتی مربی از من ناراحت است، انگار پدرم از من ناراحت است.»

## عزت‌اللهی: نباید اجازه دهیم اشتباه ۴ سال قبل تکرار شود

عزت‌اللهی در پاسخ به خبرنگار اعزامی «فرهیختگان» درباره اینکه چقدر امیدوار است که پس از سال‌ها تیم ما بتواند راهی فینال شده و برای چهارمین بار جام قهرمانی را بالای سر ببرد گفت: «قبل از تورنمنت هم گفتم که باید بازی به بازی پیش برویم. ما فقط باید تا امشب به خاطر کار بزرگی که انجام دادیم خوشحال باشیم. از فردا باید روی حریف‌مان در نیمه‌نهایی تمرکز کنیم و با توجه به اینکه بازیکنان باتجربه زیادی داریم نباید اجازه دهیم که اشتباه چهار سال قبل در این مرحله تکرار شود. خود من امروز یکی از بهترین بازی‌هایم را ارائه کردم و در اکثر سایت‌ها هم نمره خوبی گرفتم.»

## محبی: قسمت این بود که بازی را دراماتیک ببریم

محمد محبی نیز در پاسخ به خبرنگار اعزامی «فرهیختگان» به قطر درباره اینکه با نمایش خوبی که داشت و پاسخ خوبی به منتقدانش داد، افزود: «کار خدا بود. پیش از بازی به حضرت ابوالفضل(ع) متوسل شدم. در این بازی فرصت داشتم که یک گل دیگر هم بزنم اما ظاهرا قسمت این بود که بازی را دراماتیک ببریم.»

فوتبال ایران

### محمد ربیعی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: برای فکرکردن به فینال خیلی زود است

## ژاپن به خاطر مدل بازی ما سورپرایز شد

تیم ملی فوتبال کشورمان در یک بازی بابرنامه و حساب‌شده توانست با نتیجه دو بر یک از سد تیم قدرتمند ژاپن عبور کند تا یک گام بزرگ برای رسیدن به فینال جام ملت‌های برداشته باشد. محمد ربیعی، سرمربی تیم فوتبال ذوب‌آهن با تمجید از عملکرد تیم ملی در این فینال زودهنگام مسابقات به «فرهیختگان» گفت: «بازی بسیار خوبی را از تیم ملی دیدیم که جای تقدیر دارد. کادرفنی تیم ملی در این مسابقه استراتژی کاملا درستی را در کنار ترکیب مناسب برای عبور از سد تیم خوب ژاپن انتخاب کرده بود. تقریبا دو هفته پیش بود که در برنامه تلویزیونی گفتم اگر قرار شد با ژاپن بازی کنیم باید همین استراتژی را با نفراتی که به میدان رفتند، انتخاب کنیم. خدا را شکر این استراتژی جواب داد و جا دارد این برد را به همه مردم عزیز ایران و بازیکنان و مربیان تیم ملی علی‌الخصوص امیر قلعه‌نویی تبریک بگویم.» وی در پاسخ به این سوال که آیا عامل اصلی برتری تیم ملی روی آوردن به بازی فیزیکی و مستقیم بود؟ عنوان کرد: «تیم ملی دوندگی خیلی زیادی را در این بازی در برنامه خود داشت و در کنار آن استفاده درست از توپ‌های بلند و تصاحب توپ سوم پشت هافبک‌های تیم ژاپن و ایجاد موقعیت گل که به نظرم این کار را در نیمه دوم خیلی عالی انجام دادیم. ژاپن یک تیم بسیار قدرتمند و باکیفیت است اما برای مقابله با این استراتژی عاجز بود. آنها تیمی هستند که در توپ‌گیری مخصوصا در زمین حریف خیلی خوب عمل می‌کنند اما ما سعی می‌کردیم با ارسال توپ‌های بلند و در کنار دوندگی زیاد سعی کنیم توپ را در زمین آنها مال خود کرده و آن را تبدیل به ضدحمله کنیم که یک استراتژی مناسب برای شکست حریف بود.»

وی در واکنش به این سوال که آیا در بازی ژاپنی‌ها غرور هم دیده می‌شد یا نه؟ اظهار داشت: «فکر نمی‌کنم در این سطح از بازی بازیکنان حرفه‌ای ژاپن بخواهند تیم ما را دست‌کم بگیرند. نظر من این است که این تیم بیشتر مقابل استراتژی تیم ملی سورپرایز شد.» ربیعی راجع به اینکه ترجیح می‌دهد تیم ملی در فینال مقابل چه تیمی بازی کند، یادآور شد: «هنوز تا فینال راه سختی باقی مانده و نباید فکر کنیم عبور از نیمه نهایی راحت است. ما تا شب گذشته اجازه هرگونه شادی را داشتیم و از امروز فقط باید روی حریف مرحله نیمه نهایی تمرکز کنیم. سابقه داشته که در یک تورنمنت کره و عربستان را در این مراحل شکست دادیم اما در مرحله نیمه نهایی و در ضربات پنالتی باخته‌ایم.»

### قلعه‌نویی: این بازی نقطه‌عطفی برای فوتبال ایران بود

## فوتبال ما در نیمه دوم فراتر از آسیا بود

امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی بعد از برتری برابر ژاپن گفت: «برنامه داشتیم که خط هافبک ژاپن را از بازی خارج کنیم. قبل از گلی که دریافت کردیم در این کار موفق نبودیم اما بعد از آن توانستیم در این راه موافق باشیم. در ۴۵ دقیقه تیم ما فوتبالی را ارائه کرد که از سطح آسیا بالاتر بود. من از مسئولان می‌خواهم نگاه‌شان را به فوتبال تغییر دهند، حمایت از کل فوتبال و باشگاه‌ها بشود. باید مانند همین قطر استادیوم‌ها و زمین‌های خوب داشته باشیم. امروز این جوان‌ها به خاطر مردم به میدان رفتند و با ارائه یک بازی تکنیکی و تاکتیکی، یک برد شیرین را رقم زدند. این بازی نقطه عطفی برای فوتبال ایران بود؛ چراکه جوان‌های ما امروز کار بزرگی کردند.» سرمربی تیم ملی یادآور شد: «نمی‌خواهم از کسی انتقاد کنم اما خواهش می‌کنم ایرانی را باور کنید. نه فقط در فوتبال در همه رشته‌ها، ایران و ایرانی می‌تواند کارهای بزرگی انجام بدهد ولی متاسفانه در چند سال گذشته این فضا به وجود نیامده است. در تورنمنت کافا و اردن که رفتیم، چقدر به ما حمله کردند؟ حتی گفتند اگر ما هم جمع می‌شدیم این تیم‌ها را می‌بردیم. از هشت تیم مرحله یک‌هشتم جام ملت‌ها، پنج تیم از تورنمنت کافا و اردن بودند، دو تیم از آنها یعنی ما و اردن به چهار تیم رسیدند.»

### محمد کشاورز در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: رکوردهای گیتی‌پسند سال‌های سال دست‌نخورده باقی می‌مانند

# لیگ ایران بهترین لیگ آسیاست

### دوست دارم VAR به فوتسال ایران هم بیاید

### همه از تیم ملی فوتسال توقع قهرمانی در آسیا دارند

سید مهدی خادم نبی
خبرنگار

**تیم گیتی‌پسند اصفهان چهار هفته مانده به پایان لیگ توانست با ۲۱ برد و تنها یک تساوی و بدون شکست، قهرمانی لیگ برتر فوتسال ایران را به دست بیاورد. این پنجمین قهرمانی گیتی‌پسند در تاریخ لیگ و همچنین دومین قهرمانی دوران مربیگری محمد کشاورز، سرمربی این تیم اصفهانی بود که امسال به دست آمد. بعد از رقم خوردن این قهرمانی به سراغ کشاورز، کاپیتان اسبق تیم ملی فوتسال و سرمربی حال حاضر گیتی‌پسند رفتیم و درخصوص این فصل از لیگ برتر با او صحبت کردیم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با کشاورز را در ادامه می‌خوانید.**

**از قهرمانی در لیگ برتر فوتسال شروع کنیم. این فصل برای شما چگونه بود؟**

اگر بخواهم از اول بگویم، باید از جلسه ابتدای فصل با هیات‌مدیره باشگاه گیتی‌پسند شروع کنم. در این جلسه قرار شد تا در تیم تغییرات گسترده‌ای داشته باشیم. در ابتدا با هفت ستاره فصل قبلی خداحافظی کردیم تا فضا برای کار کردن با جوانان بیشتر شود. امسال سال بسیار فوق‌العاده‌ای برای ما بود و من از همه بچه‌ها راضی هستم. معتقدم این اتفاق بزرگ حاصل یک کار تیمی بوده است. از همه بازیکنان، همکارانم در کادرفنی و مسئولان باشگاه برای رقم زدن این قهرمانی مقتدرانه تشکر می‌کنم.

**گیتی‌پسند در این فصل رکوردهای عجیبی را از خود بر جای گذاشت.**

بله امسال جدا از قهرمانی، به نظرم اعداد و ارقام شگفت‌انگیزی از تیم ما ثبت شد؛ هرچند که ما به دنبال رکوردشکنی نبودیم. این اتفاقات حاصل زحمات بازیکنان بود و به نظرم تا سال‌های سال این رکوردها دست‌نخورده باقی خواهند ماند.

**شما در این فصل جوان‌گرایی کردید و نتیجه گرفتید. تجربه جوان‌گرایی را چگونه دیدید؟**

مهم‌ترین فاکتور جوان‌گرایی این است که این کار دیدگاه واقعی ما باشد و باشگاه هم از این موضوع به خوبی حمایت کند. معتقدم باید به جوان‌ها فرصت داد و به آنها اعتماد کرد. درست است که قهرمان شدیم اما اعتقاد دارم این کار صبر و حوصله می‌خواهد. در مقطعی باید تاوان اشتباهات جوان‌ها را داد تا آنها رشد کرده و بتوانند در آینده به تیم ملی کشورمان کمک کنند. اگر این اعتماد وجود نداشته باشد و بعد از دو هفته از این کار پشیمان شویم، کار سخت می‌شود. البته ما از نقش باتجربه‌های تیم گیتی‌پسند نیز نباید بگذریم. آنها در این فصل کمک زیادی به ما کردند و من از آنها ممنونم.

**در چهارمین سال مربیگری، به دومین قهرمانی خود در قامت سرمربی دست پیدا کردید.**

باید از مدیران باشگاه گیتی‌پسند تشکر کنم که به من اعتماد کردند و سکان این تیم بزرگ را به من سپردند. در این راه خیلی‌ها به من کمک کرده و از من حمایت کردند و باید از آنها نیز ممنون باشم. من برای کارم زیاد وقت می‌گذارم و به چند ساعت تمرین قانع نیستم. علاقه زیادی به این کار دارم و همیشه می‌خواهم برنامه‌های جدید داشته باشم. سعی می‌کنم از علم روز دنیای فوتسال عقب نمانم و حالا نیز خدا را شکر می‌کنم که با لطف او توانستم این قهرمانی‌ها را در سال‌های ابتدایی مربیگری به دست بیاورم.

**به سراغ لیگ برویم. مس سونگون رقیب همیشگی شما در این فصل نتوانست با گیتی‌پسند رقابت پایاپای داشته باشد. دلیل این موضوع چه بود؟**

به شخصه برای مس احترام زیادی قائل هستم چراکه آنها همیشه مدعی بودند و بخشی از پیشرفت تیم گیتی‌پسند نیز به دلیل وجود مس سونگون است

اما امسال شرایط ما خیلی خوب بود و در یک برهه‌ای از زمان، در جدول از این تیم جدا شدیم و ماه‌ها بود که حساسیت در بالای جدول از بین رفته بود. این ذات ورزش است؛ یک روز قهرمان می‌شوی و روز دیگر نمی‌توانی به هدفت برسی. جا دارد به مس و تیم‌های دیگر لیگ برتر خسته نباشید بگویم.

**لیگ‌های سال‌های اخیر نسبت به لیگ‌های زمانی که بازی می‌کردید، چه تغییرات داشته است؟**

در آن سال‌ها یکی دو تیم بودند که هزینه می‌کردند و تمام ستاره‌ها را می‌خریدند و به تبع آن، لیگ یک‌طرفه می‌شد اما حالا چندین تیم هستند که هم خوب هزینه می‌کنند و هم امکانات خوبی دارند. تیم‌ها به سمت حرفه‌ای شدن رفته‌اند و این باعث خوشحالی است؛ چراکه مسابقات سال به سال بهتر و باکیفیت‌تر می‌شود. لیگ ما در حال حاضر قطعا بهترین لیگ آسیاست و در جهان نیز جزء ۵ لیگ برتر است. یک موضوعی که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که دوست دارم VAR به لیگ فوتسال ایران هم بیاید. این اتفاق در برخی از لیگ‌های اروپایی افتاده و در جام ملت‌های آسیا و جام جهانی نیز از آن استفاده می‌کنند. زیرساخت‌های VAR در فوتسال نسبت به فوتبال در دسترس‌تر است و می‌توانیم با هزینه کمی این امکانات را داشته باشیم. با این کار هم داوری‌های منصفانه‌تری داریم و هم داوران ما از تکنولوژی روز عقب نخواهند افتاد.

**حضور تماشاگران در لیگ امسال نسبت به سال‌های گذشته بسیار پرشورتر بود.**

چند سالی درگیر کرونا بودیم و سالن‌ها خالی بود و لذت از این رشته گرفته شده بود. بعد از آن درهای سالن‌ها به روی تماشاگران باز شد و اتفاقات خوبی رقم خورد. امسال در کمتر ورزشگاهی بود که به آن می‌رفتیم و سالن پر از تماشاگر نبود. تماشاگران در همه شهرها حضور فوق‌العاده‌ای داشتند و این جذابیت بازی‌ها را چندین برابر کرده بود. اصفهان هم از این قاعده مستثنی نبود. تماشاگران اصفهانی در هر بازی خانگی حضور خیلی خوبی داشتند و حمایت فوق‌العاده‌ای از ما می‌کردند.

**در آخر از تیم ملی هم صحبت کنید. این تیم در سال آینده بازی‌های مهمی دارد.**

ما باید در ابتدای سال آینده در جام ملت‌های آسیا شرکت کنیم که انتخابی جام جهانی هم به حساب می‌آید. امیدوارم اهالی فوتسال با یکدیگر متحد و همدل باشند تا تیم ملی موفق شود. موفقیت تیم ملی به سود همه اهالی این رشته است. من نه به حرف بلکه با عمل حمایت خودم را از این تیم نشان دادم. هر زمان که تیم ملی بازیکنان را دعوت می‌کرد، با افتخار آنها را تقدیم می‌کردیم و جاهایی نیز از این اتفاق ضربه هم خوردیم اما به این موضوع افتخار می‌کنیم؛ چراکه تیم ملی اولویت ماست. تا شروع جام ملت‌ها فرصت زیادی نداریم و باید یکدل شویم. هم جامعه فوتسال و هم مردم از تیم ملی توقع قهرمانی دارند و امیدوارم این اتفاق رقم بخورد.

فرهیختگان تماشاخانه
چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر
شماره مسلسل ۴۸۱۲
یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
۲۳ رجب ۱۴۴۵
۴ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۴۰۷۴
| Sun | 4 Feb 2024 | vol.15 |
No. 4074 | 16 Pages

درباره «قلب رقه» فیلمی که در پایتخت داعش ساخته شد

# نزدیک واقعیت

فرزاد موتمن در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف»:

## طبقه متوسط از سینما حذف شده است

حاشیه‌نگاری تماشای بازی تیم ملی ایران و ژاپن در برج میلاد

## شادترین و بهترین فیلم جشنواره

نگاهی به آثار سینمایی میهن‌پرستانه در سینمای ایران

## در جست‌وجوی ایران

درباره فیلم «قلب رقه»

## چند قدم مانده به شاهکار

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

در سینما و شبکه نمایش خانگی ایران، فیلم‌ها و سریال‌هایی که با موضوع نبرد با داعش ساخته شده باشند به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. پیکره اصلی این گروه مخوف امروز از هم پاشیده و تقریبا هر فیلمی که درباره آن ساخته شود، روایتی از جنگ در دوران به پایان رسیدنش به حساب می‌آید. یعنی ما برخلاف سینمای دفاع مقدس که عده‌ای از رزمنده‌های حاضر در آن پشت دوربین رفتند و قبل از شلیک آخرین گلوله‌ها فیلم‌هایی درباره‌اش ساختند، با موضوعی طرفیم که طیف گسترده‌ای از جامعه ایران با آن درگیری ذهنی پیدا کرده بود اما هیچ قصه کاملی درباره‌اش نشنید و داعش را صرفا در قامت عده‌ای ریشوی بدون سبیل می‌شناسد که لباس سیاه پوشیده‌اند و قطاری از فشنگ به کمرشان بسته‌اند و با فریاد الله اکبر یا قرائت دل‌بخواهی آیاتی از قرآن، مثل آب خوردن سر می‌برند. درحقیقت داعشی‌ها شبیه موجوداتی فرازمینی به ما معرفی شده‌اند که با چنگ زدن به خرافاتی شبه‌دینی فقط می‌کشند و می‌کشند. اینکه آنها از کجا آمدند و چرا چنین می‌کنند، هیچ‌وقت درست و به‌طور کامل توضیح داده نشد و همین کار قصه‌گویی در این‌باره را به‌شدت مشکل می‌کند، چون عموم مخاطبان پیش‌زمینه ذهنی درباره‌اش ندارند. حالا که موضوع داعش به‌عنوان گروهکی که داعیه‌دار تاسیس دولت باشد به پایان رسیده و فقط خرده‌پاهای پراکنده‌ای از آن باقی مانده‌اند که برای زنده‌نمایی از این پیکره متلاشی‌شده، گاهی دست به ترورهای کور می‌زنند، سوال اصلی اینجاست که اساسا لزوم ساخت فیلم یا سریال درباره این پدیده چیست؟ یکی از چیزهایی که لزوم ساخت فیلم یا سریال در این خصوص را توجیه می‌کند، فعالیت علیه فراموشی است. اینکه از یاد ببریم چه بر سر ما و این منطقه آمد، حساسیت‌مان را نسبت به عواملی که می‌توانند زمینه‌ساز ظهور مجدد چنین پدیده‌هایی شوند از بین می‌برد. علاوه از یاد بردن قهرمانان این نبرد، ذهن جامعه را از قدرت ایمان و اراده تهی می‌کند. دلیل دیگری که برای ساخت آثار هنری درخصوص داعش را با وجود به پایان رسیدن موج دولت خواهی آن توجیه می‌کند، شناخت عوامل برسازنده آن وضعیت است. باید از خودمان بپرسیم چه چیزی باعث شد عده‌ای از افراد تا این اندازه سر لج بیفتند و تعصب بورزند و غوغایی خون‌آلود را در این اندازه به راه بیندازند؟ عده‌ای همه چیز را به راحتی گردن ذات اسلام می‌اندازند و می‌گویند اگر کسی به اسلام واقعی عمل کند، می‌شود همین داعش و آنهایی که داعشی نشده‌اند، مسلمانان خجالتی‌تری هستند. این باور ساده‌انگارانه و البته ابلهانه توضیح نمی‌دهد که چرا دواعش با اسرائیل همدست و هم‌پیمان بودند و مسلمانان را می‌کشتند؟ یا نقش سرویس‌های امنیتی آمریکا و انگلستان را در پدید آمدن چنین جرثومه فسادی عمدا در نظر نمی‌گیرند. باید درباره داعش فیلم ساخته شود تا اولا از منظر کلان، حامیان دولتی چنین پدیده‌ای شناخته شوند و ثانیا در جزئیات هم بفهمیم که پیروان این بیرق سیاه، نه با انگیزه‌های دینی، بلکه با انگیزه اطفای عقده‌های سرکوب‌شده‌شان در فرازهای مختلف زندگی، به این فرقه پیوسته‌اند. «قلب رقه» در چنین شرایطی ساخته شد و به نمایش درآمد؛ در شرایطی که سینما می‌بایست به این سوالات پاسخ می‌داد، این ابهامات را برطرف می‌کرد و چنین واقعیاتی را جا می‌انداخت و در حافظه‌ها زنده نگه می‌داشت.

■■■

رقه شهری دستوری است که حدود چهار سال پایتخت داعش بود و داستان فیلم قلب رقه مثل سریال «سقوط» یا حتی تا حدودی فیلم «به وقت شام» حول یک عملیات نجات می‌گردد. درحقیقت ما هنوز فیلم یا سریالی نساخته‌ایم که نبردهای نظامی‌مان با داعش را به تصویر بکشد و تمام آثاری که ساخته شده‌اند، یا روایت جلوگیری از یک خرابکاری دواعش در ایران هستند یا شرح یک عملیات نجات. این الگویی است که در سینمای جهان هم بسیار پربسامد است اما تنها الگوی فیلمسازی سرگرم‌کننده و در عین حال استراتژیک نیست. از آنجایی که تعداد آثار سینمایی و تلویزیونی ساخته شده در این موضوع بسیار کم است و هنوز یک شاهکار به‌عنوان الگو خلق نشده، از باقی آثار هم نمی‌توان توقع چندان عجیبی داشت. در این شرایط قلب رقه داستان یک عملیات نجات را با حرارت تمام و ریتم نفس‌گیر روایت می‌کند. دوربین به سوریه رفته که همین به طبیعی‌تر درآمدن کار بسیار کمک کرده است؛ چنانکه هم تفاوت اقلیمی بین ایران و سوریه محسوس است و حتی بعضی اوقات نمی‌توان بیابان و صحرا و جنگل ایران را به جای صحرا و بیابان و جنگل سوریه جا زد و هم توجه داشت که فضای شهری سوریه به لحاظ سینمایی خیلی مناسب است و اگر فیلمی راجع به سوریه در لوکیشن‌های دیگری ساخته شود، ممکن است توی ذوق مخاطب بخورد. فیلمساز توانسته هیجان چنین داستانی را کاملا دربیاورد. ماجرای عاشقانه فیلم هم که جزء نوار حاشیه‌ای قصه نیست و در روند اصلی روایت تاثیر می‌گذارد، درست درآمده و وصله نچسب نیست. یکی از مشکلات اصلی فیلم معرفی دواعش و انگیزه‌هایشان است تا آنجاکه یکی از شخصیت‌های منحوس روایت مجبور می‌شود در دیالوگ‌های نالازم، به زبان فارسی توضیح بدهد که به فلان دلایل عقده‌ای شده و با اینکه اعتقادات مذهبی ندارد، به داعش پیوسته است. با این همه می‌شود گفت قلب رقه فیلم خوبی است. یک تریلر هیجان‌انگیز امنیتی درباره پدیده‌ای شوم و چندش‌آور که همه مردم غرب آسیا هنوز آن را به یاد دارند. قلب رقه را می‌توان با فیلم‌های جنگی ایران که در دوره پیش از ساخته شدن آثاری مثل «پرواز در شب»، «دیده‌بان» و «مهاجر» و به نوعی قبل از پدید آمدن مفهوم سینمایی دفاع مقدس جلوی دوربین رفتند، مقایسه کرد. خلق چند شاهکار دفاع مقدسی هم همچنان فیلم‌هایی که فقط اکشن یا فقط شعار بودند ساخته می‌شد اما به وجود آمدن الگوهای بزرگ، تاثیر چشمگیری روی روند فیلمسازی بعد از خودشان گذاشتند.

تهیه‌کننده «قلب رقه» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## بعضی بازیگران به خانواده‌هایشان نگفته بودند در سوریه هستند

سعید پروینی، تهیه‌کننده «قلب رقه» در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره تولید این اثر گفت: «پروژه قلب رقه در دل بحران تولید شد. پروژه‌ای که در دل بحران تولید می‌شود، اتفاقات خاص خودش را دارد. یک پروژه سینمایی آپارتمانی در تهران نهایتا با ۴۵ یا ۶۰ جلسه جمع می‌شود. اما کاری که ما انجام دادیم با توجه به صحنه و پروداکشنی که داشت، تقریبا فیلمبرداری‌اش بیش از سه ماه طول کشید. بخشی از کار در ایران و بخشی هم در سوریه بود. ما بیشتر کار را در سوریه ضبط کردیم.» پروینی درباره سختی‌های ساخت فیلم در خارج از ایران گفت: «هر پروژه‌ای وقتی از تهران خارج می‌شود همه عوامل مجبورند تا از زندگی و خانواده‌شان برای مدتی جدا شوند اما چون در کشور خودمان هستند حتی اگر در دورترین نقطه هم باشند، می‌توانند با یک پرواز خودشان را به تهران برسانند. اما وقتی برای چنین پروژه‌ای با ۶۰ نفر از عوامل به خارج از کشور می‌روید، آن هم در کشوری که چندین سال در بحران بود و همچنان در بحران است، سختی‌های خاص خودش را دارد. این کار همبستگی کل عوامل را می‌خواهد که با هم همدل شوند و پای کار بایستند و با هم این کار را انجام بدهند. اگر گروه ما با هم همدل نبودند، قطعا این کار شکل نمی‌گرفت. بعضی از بچه‌های ما به خانواده‌هایشان نگفته بودند که در سوریه هستند و لبنان را به عنوان مقصد فیلمبرداری اعلام کردند. قصه ما در شهر رقه می‌گذرد اما به علت اینکه ورود به این شهر همچنان ممنوع است، لوکیشن دیگر انتخاب کردیم.» در پایان پروینی با مرور دوباره سختی‌هایی که در پروسه تهیه و تولید قلب رقه پشت سر گذاشتند از تمامی عواملی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر تولید فیلم در کشور سوریه و ایران بودند، تشکر کرد.

خیرالله تقیانی‌پور، کارگردان «قلب رقه» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## سعی کردم یک داعش واقعی را نشان دهم

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

**خیرالله تقیانی‌پور را پیش از این، در مقام کارگردانی برای سریال‌های تلویزیونی دیده بودیم. اولین اثر ساخته‌شده از او تله‌فیلم «تونل» است که در سال ۱۳۹۳ ساخته شد. ناسور، ترور، نجلا از دیگر آثار این کارگردان است که آرام آرام او را به عنوان یک کارگردان صاحب سبک در سینما و تلویزیون تثبیت کرد. این کارگردان در اولین فیلم سینمایی خود به سراغ یک سوژه در قلب نیروهای داعش رفته است. قلب رقه تلاشی برای یک روایت استراتژیک است اما به قول خودش، بالاخره قصه‌های عاشقانه به استخدام کارهایش می‌آیند تا مخاطب همراه سکانس‌های فیلم یا سریالش باشد. به سراغ او رفتیم تا برایمان از روند ساخت این فیلم بگوید.**

**چیزی که ما در فیلم قلب رقه می‌بینیم جست‌وجویی عاشقانه در دل داعش است. چه شد که این سوژه را با چنین روایتی انتخاب کردید؟**

ببینید برای من اتفاق و حرف عاشقانه مهم است. زمانی که تئاتر کار می‌کردم و نمایش‌هایی که روی صحنه می‌بردم همیشه یک خط عاشقانه داشت، از آن طرف فیلم‌های ویدئویی و سریال‌هایی که ساختم هم خط عاشقانه داشتند. همیشه به دنبال یک موقعیت متفاوت عاشقانه بوده‌ام. این کار هم مستثنی از این ماجرا نبود و سعی کردم داستانم را این بار از این زاویه روایت کنم. موتور محرک فیلم تناقضی است که در دل وحشت، خصومت و فجایع بزرگ شکل می‌گیرد و در چنین فضایی ما با یک داستان عاشقانه همراه می‌شویم.

**داستان فیلم شما برگرفته از یک اتفاق واقعی بود؟**

بخش عاشقانه درام برای خودم و یک داستان است اما بخش اتفاقی که در دل داعش رخ داده برگرفته از یک داستان واقعی است.

**یعنی آدم‌های قصه واقعی بودند؟**

نه. من قصه‌ای عاشقانه را در بستر اتفاق‌های واقعی شکل دادم. حالا ممکن است که این آدم‌ها در بستر جنگ داعش وجود داشته باشند. اما اینکه بگویم این شخصیت حتما مابه‌ازای واقعی داشته است، نه؛ این طور نبوده است.

**پرداخت به این سوژه مطمئنا سختی‌های زیادی داشته است. با توجه به اینکه این کار، اولین فیلم بلند سینمایی شماست، کمی درباره سختی‌هایی که در پروژه داشتید، صحبت کنید.**

بخش اعظمی از فیلمبرداری این کار در سوریه بود. رفتن ما به سوریه همزمان شد با اینکه اسرائیل بمباران و موشک‌باران چند شهر را آغاز کرد. در آن مقطع اگر اخبار را دنبال می‌کردید، متوجه این می‌شدید که صهیونیست‌ها هر از گاهی شهرهای سوریه را بمباران می‌کردند. به نحوی که وقتی صبح برای فیلمبرداری می‌رفتیم نمی‌دانستیم شب سالم برمی‌گردیم یا خیر. شب می‌خوابیدیم و در چند کیلومتری هتل می‌دیدیم مکان‌هایی را اسرائیل بمباران کرده است. بعضا جایی که موشک خورده بود را از نزدیک می‌دیدیم. چیزی که برای من تحسین‌برانگیز و قابل تقدیر بود، اینکه همه بچه‌ها پا به پای هم، یکدل و برادرانه سرکار می‌آمدند و همین به ما انرژی می‌داد و انگیزه‌ها چند برابر می‌شد.

**برای نگارش فیلمنامه، چقدر وقت گذاشتید؟**

تحقیقات و نگارش فیلمنامه حدود یک سال طول کشید اما بازنویسی اثر تا لحظه فیلمبرداری ادامه داشت. در واقع در حین فیلمبرداری نیز اگر ایده بهتری در ذهنم ایجاد می‌شد حتما تغییر می‌دادم.

**چقدر در ساخت قلب رقه از مستندها و فیلم‌هایی که در این مورد ساخته شده، استفاده کردید و مهم‌تر از اینها تجربه کسانی که در سوریه حضور داشتند، چه بود؟**

بله استفاده کرده‌ام و کم هم نبوده است. مثلا برخی از این دوستان بعد از خواندن فیلم‌نامه گفتند که ما چنین کاری در مواجهه با داعش نمی‌کردیم و سعی‌مان این بود که متن را در آن سکانس اصلاح کنم. یا اینکه نکاتی در مورد خود داعش داشتند که از تجربیات‌شان استفاده می‌کردم.

**یک نکته که در فیلم‌های مربوط به داعش مشهود است، اینکه گاهی برخی فیلمسازان داعشی‌ها را شبیه زامبی نشان می‌دهند. چه تلاش‌هایی صورت گرفت تا در این فیلم روایتی نزدیک‌تر به واقعیت داعش نشان دهید؟**

من این فیلم را در شهری که پایتخت داعش بود ساختم و دقیقا به واقعیت نزدیک بودم. کل ایران را گشتیم و چند لوکیشن مد نظر داشتیم اما فکر نمی‌کنم حجم خرابی که در فیلم لازم داشتم را می‌شد در هیچ کشور دیگری به جز عراق و سوریه پیدا کنیم، بنابراین ترجیح دادیم به سوریه سفر کنیم. با صحبت با کسانی که در این حوزه هستند و کار کرده‌اند سعی کردم واقعیت را نشان بدهم. البته این را هم باید توجه کنیم که الان سران داعش کجا هستند؟ چه کسی اینها را انتقال داده است؟ اگر آنها به تفکری که داشتند اعتقاد داشتند باید می‌ماندند و شهید می‌شدند و به قول خودشان آن دنیا کنار حوری‌های بهشتی می‌رفتند. اما می‌بینیم که فرار کردند. پیشنهاد می‌کنم مستندهایی که درباره داعش و شهر رقه است را حتما ببینید. اگر بگویم مستندهایی که بچه‌های ما گرفتند یک طرفه به قاضی رفته است، ولی در یک سالی که کار تحقیق و پژوهش فیلمنامه را داشتم و قبل از فیلمبرداری نزدیک به هفت هشت سفر به آنجا داشتم و سعی کردم فقط از منظر خود به این ماجرا نگاه نکنم و کل ماجرا را نگاه کنم.

**این در فیلم مشخص است.**

بله. آنها زندگی می‌کردند و اداره جات داشتند و حکومتی برای خودشان تشکیل داده بودند؛ یعنی به معنای واقعی حکومت داشتند. این حکومت عدلیه، بیمارستان، وزارتخانه و... داشت.

**با آدم‌هایی که در رقه زندگی می‌کردند، صحبت کردید تا نگاه واقعی‌تری نسبت به داعش و مدل زندگی با آنها داشته باشید؟**

بله. پنج شش جلسه قبل از ساخت به سوریه رفتم و این صحبت‌ها را داشتم. تصور این است که در پایتخت داعش و جایی که حکومت می‌کرد همه افراد باید شبیه داعش باشند. اما در واقعیت این طور نبود. اینها قانونی داشتند و بر اساس آن قانون آدم‌ها را تقسیم‌بندی می‌کردند. عوام‌الناس، مهاجرین، انصار و مجاهدین.

**مثل همان چیزی که در فیلم آمده است.**

بله. سعی کردم در بافت شهری که شما آدم‌ها را می‌بینید بتوانم تفکیک کنم که عوام‌الناس همان افرادی هستند که همه جای دنیا پیدا می‌کنید و قطعا در پایتخت داعش هم پیدا می‌کنید. انصار، مهاجرین، مجاهدین و... نیز هستند که نگاه و زندگی آنها را می‌بینید.

**شهرام حقیقت‌دوست چقدر به آن چیزی که برای این نقش متصور بودید، نزدیک شد؟**

سابقه همکاری‌ام با شهرام حقیقت‌دوست از تئاتر شروع شد و سال ۹۶ یک نمایش را در سالن اصلی تئاتر شهر شروع کردیم و از آن همکاری لذت بردم و زمانی که ایده فیلم قلب رقه شکل گرفت آن را با شهرام در میان گذاشتم و استقبال کرد. من با این نقش می‌خواستم یک نیروی آتش به اختیار خبره را نشان بدهم که در کنار اینها عاشق هم هست و شهرام حقیقت‌دوست توانست همه اینها را در کنار هم داشته باشد و از پس این نقش به خوبی بربیاید.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

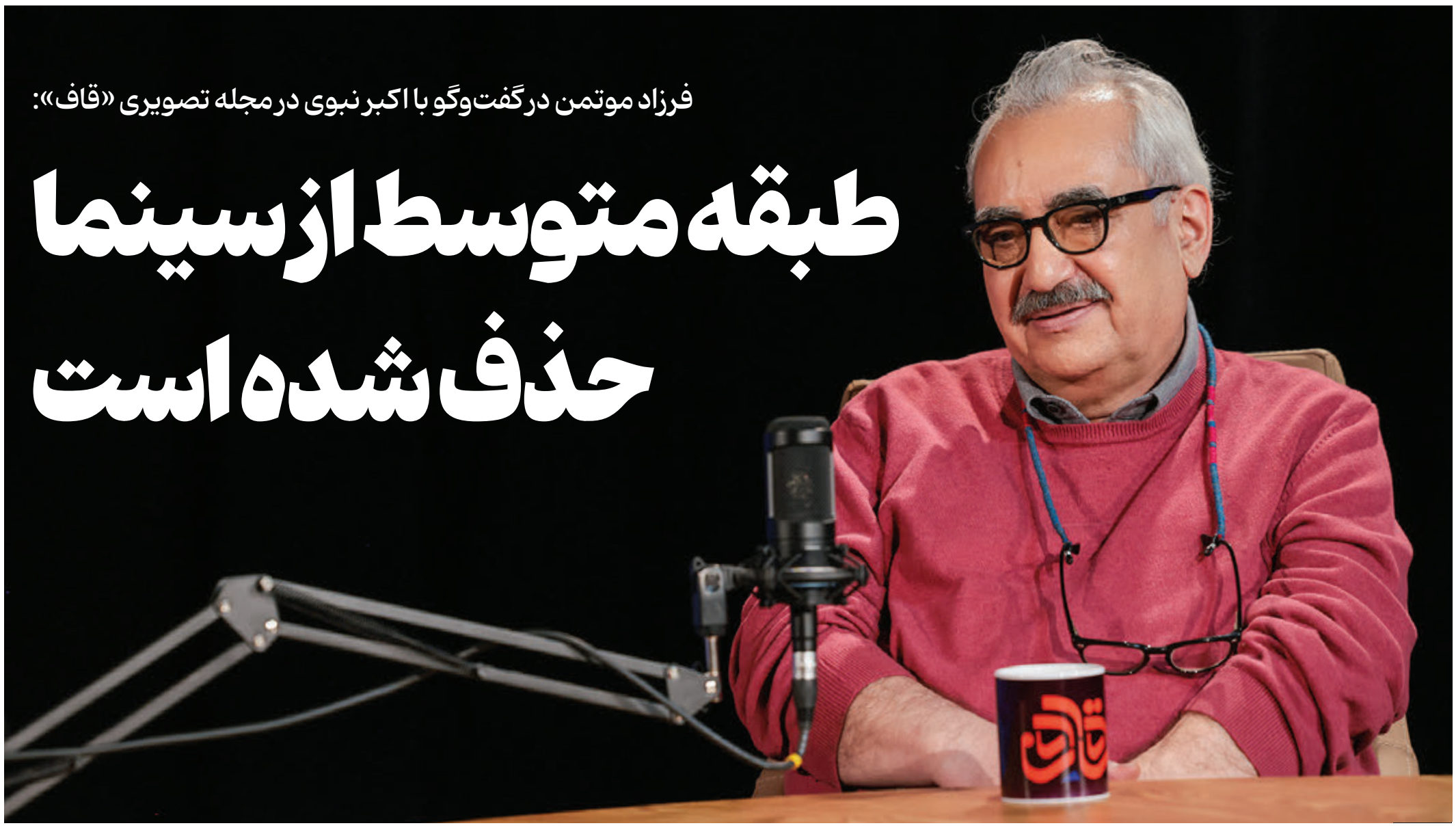

فرزاد موتمن در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف»:

# طبقه متوسط از سینما حذف شده است

**مجله تصویری فرهنگ و هنر «قاف» با اجرا و سردبیری اکبر نبوی در ایام جشنواره فیلم فجر به مدت ۱۰ شب در فضای مجازی منتشر خواهد شد. یکی از قسمت‌های این مجموعه تصویری گفت‌وگوی اکبر نبوی و فرزاد موتمن، کارگردان سینماست که متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.**

**در خدمت یکی از کارگردانان فهیم کشورمان، جناب آقای فرزاد موتمن هستیم. اوضاع و احوال فردی شما و سینما چطور است؟**

طبعا اوضاع و احوال فردی من تابع سینماست، چون من به جز فیلم‌سازی کار دیگری انجام نمی‌دهم و مدت‌ها و سال‌هاست که شرایط خوبی را نمی‌بینم.

**در این سال‌هایی که کار نکردید، خودتان احیانا سرمایه‌گذار مناسب پیدا نکردید یا شرایط به گونه‌ای بوده که ترجیح داده‌اید فیلم نسازید؟**

من فیلم ساختم و آخرین فیلمم را دو سال پیش ساختم اما هنوز اکران نشده. یکی از مشکلات همین است. ما ۲۰۰ فیلم پشت اکران داریم. یکی از مشکلات این است که تولید فیلم سپرده شده به سرمایه‌هایی که از خارج از سینما می‌آید؛ افرادی که این‌کاره نیستند.

**به نظر شما این کار به لحاظ فلسفی و جوهری اشکال دارد؟**

اشکالش این است که چون این‌کاره نیستند دست به کارهایی غیرحرفه‌ای می‌زنند؛ مثلا بعد از پس تولید اکران فیلم را دچار مشکل می‌کنند و تو مجبوری بروی یک سرمایه‌گذار دیگری پیدا کنی و فیلمت را به او بفروشی تا سرمایه‌گذاری که اذیت می‌کند، برود و تو تازه شرایط اکران پیدا کنی. این شرایط حرفه‌ای سینما نیست. شرایط حرفه‌ای سینما را ما هیچ‌وقت نداشتیم و این شرایط را آمریکایی‌ها دارند که می‌دانند فیلمی که هنوز فیلم‌برداری نشده، در چه تاریخی و در چند سالن سینما اکران خواهد شد و بودجه متناسب با تعداد سینماهایی که در آن اکران می‌شود، در نظر گرفته می‌شود. در یک چنان سیستمی هم blockbusterها جا دارند و هم فیلم‌های متوسط به لحاظ فروش و هم فیلم‌هایی که برای مخاطب خاص‌تری ساخته می‌شوند اما سیستم فعلی ما نوعی بی‌سیستمی و هرج و مرج اقتصادی عجیب و غریب بر سینمای ایران حاکم است. به جز فیلم‌هایی که در ارگان‌ها ساخته می‌شوند و به فیلم‌های ارگانی معروف هستند و کمدی‌ها که همیشه سرمایه‌گذار دارند، باقی فیلم‌ها به زحمت سرمایه‌گذار پیدا می‌کنند و لزوما این سرمایه‌گذارها خیلی خوب نیستند و مسائل عجیبی را به وجود می‌آورند. این یکی از مشکلات است.

**خود شما با همین سرمایه‌گذارانی که می‌فرمایید این‌کاره نیستند و آمده‌اند، چند تجربه در حوزه فیلم‌سازی داشته‌اید؟**

تقریبا تمام دوره فیلم‌سازی من به این شکل گذشته، برای اینکه تا حول و حوش سال ۱۳۸۰ به نحوی یک سیستمی بر سینمای ایران حاکم بود که از فیلم‌سازان حمایت می‌کرد؛ یک وام تبصره ۳ بود که فارابی می‌داد و به هر کسی که پروانه ساخت می‌گرفت تعلق می‌گرفت. درست است که همان موقع هم تعدادی از فیلم‌سازان رانت‌های ویژه‌ای داشتند و پول‌های ویژه‌ای را می‌گرفتند اما بقیه هم کاملا دست خالی نبودند. علاوه بر کمکی که فارابی می‌کرد، اکران هم عادلانه‌تر بود، یعنی این‌طور مافیایی نشده بود.

**با اینکه سالن کمتر بود.**

بله. اما اکران عادلانه‌تری داشتیم. این سیستم دقیقا می‌توانم بگویم از زمستان ۱۳۸۶ از هم پاشید. من اولین فیلمم را سال ۱۳۷۹ ساختم.

**شب‌های روشن.**

نه. فیلم «هفت پرده».

**که آقای سعید عقیقی نوشته بودند.**

بله، ولی به جز دو سه فیلم اولم که اوایل دهه ۸۰ ساخته شد، باقی فیلم‌هایم را با مشکلات فراوان کار کردم.

**برای «جعبه موسیقی» هم مشکل داشتید، چون می‌گویند مشکل نبود. با آقای خزایی کار کردید.**

مشکل داشتیم. فیلمی بود که آقای خزایی فکر می‌کرد باید در سی و چند روز ساخته شود و من از ابتدا به ایشان گفتم این فیلم شصت و چند روز کار دارد، چون چند کاراکتر اصلی آن کودک است و طبعا دیالوگ‌گفتن و ارتباط‌گرفتن سخت است. یک کاراکتر دیگرش هم یک پیرمرد هشتاد و چند ساله است که باز هم مشکل دیالوگ‌گفتن خواهد داشت، بنابراین پروژه‌ای ساده نیست. هیچ‌وقت بودجه‌ای که برای فیلم وجود داشت، بودجه‌ای نبود که بتواند بیش از سی و چند روز باشد، بنابراین من این وسط از کار بیرون آمدم. منوچهر شاه‌سواری می‌خواست فیلمی به نام «مخصمه» را بسازد و این را به من پیشنهاد کرد و من پذیرفتم، چون در ژانر جنایی بود و این ژانر مورد علاقه من است. آقای خزایی با من تماس گرفت و گفت تو بی‌اخلاقی کردی که رفتی و ما روی تو حساب کرده بودیم، گفتم تو پولش را نداری، چون برخلاف شایعات که می‌گفتند این فیلم را فارابی ساخته، این فیلم را آقای خزایی ساخت، بعدا فارابی و سیمافیلم آن را خریدند. آقای خزایی از خودش این فیلم را ساخت و من به او گفتم تو بودجه‌اش را نداری و ما گیر می‌کنیم اما اخلاقا من به پروژه جعبه موسیقی برگشتم، ولی واقعا بودجه به اندازه سی و چند روز بود.

**مخمصه را هم آقای سجادی کار کرد.**

ما به مشکلاتی برخوردیم که پروسه را خیلی کند کرد. یک مقدار سر فیلم جعبه موسیقی مشکل تولید داشتیم. مشکل اصلی درواقع این بود که از سال ۱۳۸۶ به طور کلی چیزها را گرفتند.

**از سال ۱۳۸۶ به این طرف چه اتفاقی افتاد؟**

کمک‌های فارابی رد شد و فارابی روی فیلم‌های به گفته خودشان فاخر سرمایه‌گذاری می‌کردند و تمام دفاتر تولید که ۱۲-۱۳ دفتر بودند، تعطیل شدند.

**مطمئنید سال ۱۳۸۶ بود؟**

بله، دقیقا زمستان سال ۱۳۸۶ بود. ما به این دفاتر فیلم‌نامه می‌بردیم و بالاخره یک جایی می‌توانستیم فیلم‌مان را راه بیندازیم اما تمام این دفاتر تعطیل شدند. هفت دفتر متحد شدند و پخش فیلم را تشکیل دادند. بقیه دفاتر هم منفعل یا خانوادگی شدند و اساسا تهیه‌کنندگان سابق شروع به پخش فیلم کردند که خیلی هم درآمد برایشان داشت. این مافیای اکران از آنجا به وجود آمد. حالا بحث بر سر این نبود که چه فیلمی در چند سینما به نمایش درآید، بلکه بحث این بود که چه کسی روابطی دارد که بتواند سینماهای بیشتری را در اختیار داشته باشد.

**آن زمان که فروش‌ها خیلی بالا نبود. چطور پخش‌کننده‌ها سود زیادی می‌بردند؟**

چون آنهایی که می‌توانستند برای فیلم‌هایشان سینماهای بیشتری می‌گرفتند. یکی از مسائلی که ما در سینمای ایران داریم این است که فیلم‌های ما فاقد ارزش تجاری هستند. اینکه یک فیلمی بیشتر می‌فروشد به این معناست که توانسته‌اند سینمای بیشتری برای آن بگیرند، نه اینکه دارای ارزش تجاری است. این یک معضل در سینمای ایران است و از آن موقع به بعد همه چیز از هم پاشید. در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد همین طور کارت تهیه‌کنندگی برای افرادی صادر شد که اساسا از یک پس‌زمینه حکومتی می‌آمدند و سینمایی نبودند. ما ناگهان با انبوهی از تهیه‌کنندگانی روبه‌رو شدیم که پول از خارج از سینما می‌آوردند و یک کلمه از سینما نمی‌توانستیم با اینها صحبت کنیم.

**شما با اینها برخورد کاری هم داشته‌اید که برای کار مذاکره کنید؟**

بله، کار کرده‌ام. اینها یعنی حالا از همه طرف تحت فشار هستیم؛ نوع تهیه‌کننده، نوع پولی که دارد می‌آید، شکلی که با فیلمت در نهایت برخورد می‌شود و از آن طرف هم سیاست‌هایی که سازمان سینمایی و فارابی و اینها شروع به معماری آن کردند، این بود که جشنواره فجر را هم خیلی تنگ کنند و تقریبا این جشنواره به یک عوارضی تبدیل شد، یعنی به مراسمی برای حذف کارگردانان تبدیل شد و تحت عنوان جوان‌گرایی همین طور فیلم‌ساز جوان آوردند و همه بودجه‌های مرکز گسترش و فارابی به اینها داده شد، درحالی‌که ما می‌توانیم در سال ۵۰-۴۰ فیلم اکران کنیم، ۶۰-۵۰ فیلم اولی داشتیم و بحران غریبی پیش آمد. چند نفر از اینها ماندند؟ مگر چند تای اینها سعید روستایی بودند؟ فکر کنم ۱۰ نفرشان ماندند. بقیه یک فیلم ساختند و رفتند.

**البته این مشکل درازدامن است. پیش از آن هم بوده اما به لحاظ کمیت عددی ممکن است کمتر بوده. شما عضو کانون کارگردانان هستید. در این ۴۰ سال چند نفر آمدند و الان چه تعدادی باقی مانده‌اند؟**

کانون کارگردانان مجوز فیلم اولی‌ها را صادر می‌کرد، یعنی سالی شش هفت فیلم، یعنی اکران را در نظر داشت اما بعد شلوغ و بی‌ضابطه شد و این فیلم‌سازانی که می‌آمدند، با پول بسیار سنگین فیلم می‌ساختند و ۹۰ یا ۱۲۰ روز فیلم‌برداری داشتند. تهیه‌کنندگان جدیدی که آمده بودند به اینها داده می‌شدند و فیلم‌های اینها هم باید به جشنواره فیلم فجر می‌رفت. عملا شرایطی به وجود آمد که نسل من، به خصوص... چون ما نسلی بودیم که اوایل دهه ۸۰ و اواخر دهه ۷۰ آمدیم. اولین سامان مقدم بود. پرویز شهبازی، من، حمید نعمت‌الله، مازیار میری، مهدی کرم‌پور، مونا زندی، ایرج کریمی و... مگر چند نفر بودیم؟

**مانی حقیقی هم بود که دو سه سال بعد از شما آمد.**

بله، چند نفرمان ماندیم؟ ماها هنوز جای پایمان سفت نشده، قالی را از زیر پایمان کشیدند.

**الان پرویز شهبازی، مازیار میری و مانی حقیقی فیلم می‌سازند اما مهدی کرم‌پور چند سالی هست که نیست و فیلم نساخته.**

مونا زندی دو تا فیلم ساخته.

**مونا زندی دو سال پیش فیلم داشت.**

بله. آخرین فیلم سعید نعمت‌الله سه چهار سال است که توقیف است. من افتان و خیزان و زخمی دارم کار می‌کنم اما با چنگ و دندان. ما نسلی بودیم که اصلا خرد شدیم. یک مشکل همین است؛ چیزی که از دوره آقای شمقدری باب شد و به آن ریل‌گذاری گفتند. این ریل‌گذاری‌ها وحشتناک بودند.

**چه چیزی را می‌خواستند ریل‌گذاری کنند؟**

همین که تا آنجایی که می‌توانند فیلم‌سازان نسل‌های قبل‌تر را ایزوله کنند و نسل‌های جدید بیایند. ایده آن هم از خارج سینما آمده بود اما آمده بود. انگار متوجه نیستند که این صنعت است، خانه کسی نیست که در آن ریل می‌گذارند. می‌دانید این ریل‌گذاری‌ها خانواده‌هایی را متلاشی کرد و والدینی از بچه‌هایشان جدا شدند. زندگی‌ها تخریب شد. حالا مدام بگویند ریل‌گذاری. شرایط بد است و من عصبانی، عصبی، افسرده و غمگین هستم و روزگار خوبی ندارم. هیچ‌کدام از بچه‌های سینما ندارند و داریم اذیت می‌شویم.

**راهش چیست؟**

برگشت به یک سینمای طبیعی.

**صنف و مدیریت دولتی سینما در کنار همدیگر چه کار باید بکنند؟**

آنها کاری نخواهند کرد، چون با سیاست‌های کلان در تضاد است. ما یک سینمای طبیعی نیاز داریم.

**به نظر شما در صنف چنین اراده‌ای وجود دارد؟**

خیر. خانه سینما باید از ما حمایت کند. مگر قرار نبود خانه سینما امنیت شغلی ما را فراهم کند؟ خب امنیت شغلی ما از کجا تهدید می‌شود؟ از همین جا. الان خانه سینما بودجه‌اش را از سازمان سینمایی می‌گیرد، پس نمی‌تواند از ما حمایت کند. این سیستم غلط است. ما احتیاج داریم که دولت و حکومت حضورشان را در سینما کمرنگ کنند و بخش خصوصی ما تقویت شود. ما باید به دوره‌ای برگردیم که تهیه‌کنندگان دست در جیب خودشان می‌کردند و با پول خودشان فیلم می‌ساختند. لعنت به آن کسی که گفت تهیه‌کننده آن کسی نیست که پول دارد و آن کسی است که پول می‌آورد! خیر، یک تهیه‌کننده آمریکایی به من نشان دهید که پول نداشته باشد. درست است که او پول‌ها را از بانک و هلدینگ‌ها یا شرکت‌های نفتی فراهم می‌کند.

**بله، بالاخره جذب می‌کند.**

ولی ممکن است یک جایی پول نرسد، بنابراین از خودش پول دارد که بدهد، نه این شرایطی که ما الان داریم تجربه می‌کنیم. افرادی خارج از سینما با هزار تمنای عجیب آمده‌اند که می‌گویند این خانم یا آن آقا باید در این فیلم بازی کند، برای من کارت تهیه‌کنندگی بگیرید، خیلی هم راحت شده. با کلی مساله می‌آیند و فیلم‌ها را له می‌کنند و تهیه‌کننده‌ها انگیزه‌ای برای پیگیری مساله اکران ندارند، چون پول را کامل گرفته‌اند و درصد خودشان را در جیب گذاشته‌اند.

**سود خودشان را کرده‌اند.**

درحالی‌که تهیه‌کننده باید نگران جیبش باشد. ما باید به سیستمی برگردیم که تهیه‌کننده‌های بخش خصوصی پول خرج کنند و این یعنی حضور کمرنگ‌تر نهادها و ارگان‌های دولتی.

**چند درصد از تهیه‌کننده‌های بخشی خصوصی حاضرند پول هزینه کنند؟**

در حال حاضر هیچ.

**در دهه ۸۰ چند درصد؟**

بالاخره بودند. کم بودند اما ۱۳، ۱۴ دفتر داشتیم.

**خیلی کم بودند.**

اگر آن سیستم را گسترش می‌دادیم، الان کلی تهیه‌کننده داشتیم، اما الان نداریم. حالا هم هیچ‌کس دست در جیب خودش نمی‌کند، چون هیچ اعتمادی ندارد. باید شرایطی پیش آید که این فشارهایی که روی سینما می‌گذارند، کم و سبک شود. ما که می‌فهمیم قضیه چیست. فکر می‌کنند که سینما باید مثل یک دستگاه تبلیغاتی کار کند. این سینما نمی‌شود.

**فکر می‌کنید هنوز هم چنین تصوری در میان مسئولان و حاکمان هست؟**

بله، همین است. الان سینمای ما از یک طرف فیلم کمدی است، چون وضعیت جامعه ما بحرانی است و مردم دوست دارند بروند سینما بخندند. از آن طرف هم فیلم‌هایی هستند که به فیلم‌های ارگانی معروفند.

**یعنی شما این را برنامه‌ریزی شده تلقی می‌کنید؟**

بله این کاملا برنامه‌ریزی شده است و البته دارد به یک خواست جامعه هم جواب می‌دهد. من مخالف کمدی ساختن نیستم. خودم دو کمدی ساخته‌ام.

**«پوپک و مش ماشاالله» و «چشم‌وگوش بسته».**

بله. دو فیلم کمدی پرفروش با بودجه کم ساخته‌ام. من اصولا همیشه با بودجه کم کار کرده‌ام. فیلم‌های ارگانی هم هستند و فیلم‌ها دارند مسیرهای تبلیغاتی را می‌روند. سینما تبلیغاتی نمی‌شود. این سینما خاطره‌ساز نمی‌شود و به سرعت فراموش می‌شود. سینما در نهایت پارک بازی است. سینما سرگرمی است. حتی اینگمار برگمان هم سرگرمی است، فقط نوع مخاطبش فرق دارد. ژان لوک گدار که من خیلی دوستش دارم، سرگرم‌کننده است و شما را به وجد می‌آورد، البته برای آدمی که اهل آن نوع فیلم است. اینها همه سرگرمی هستند. فقط در levelهای مختلف سرگرم‌کننده هستند. سینما هیچ‌وقت برای هیچ دستگاهی، یک دستگاه تبلیغاتی نخواهد شد. هیتلر نتوانست تبلیغاتی‌اش بکند، استالین نتوانست، موسولینی نتوانست، حزب کمونیست چین هم نتوانست.

**ولی هالیوود توانسته.**

هالیوود تبلیغات نیست. اتفاقا این غلط است. هالیوود کاملا سرگرمی است. این تصوری که در ایران وجود دارد که پنتاگون برای هالیوود برنامه‌ریزی می‌کند، درست نیست.

**بالاخره نظام استودیو در کنار منافع ملی‌اش دارد حرکت می‌کند.**

آنها به مساله منافع ملی این شکلی نگاه نمی‌کنند. هالیوود یک جریان به شدت اخلاقی و کاملا همراه با جامعه‌اش است. یکی از دلایل محبوبیت فیلم‌های آنها همین است. دلیل محبوبیت فیلم‌هایشان فقط این نیست که زبان فیلم‌هایشان انگلیسی است و انگلیسی زبان دوم بیشتر کشورهاست. فقط هم اینکه چون ۸۰ درصد بازارهای اقتصادی دنیا در دست آمریکایی‌هاست، پس بازارهای سینما هم در دست آنهاست، خصوصا در سال‌های اخیر اسناد تازه‌ای رو شد که خیلی از چیزها را متوجه شدیم. مثلا اینکه چطور شد که بعد از جنگ جهانی دوم فیلم آمریکایی در فرانسه نفوذ پیدا کرد. موج‌نویی‌ها کاملا تحت‌تاثیر آنها بودند. بعدها فهمیدیم در قراردادهایی که آمریکایی‌ها با فرانسوی‌ها برای بازسازی فرانسه بسته بودند - چون می‌دانیم که آمریکایی‌ها برای بازسازی فرانسه، ایتالیا و آلمان پول‌های کلانی صرف کردند - از آنها امتیاز گرفته بودند که ۸۰ درصد سینماهای فرانسه فیلم‌های آمریکایی نشان دهند.

**پس آمریکا به دنبال یک هدف فرهنگی بوده.**

لزوما هم فرهنگی نیست؛ فروش است، پول است، دلار است و برایشان پول می‌آورد.

**نظام سرمایه‌سالار به دنبال این است که هر قدر می‌تواند سرمایه‌اش را افزایش دهد اما هالیوود هنرمندانه تبلیغاتش را عرضه می‌کند.**

من معتقد نیستم تبلیغاتی است. من معتقدم هالیوود با جامعه‌اش کنار می‌آید، یعنی در سال‌های اولیه اختراع سینما در دوران گریفیث، مجبور بودند بازیگران سفیدپوست را رنگ کنند و به عنوان سیاه‌پوست استفاده کنند. سیاه‌پوست در استودیوها راه نمی‌دادند. این دورانی است که ورود سگ و سیاه‌پوست به اماکن عمومی مثل استخرها و باشگاه‌ها ممنوع بود.

**حتی استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی.**

کم‌کم هالیوود از بازیگر سیاه‌پوست استفاده کرد. بازیگری که نقش خدمتکار برباد‌رفته را بازی می‌کرد، اصلا مستحق اسکار بازیگر نقش مکمل نبود، مخصوصا به او دادند که بگویند ما به سیاه‌پوست اسکار می‌دهیم. از جایی که جنبش سیاه‌پوست‌ها برای احقاق حقوق مدنی‌شان از دهه ۵۰ بیرون زد و رهبران بزرگی مثل مارتین لوترکینگ و مالکوم ایکس ظهور کردند، ستاره‌های سیاه‌پوست به وجود می‌آیند. حالا هری بلافونته و سیدنی پوآتیه و فیلم‌هایی مثل «کشتن مرغ مقلد» می‌آیند که سیاه‌پوستی به ناحق در دادگاه است و وکیل سفیدپوست فیلم که قهرمان فیلم هم هست، ثابت می‌کند او بی‌گناه است.

**آن هم با بازی ستاره سینما، گریگوری پک.**

برای اولین بار دارد این اتفاق می‌افتد. تا به امروز که ما دیگر لارنس فیشبرگ و سیاه‌پوستان بسیاری را در حوزه فیلمسازی داریم.

ادامه در صفحه ۱۳

**دنزل واشینگتن را داریم و در حوزه فیلمسازی، اسپکتر را داریم.**
سیاه‌پوستان بسیاری را داریم. یا وقتی در دهه ۶۰ جنبش زنان در آمریکا برای حقوق مساوی بسیار گسترده شد، با شعار مزد مساوی برای کار مساوی، جنس ستارگان زن در هالیوود عوض شد. بازیگرانی مثل جین فوندا آمدند که فقط زنان زیبایی نبودند، بلکه باهوش هم بودند.

**از دهه ۶۰ به بعد اتفاقات خیلی مهمی در سینمای آمریکا افتاد.**
در کل جامعه آمریکا اتفاق افتاد و درنتیجه در سینما هم اتفاق افتاد.

**نظام ستاره‌سازی تغییر می‌کند.**
درواقع با تحولات اجتماعی جامعه جلو رفتند. وقتی جنبش ضدجنگ در آمریکا بیرون زد و هزاران آمریکایی اعلام کردند مخالف مداخله کشورشان در ویتنام هستند، حالا فیلم‌هایی مثل «x-Men Apocalypse»، «شکارچی گوزن» و «platoon» می‌آیند.

**«غلاف تمام فلزی» کوبریک.**
همان موقع فیلم «Coming Home» هال اشبی ساخته شد، درحالی‌که قبل از آن «کلاه‌سبزها» ساخته شد که مربوط به قلدری آمریکایی‌ها در ویتنام بود اما ناگهان عوض می‌شود. این سیستمی است که با جامعه‌اش جلو می‌آید. دقت کنیم روزی که مارتین لوترکینگ ترور شد، چهار روز به برگزاری مراسم اسکار باقی مانده بود. این تنها سالی است که اسکار برگزار نشد، چون هالیوود عزای عمومی اعلام کرد. کسی این جوری برنامه‌ریزی نمی‌کند اما آنجا پول مهم است.

**من چند تبصره دارم اما چون بحث‌مان روی سینمای هالیوود نیست، به سینمای خودمان برمی‌گردیم. اگر درباره اوضاع فعلی تحلیل و ارزیابی دیگری دارید بفرمایید.**
من فکر می‌کنم اوضاع خوبی نیست و مدیران سینمایی کشور به کلی باید به چشم‌انداز دیگری فکر کنند و کمی به حرف‌های ما گوش دهند.

**این حرف درستی است.**
چون ما خیلی اذیت شدیم و باید کمی به حرف‌های ما گوش دهند. ما از کار افتاده نیستیم و می‌توانیم همچنان فیلم بسازیم. اصلا چه کسی جوان‌تر از من. چهار، پنج سال پیش من فیلم «سراسر شب» را ساختم. آیا آن فیلم، فیلم یک فیلمساز ۷۰ ساله است؟ فیلم یک بچه ۲۸ ساله است. فیلم «شبگرد» که هنوز اکران نشده، همان‌جور است. من خیلی جوان فیلم می‌سازم. اتفاقا این جوانان هستند که مثل پیرمردها فیلم می‌سازند. ما هنوز داریم فیلم می‌سازیم. کمی دموکراتیک‌تر و مهربان‌تر برخورد کنند تا از این شرایط بیرون بیاییم. جو سینمای ما خیلی عصبی است.

**در این مدت با مدیران سینمایی تماس یا جلسه‌ای داشته‌اید؟**
وقتی فیلم شبگرد به مشکلاتی در ارشاد برخورد و حذفیات زیادی را خواسته بودند، ما بخشی از حذفیات را اعمال کردیم و پروانه نمایش آن صادر شد. من چند بار از آقای خزایی درخواست وقت کردم اما ندادند.

**عجب! شما که با ایشان یک کار انجام داده بودید و دوستی هم با هم داشتید. وقتی شما نتوانید ایشان را ببینید، دیگران کارشان سخت‌تر است.**
من دنبال این نبودم که به مدیران نزدیک شوم. تعداد جلساتم با مدیران خیلی کم بوده. در حد فیلم‌هایی که ساختم بوده و آن موقع پیش مدیری رفتم که بپرسم چه کار کنم، چه می‌گویید و واقعا در همین حد. اصولا هم کمی آدم گوشه‌گیر و منزوی هستم و خیلی رفت‌وآمدی ندارم اما می‌خواهم کمی مهربان‌تر باشند.

**به گدار اشاره کردید که دوستش دارید. نمی‌خواهم بگویم از او متاثر هستید یا نیستید، این را خودتان باید بگویید. می‌خواهم از این منظر بحث را به این سمت ببرم که به نظر شما چه کارگردانانی اعم از ایرانی یا خارجی تاثیر خیلی روشن و مثبت و پیشرویی بر کارگردانان ایرانی داشتند؟ مثلا خود آقای فرزاد موتمن که سال‌هاست فیلم می‌سازد، بیشتر از چه کارگردان‌هایی تاثیر گرفته؟**
من ممکن است ناخودآگاه تاثیرات زیادی گرفته باشم، چون دامنه فیلم‌هایی که دوست دارم، خیلی وسیع است.

**من گمان می‌کردم شما بیشتر سینمای اروپا را دوست دارید.**
خیر، خیلی وسیع است. از یک طرف عاشق گدار هستم و معتقدم فیلمسازی بود که سینمای ۲۰۰ سال آینده را ساخت و ما ۲۰۰ سال دیگر به آن چیزی می‌رسیم که امروز گدار ساخت.

**فیلم خاصی از گدار مدنظر شماست؟**
مجموعه کارهایش ولی به خصوص دهه ۸۰ و ۹۰. برخلاف آن چیزی که همه فکر می‌کنند دهه ۶۰ مهم‌ترین کارهای اوست، من فکر می‌کنم دهه ۸۰ و ۹۰ مهم‌ترین کارهای او ساخته شده‌اند. من تاثیراتی را نشان داده‌ام، مثلا فیلم اول من «هفت پرده» به‌شدت تحت‌تاثیر هل هارتلی، فیلمساز مستقل آمریکایی است. در فیلم «شب‌های روشن» تحت تاثیر فیلم «برخورد کوتاه» دیوید لین و همین‌طور داستان آدل آش تروفو بودم. فیلم «سراسر شب» کاملا تحت‌تاثیر گدار شکل گرفت و اصلا همان قصه «آلفاویل» است. مدلش هم مدل گدار و مدلی است که داستانی داریم اما تعریفش نمی‌کنیم. خیلی جاها هم ناخودآگاه است. فقط گدار هم نیست. من عاشق نوآرهای آمریکایی و نوآرهای کلاسیک هستم، مثلا «RawDeal» آنتونی مان. این یکی از عشق‌های من است. فیلم‌های بیلی وایلدر، رابرت زیودماک، مک سوفوس، جان هیوستون، ادوارد دمیتریک و همه آنهایی که نوآر ساختند را دوست دارم. همه نئونوآرها را هم دوست دارم؛ از پولانسکی گرفته تا جان دال. بعضی‌ها را بیشتر مثلا «The Grifters» استفن فری‌یرز را خیلی دوست دارم. همین‌طور «آخرین اغوا»ی جان دال. من در عین حال گرایشی به مطالعه فیلم‌ها در پیت هستم. من عاشق فیلم‌های graet B و درجه دو هستم؛ در پیت‌های ایتالیایی، آمریکایی، ژاپنی و به خصوص graet B های ژاپنی و فیلم‌های سیجون سوزوکی.

**در این فیلم‌ها دنبال چه چیزی هستید؟**
این مطالعات به‌دلیل اینکه خارج از کنترل استودیوهای بزرگ ساخته می‌شوند، گاهی آزادی عمل‌هایی به فیلمساز داده‌اند که در بعضی از صحنه‌ها دست به خلق لحظاتی می‌زنند که در فیلم‌های برگمن نمی‌بینید.

**عجب! ادعای بزرگی است.**
من می‌توانم این صحنه‌ها را در برخی از درپیت‌ترین فیلم‌ها نشان دهم. من فیلم‌های درپیت را با عشق و علاقه نگاه یا جمع می‌کنم. سیجون سوزوکی در دهه ۵۰ و ۶۰ برای کمپانی‌ای ژاپنی که اصولا فیلم‌های بی‌بودجه می‌ساخت، فیلم‌های ۸۰ دقیقه‌ای، دو فیلم با یک بلیت که فیلم‌هایی یاکوزایی و جنایی-گنگستری بودند، ساخت. او ۴۰ فیلم ساخت؛ سالی چهار فیلم. معروف است فیلم‌هایش را در یک روز تدوین می‌کرد، برای اینکه اصلا پلان اضافی نمی‌گرفت و فقط نورخوردگی اول و آخر پلان را قیچی می‌کرد و تقریبا درست بود. نه دقیقا اما تقریبا درست بود. بعد از ۴۰ فیلم اواخر دهه ۶۰ یعنی سال ۶۶، ۶۷ فیلم «branded tokill» را باز با یک قصه خیلی پیش‌پاافتاده یاکوزایی ساخت اما این را تبدیل کرد به یک تجربه شخصی و یک فیلم تجربی و کمی آوانگارد. به‌خاطر ساخت این فیلم اخراجش کردند. گفتند این فیلم بی‌معنی است و کسی از آن سردرنمی‌آورد.

ما امروز به ریش آن تهیه‌کنندگانی که سوزوکی را اخراج کردند، می‌خندیم و این فیلم را با عشق نگاه می‌کنیم، چون فوق‌العاده است و لحظات هذیانی عجیبی دارد که در کمتر فیلمی این لحظات را می‌توان یافت. جیم جارموش می‌گوید از این فیلم سینما یاد گرفته. این فیلم با فیلم «از نفس افتاده» گدار مقایسه شده.

**عجب!**
این فیلم‌ها برای من جالب هستند. همین سوزوکی در سال ۲۰۰۱ که ۸۰ سالش بود، فیلم ماقبل آخرش که فیلمی اکشن بود را به اسم «pistol opera» ساخت. غیرقابل باور است که یک فیلم اکشن به یک تجربه بسیار آوانگارد تبدیل شده است.

**اکشن کلاسیک یا اکشن معاصر؟**
اکشن یاکوزایی. کاملا فیلمی یاکوزایی است.

**پس معاصر است.**
بسیار آوانگارد و تجربی است؛ باله‌ای از رنگ و ریتم و قاب‌هایی عجیب و خیره‌کننده. جاناتان روزنبام گفت زیباترین فیلمی است که در ۳۰، ۴۰ سال اخیر دیدم.

**این تاثیراتی بود که شخصا خودتان گرفتید. وضعیت سینمای ایران را چطور می‌بینید.**
شما وقتی سینمای مهرجویی را نگاه می‌کنید، تاثیر نئورئالیسم ایتالیا و عشق و علاقه‌ای که به فیلمسازانی مثل برگمن داشته، کاملا واضح است. نئورئالیسم ایتالیایی بیشترین تاثیر را در ایران داشته است.

**از یک دهه‌ای درواقع.**
در کیانوش عیاری خوب می‌بینید؛ حتی «آبادانی‌ها»ی او که حداقل من فکر می‌کنم بهترین کارش است، بازسازی «دزد دوچرخه» ویتوریو دسیکاست. کیمیایی یک کار جالب کرده، او عناصری از وسترن‌ها و گنگستری‌های آمریکایی گرفته و آنها را کیمیایی کرده یعنی مال خودش کرده، جوری که دیگر وسترن و گنگستری نیست و کاملا کیمیایی است. به همین خاطر من همیشه تصاویر کیمیایی را دوست داشته‌ام و هر فیلمی از او برایم هیجان‌انگیز بوده. به‌نظرم حتی بدترین فیلمش هم یک چیزهایی برای دیدن دارد.

**حتی فیلم‌های ضعیفش هم لحظات درخشان دارد.**
بله و این تاثیرات در بسیاری از فیلمسازان ما دیده می‌شود اما سینمای ما در بدو پیدایشش همان چیزی بود که کاووسی به آن گفت فیلمفارسی که طبعا تحت تاثیر جریان‌های سیاسی نیست، بلکه تحت‌تاثیر آن چیزی است که در منطقه دارد می‌گذرد.

**چون به اعتباری ورود سینمای هند است و یک دوره‌ای مصر.**
و حتی به‌نظرم به ترکیه نزدیک است. به آنچه در ترکیه به آن گفتند فیلم یشیلچام. دقیقا همین مدل فیلم‌های ما بود، یعنی ملودرام هستند اما حتما زد و خورد دارند، یک کافه دارند حتما یک آریا شاهین باید در دره چالوس پرت شود.

**رقص دارند.**
بله و حتما لحظات کمدی دارند. یا ظهوری یا سپهرنیا یا میری ولی حتما یکی از اینها را دارند و اگر می‌شد، صحنه ترسناکی هم آن وسط ممکن بود. حتما موزیکال هم هستند. آن چیزی که کاووسی به آن گفت فیلمفارسی، درواقع منظورش ملغمه بود؛ یک سالاد کامل. این شکلی شروع شد. سینمای مصر هم همین بود.

**البته بعد تعمیم داد و به بعضی از فیلم‌های خوب هم گفت فیلمفارسی، مثلا به «قیصر» کیمیایی هم گفت فیلمفارسی.**
به‌هرحال بعد از اینکه سینمای جدی ما شکل گرفت.

**از کی؟ از اواخر دهه ۴۰؟**
بله، قبلش هم بود مثلا فرخ غفاری که من به خصوص «شب قوزی»اش را دوست دارم یا ابراهیم گلستان که «خشت و آینه» را ساخت.

**گلستان بیشتر در حوزه فیلم مستند است.**
اگرچه نمی‌تواند اکران کند ظاهرا سینمایی را اجاره کرده، خب گلستان شرایط مالی خوبی داشت. برای همه چنین چیزی نبود که سینما بگیرند و بگویند فیلم ما را نشان دهید. من اگر می‌توانستم خیلی دوست داشتم این کار را کنم؛ چندان که وقتی فیلم‌هایی مثل «صداها» یا «سراسر شب» می‌سازم که می‌دانم مشتری چندانی ندارد و خاص است، بعضی وقت‌ها دوست دارم جلوی در سینما بایستم و یقه مردم را بگیرم و به زور وارد سینما کنم که بروید فیلم ببینید و توی خیابان ول نگردید.

**بروید فیلمی متفاوت ببینید.**
از سال ۱۳۴۸ شروع می‌شود و ناصر تقوایی با «آرامش در حضور دیگران» که فکر کنم اولین فیلم موج نو است اما توقیف می‌شود و دیرتر از دیگران نمایش داده می‌شود.

**دهه ۵۰ به نمایش درآمد.**
اما اولین فیلم موج نویی بود که ساخته شد. «قیصر» و «گاو» ما البته تقریبا با هم اکران شدند. موج نوی ما چه بود؟ به‌هرحال تعدادی از فیلمسازان به وجود آمدند که برخی تحصیل‌کرده سینما بودند و برخی تحصیل‌کرده رشته‌های دیگر اما از خارج از کشور می‌آمدند.

**مثلا مرحوم مهرجویی در آمریکا فلسفه خوانده بود.**
برخی مثل کیمیایی از سابقه دستیاری و اینها می‌آمدند. برخی از سابقه نقد فیلم و نوشتن درباره سینما می‌آمدند، مثل هژیر داریوش که یادش بخیر، من او را دوست داشتم. برخی هم مثل خسرو هریتاش سینما خوانده بودند. اینها در یک چیز مشترک بودند. فیلم‌هایشان با هم متفاوت بود. بهرام بیضایی از تئاتر و ادبیات آمده بود و همه اینها می‌خواستند فیلم‌هایی جدی‌تر بسازند. از فیلمفارسی‌ها خسته بود.

**سینما برایشان جدی بود و فقط تفنن نبود.**
بله، از آن به بعد شما فیلمسازهایی را می‌بینید رگه‌هایی از تاثیرات جدی در آثارشان دیده می‌شود، مثلا تاثیر کوروساوا بر «غریبه و مه» بیضایی. تاثیر ژان لوک گدار بر «مغول‌ها»ی کیمیایی. اصلا یک دروازه سینمایی ساخت که روی آن نوشت ژان لوک گدار و مغول یا ترکمنی که به او گفته بودند تو می‌گویی من مغولم، نمی‌گویی ترکمنم، به زن که رسید، پرسید سینما چیست؟ منظور این بود این سینما چیست که ما را علاف کرده! اما منظور این بود که «سینما چیست» پرسش تاریخی گدار است.

**«اوکی مستر» کیمیاوی هم کار خیلی خوبی است، به‌خصوص پایانش که درخشان است. سیندرلا هم انگار اسم دیگرش است.**
سیندرلا در سرزمین عجایب یا یک چنین چیزی. من اصولا کیمیاوی را دوست داشتم. مستندهایش را هم دوست داشتم.

**«ضامن آهو» و کارهای دیگرش.**
«تپه‌های قیطریه» یا فیلم‌های مستندی که در فرانسه ساخت. یک فیلم درباره شلوار جین ساخته که فوق‌العاده است.

**در سال‌های گذشته یعنی ۲۰ سال اخیر فکر می‌کنید سینمای ایران مبتنی بر شناسنامه قابل توجه و تامل ۴۰ سال اخیر خودش دارد طی طریق می‌کند؟ یا سرگشتگی یا شکلی از درهم‌ریختگی در سینما هست. منهای بعضی از فیلمسازان که مسیر و تولیدات خودشان را دارند؛ از جمله جنابعالی و چند تا از دوستان دیگر.**
من خودم همان کاری را کردم که سلیقه‌ام بوده و خیلی هم وسیع است. فیلم‌هایی ساختم که به سلیقه خودم نزدیک است؛ مثل «صداها»، «شب‌های روشن»، «هفت پرده»، «سایه‌روشن»، «سراسر شب» و «شبگرد» و نیز فیلم‌هایی برای گیشه ساختم، چون فکر می‌کنم باید برای گیشه هم فیلم ساخت، مثل «پوپک و مش ماشاالله» و «چشم‌وگوش بسته» و تا حدی «باج جور»؛ البته «باج جور» در عین حال علایق من را دارد.

**رگه‌هایی از دنیای ذهنی خودتان را دارد.**
اما سینمای ما بیشتر تحت تاثیر آن چیزی است که به آن درام اجتماعی گفته‌اند، شکل گرفته. من خیلی به این روند علاقه‌ای ندارم اما می‌فهمم که فیلم‌هایشان مورد توجه مردم قرار می‌گرفت و به‌هرحال مردم نوعی ارتباط حسی، عاطفی و غریزی با این نوع فیلم‌ها می‌گیرند و باعث می‌شود که جنسی از فیلم جدی بشود که فروش هم می‌کند و مورد پسند مدیران هم بود. جوایزی که در جشنواره‌ها به این نوع فیلم‌ها داده می‌شد، نشان می‌داد که دارند از آنها حمایت می‌کنند. منتقدان هم دوست داشتند. به نظرم به‌نحوی تاثیراتی هم در خارج از ایران گذاشته. من وقتی فیلم «آناتومی یک سقوط» را دیدم، احساس کردم این فیلم از روی دست اصغر فرهادی ساخته شده.

**بعید نیست.**
با این تفاوت که به نظرم فیلم‌های اصغر بهتر هستند.

**حداقل «درباره الی» فیلم بسیار خوبی است. برخی فیلم «جدایی» را بهتر می‌دانند اما من فیلم درباره الی را بهتر می‌دانم.**
به‌نظرم سینمای اجتماعی و چیزی که گفتیم درام‌های اجتماعی، درست است که من به آن بی‌علاقه بودم اما تاثیرگذارترین بخش سینما بودند.

**به نظر شما درام‌های اجتماعی به سینمای ایران آدرس غلط ندادند؟ یعنی ماندن در تولید درام‌های اجتماعی آدرس غلط دادن به سینما نبود؟**
مشکل این است که وقتی «چهارشنبه‌سوری» می‌فروشد، همه از تو آن را می‌خواهند.

**چهارشنبه‌سوری فیلم خوبی است.**
بله. در کلاس‌های کارگردانی‌ام هر وقت بحث تهیه‌کنندگی می‌شود، یکی از مصاحبه‌های رابرت ایوانز را پخش می‌کنم که تهیه‌کننده «محله چینی‌ها»، «بچه رزماری» و «معرفت جسم» است. باید ببینید چطور صحبت می‌کند. توضیح می‌دهد که من سر فیلم محله چینی‌ها می‌خواستم یک اقتباس از تراژدی آمریکایی تئودور درایزر بسازم. رابرت تون را آوردم و به او گفتم من به تو ۷۵ هزار دلار می‌دهم و تو تراژدی تئودور درایزر را برای من اقتباس کن. او دست توی کیفش کرد و یک فیلمنامه به نام محله چینی‌ها روی میز من گذاشت و گفت من ۷۵ هزار دلار را نمی‌خواهم، ۲۵ هزار دلار به من بده اما این را بساز. رابرت ایوانز می‌گوید من محله چینی‌ها را خواندم و دیدم این همان تراژدی آمریکایی است اما این وسط من ۵۰ هزار دلار سود کرده‌ام. ما این تهیه‌کننده را نداریم. وقتی فیلم چهارشنبه‌سوری می‌فروشد، همه می‌گویند ببین فرهادی چه ساخت؛ هم جدی است و هم پرفروش و تو هم این‌طور بساز. نویسنده من یک فیلمنامه جنایی برای من نوشته بود که بسیار دوست داشتم آن را بسازم اما به محض اینکه جنس فیلم‌های اصغر فرهادی محبوب شد، به من تلفن کرد و گفت من فیلمنامه را به هم ریختم و مثل درام‌های اجتماعی‌اش کردم. گفتم من فیلم نوآر دوست دارم، نه درام اجتماعی. درام اجتماعی کارگردان خودش را دارد. فیلم نوآر در ایران کارگردان ندارد. من باید کاری کنم که کس دیگری نمی‌کند. مشکل این شد که حالا از در و دیوار درام اجتماعی ریخت و حداقل من یکی از یک جایی زده شدم و دیگر دنبال نکردم.

**جامعه مخاطب هم زده شده. اصلا روآوردن به این نوع از کمدی‌ها نشانگر همان زدگی از آن جریان سینمایی است.**
شاید بی‌تاثیر نبوده؛ البته درام‌های اجتماعی از حدود ۱۰ سال پیش تغییر شکل دادند؛ مثلا درام‌هایی که اصغر فرهادی می‌ساخت، متکی بر طبقه متوسط و اقشار تحصیل‌کرده بینابینی جامعه بودند. ناگهان از هفت هشت سال پیش قمه‌کشان، معتادان، کارگران جنسی و اشرار و لمپن‌ها سینمای ما را اشغال کردند. ناگهان ما با یک سینمای لمپنی عجیبی روبه‌رو شدیم که باز هم منتقدان از آنها تعریف می‌کنند و مدیران هم تشویقش کرده و به آنها جایزه می‌دهند. من احساس کردم درام اجتماعی ما اصلا راهش را گم کرده.

**دلیل خاصی برای این مساله یعنی تغییر از آن سینمای اجتماعی به این حالت احساس می‌کنید؟ یا جامعه اشباع شده بود و می‌خواست این نوع را تجربه کند؟**
به نظرم عده‌ای دوست نداشتند که روی طبقه متوسط فیلم ساخته شود.

**دلیل خاصی دارد؟**
طبقه متوسط طبقه‌ای مهم و تصمیم‌گیرنده در جامعه ماست. مهم‌ترین قشر جامعه ما هستند و مسائل بسیار مهمی با خود دارند.

**دریک مقطع ۲۵ ساله رشد طبقه متوسط در ایران شگفت‌انگیز بود، یعنی از سال ۷۱ و ۷۲ رشد طبقه متوسط به لحاظ کمیت عددی و نه کیفی انفجاری است.**
بله. من احساس کردم که درواقع ممیزی دوست دارد کمتر مسائل این طبقه مطرح شود. احساس من این بود و درام‌های لمپنی به‌یک‌باره تشویق شدند؛ حتی فیلم‌های کمدی ما هم لمپنی شده. رقص و آواز و کاباره. امسال من چند فیلمنامه خواندم که کاباره داشت. چند فیلم پرفروش امسال به من پیشنهاد شده بودند و من فیلمنامه‌هایشان را خوانده بودم. من نمی‌فهمم. مگر زمان شاه چند کاباره داشتیم. شش هفت تا که بیشتر نبودند؛ میامی مال پولدارها بود. شکوفه‌نو و باکارا مال طبقه متوسط بودند. افق طلایی هم مال لمپن‌ها بود که چاقوکش‌ها و کارگران جنسی در آن زیاد بودند و یکی، دو تای دیگر. اگر فکر می‌کنند مشهد، شیراز و اصفهان کاباره داشته، اشتباه می‌کنند و هیچ‌کدام کاباره نداشتند. یک کاباره خلیج در خرمشهر بود و یک کاباره هتل آبادان. حالا هر فیلمی می‌سازند یک کاباره هم دارد. من یک فیلمنامه‌ای خواندم که فهمیدم نویسنده فرق کاباره را با کانون نویسندگان نمی‌داند، چون در کاباره شب شعر گذاشته بودند.

**هر دو می‌خندیم اما خنده‌هایمان تلخ است که سینمایمان از یک دوره و مقطعی که نمی‌خواهم بگویم درخشان بوده اما سینمای خوبی بوده و پربار و پرخون بوده و ساحت خوبی داشته، به چنین شرایطی رسیده‌ایم. خنده من و شما در این وضعیت موجود از گریه تلخ‌تر است.**
من وقتی با ماشین از جلوی سینما آزادی که می‌گذرم، غصه می‌خورم، چون به سر در که نگاه می‌کنم، یاد تئاتر بولینگ عبده می‌افتم. رسما شده تئاتر بولینگ عبده. به‌نظرم این حجم از فیلم کمدی که خیلی هم کمدی‌های خوبی نیستند، بیشتر یک جور بیماری هستند. الان فشار روی من هست که کمدی بسازم اما با اصرار ایستادم روی یک فیلم نوآر که آن را بسازم.

**شما را به خدا کمدی نسازید. ناچار نشوید از اینها بسازید. نوآر بسازید که خوب است.**
کار ما از ناچاری گذشته اما دارم مقاومت می‌کنم.

**البته من در این برنامه در جلسه صحبت با پرویز پرستویی هم عرض کردم که به‌شدت از اینکه فیلم‌ها فروش کنند، خوشحال می‌شوم، چون هم معیشت خانواده سینما تامین می‌شود و هم چراغ سینما روشن می‌ماند اما قیمتش هم در عین حال برایم مهم است. به چه قیمتی؟ ما داریم گوهرهای گرانبهای خودمان در حوزه سینما را داریم ارزان می‌فروشیم.**
شرایط خوبی نیست.

**با این شرایط آینده را چگونه می‌بینید؟**
الان سال‌هاست یعنی دو دهه است که بیشتر در مه داریم زندگی می‌کنیم، یعنی واقعا آینده شفافی جلویمان نیست.

**شما می‌گویید مه و من می‌گویم برزخ.**
مدیران سینمایی می‌آیند و می‌روند و هر کدام هم ادعای فتوحاتی می‌کنند اما در عمل می‌بینیم که داریم به عقب برمی‌گردیم. فیلمسازان جوان می‌آیند اما تا دو، سه فیلم عزیز هستند و بعد دیگر عزیز نیستند. مشکلاتی برایشان به وجود می‌آید که می‌تواند به وجود نیاید. آنها هم درواقع به ما می‌پیوندند که از قبل ماندیم و برای هر فیلمی انگار فیلم اولی هستیم. گاهی واقعا خسته‌کننده می‌شود. گاهی فکر می‌کنم که جمع کنم و بروم. من زیاد به استانبول می‌روم، چون فرزندم آنجا درس می‌خواند. واقعا گاهی فکر می‌کنم چمدانم را ببندم و دیگر برنگردم، ولی هر بار می‌روم، بعد از چهار روز بلیتم را می‌گیرم و برمی‌گردم.

**یک آهن‌ربایی شما را می‌کشد.**
بالاخره من آدم اینجا هستم و باید فیلمم را هم اینجا بسازم. اینجا به دنیا آمده‌ام و اینجا هم می‌میرم. نمی‌توانم بروم اما آنقدر اذیت شدم که گاهی می‌گویم این دفعه دیگر می‌روم.

**من معنی خنده‌های شما را در اوج این تلخی می‌فهمم.**
می‌گویند وقتی بیشتر عصبی هستید، بیشتر هم می‌خندید.

**امیدوارم تندرست باشید. من که به دوستی چند ساله با شما می‌بالم و خدمت شما ارادت دارم. یکی، دو تجربه هم با هم داریم، در خانه سینما و جشن کتاب سال سینما و امیدوارم شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که شما بتوانید چندین فیلم نوآر خوب بسازید.**
یک پروانه ساخت دارم. ما هر پروانه ساخت می‌گرفتیم، روی آن می‌نوشتند درام اجتماعی، درحالی‌که هیچ‌کدام درام اجتماعی نبودند. سر «شبگرد» برای اولین‌بار روی پروانه ساختی که به من داده بودند، نوشته بود ژانر: نوآر. من این را قاب کردم و روی دیوار اتاقم زدم. بالاخره نوآر به رسمیت شناخته شد.

**چه دوره‌ای گرفتید؟**
همین دو سال پیش.

**درام اجتماعی که ژانر نیست اما اینکه ژانرهای دیگر را به رسمیت بشناسند، خیلی اهمیت دارد.**
هر فیلمی می‌تواند درام اجتماعی باشد.

**درام ژانر هست اما سینمای اجتماعی ژانر محسوب نمی‌شود. در دل خودش تعداد زیادی ژانر دارد.**
اجتماعی‌ترین فیلم‌ها گنگستری هستند.

**از بن دندان و ژرفای دلم آرزو می‌کنم فرصتی فراهم شود تا فیلم‌های خود را بسازید.**
مخلصم.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۱۲

مروری بر کارنامه بازیگری شهرام حقیقت‌دوست

# شمایلی دوگانه برای شرارت و معصومیت

مهران زارعیان
خبرنگار

به امید یه هوای تازه‌تر/ گفتیم از رفتن و خوندیم از سفر/ می‌خواستیم مثل پرنده‌ها باشیم/ آسمونو حس کنیم، رها باشیم...

این ترانه خاطره‌انگیزی برای متولدان دهه ۶۰ و ۷۰ است که در سال‌هایی که جامعه ایران به لحاظ جمعیتی بسیار جوان بود و شبکه سوم صداوسیما چند سالی می‌شد که پخش خود را آغاز می‌کرد، از تیتراژ یک سریال بسیار جوان‌پسندانه به نام «خط قرمز» به گوش می‌رسید. خط قرمز به غیر از آن ماشین جیپ باصفا و لوکیشن سرسبزش در شمال کشور، به خاطر حضور یک هنرپیشه جوان به نام شهرام حقیقت‌دوست، محبوب و نوستالژیک است. جوانی با صدای خش‌دار دورگه و چشمانی به رنگ سبز، شبیه به گرگ. در فرهنگ عامه معروف است که هنرپیشه‌ها باید زیبا و خوش‌چهره باشند، این درباره شهرام حقیقت‌دوست کاملا صدق می‌کند؛ هنرپیشه‌ای که شمایلش مثل صدایش حالت دوئیت و دوگانگی دارد و همزمان شرارت و معصومیت را می‌توان در شمایل او مشاهده کرد. بی‌دلیل نبود که پرسوناژ محوری و معمولی که از او در خاطر داریم، یک خلافکار است که سمپاتی جلب می‌کند و معمولا هم توبه کرده است. حتی در «مختارنامه» هم کاراکتر عبیدالله بن حر جعفی با بازی شهرام حقیقت‌دوست یک شخصیت خاکستری بود که ابتدا در جرگه خونخواهان امام حسین(ع) قرار می‌گرفت و در رکاب مختار شمشیر می‌زد اما بر سر تقسیم غنائم با سپاه مختار به اختلاف خورد و به او خیانت کرد. شمایل حقیقت‌دوست، هیبت غلیظ مردانه و خشن ندارد و جثه او نیز متوسط است؛ با این حال معمولا در آثارش نوعی کاریزمای بزن‌بهادر مآبانه دارد که او را برای نقش‌های اکشن و جنایی انتخاب بسیار مناسبی می‌کند.

به یاد دارم در سریال «خداحافظ بچه» که یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینی‌های شهرام حقیقت‌دوست در تلویزیون بود، سکانسی وجود داشت که مرتضی (این کاراکتر هم یک خلافکار توبه‌کرده بود!) با بازی حقیقت‌دوست مقداری پول نقد به همراه داشت و سوار یک سواری کرایه‌ای ناشناس می‌شد و در میانه راه راننده و همدستش در صندلی پشتی می‌خواستند از او خفت‌گیری کنند؛ حقیقت‌دوست در یکی از معدود صحنه‌های درگیری آن سریال، موفق می‌شد اهرم صندلی ماشین را بکشد و از طریق برخورد صندلی با همدست راننده، در ماجرای خفت‌گیری مقاومت کند. این یکی از لحظاتی بود که بدون اینکه در دست کاراکترهایی که حقیقت‌دوست بازی کرده، اسلحه باشد و یا از مشت و لگد و هیکل ورزشکارانه استفاده کند، رفتاری مسلط و پرقدرت از خود نشان می‌داد؛ همان چیزی که شمایل این بازیگر ایجاب می‌کند و نوعی از هوشمندی و زرنگی توام با جنم را بازتاب می‌دهد. شهرام حقیقت‌دوست بازیگری را از تئاتر شروع کرد و در ادامه در تلویزیون فعالیت هنری را از پی گرفت اما نخستین حضور سینمایی خود را با فیلم «درخت گلابی» مرحوم داریوش مهرجویی تجربه کرد که در آنجا نقش دانشجویی را داشت که جزء علاقه‌مندان شخصیت نویسنده با بازی همایون ارشادی بود. در تلویزیون «مهر خوبان» نخستین تجربه‌اش بود و بعدتر نیز با «داستان یک شهر» اصغر فرهادی کسب تجربه کرد تا در نهایت خط قرمز سکوی پرتاب او از نظر شهرت و محبوبیت شد و در همان سال‌ها بازی او در نقش اصلی فیلم «جنایت» محمدعلی سجادی مورد توجه قرار گرفت و نامزدی در هفتمین جشن خانه سینما را تجربه کرد. شهرام حقیقت‌دوست را با نقش ناصر در «خط قرمز»، سعید خجسته‌فر در «شوق پرواز»، عبیدالله بن حر در «مختارنامه»، مرتضی در «خداحافظ بچه»، سرگرد طلوعی در «خون سرد»، استوار آب‌پرور در «شاهگوش»، دزد در «صبح روز هفتم»، ایرج در «مرداب» و همچنین نقش‌آفرینی در فیلم‌های «غوغا»، «چند می‌گیری گریه کنی»، «کلاشینکف»، «زرد»، «هیلانه»، «زیر سقف دودی»، «سرو زیر آب»، «مخمصه»، «عطش»، «لابی» و... به یاد می‌آوریم و به امید آنکه فیلم «قاتل و وحشی» نیز روزی اکران شود تا احتمالا یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینی‌های او را در فیلم نعمت‌الله ببینیم. تعداد آثاری که شهرام حقیقت‌دوست در آنها حضور دارد زیاد است و او را می‌توان یکی از بازیگران موفق در نقش‌های مکمل در سینمای ایران دانست که متاسفانه آن‌طور که پتانسیل داشته، نقش‌های چالشی متنوع به او پیشنهاد نشده و کمتر از توانایی و استعداد و جذابیت شمایلش، مورد توجه قرار گرفته است. حقیقت‌دوست گزینه بسیار خوبی برای نقش‌های چه مثبت و چه منفی در فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی و جنایی است و به خوبی می‌تواند رل کارآگاه‌ها، پلیس‌ها، نیروهای امنیتی، قهرمانان اکشن و از طرف دیگر، خلافکاران، آدمکشان، جاسوس‌ها و نیروهای دشمن را بازی کند. در سینمای ایران چون فیلم‌های ژانر مغفول مانده و به تبع آن بازیگران مخصوص ژانرهای پرزد و خورد کم داریم، شهرام حقیقت‌دوست می‌تواند یکی از وزنه‌ها برای اعتلای این جنس سینما باشد.

حاشیه‌نگاری تماشای بازی تیم ملی ایران و ژاپن در برج میلاد

# شادترین و بهترین فیلم جشنواره

سیدمهدی موسوی‌تبار
دبیر فرهیختگان آنلاین

■ با وجود اینکه از چهارشنبه هفته پیش مشخص بود که بازی ایران و ژاپن مصادف با یکی از سانس‌های جشنواره فیلم فجر می‌شود اما در آخرین لحظات اعلام شد که بازی ایران در سالن اصلی پخش می‌شود.

■ به دلیل عدم برنامه‌ریزی صحیح و طولانی شدن نشست خبری فیلم «صبح اعدام»، پخش فوتبال با دقایقی تاخیر انجام شد.

■ دقایق ابتدایی بازی به دلیل کندی اینترنت با قطع و وصل‌های مکرر پخش شد که با اعتراضات اصحاب رسانه همراه بود.

■ مسئولان جشنواره درنهایت مجبور شدند که بازی را از اپلیکیشن تلویبون روی پرده پخش کنند که به‌واسطه کندی اینترنت، با کم و زیادشدن کیفیت و گاهی هم قطعی همراه بود.

■ واکنش‌ها به گلی که ایران دریافت کرد جالب توجه بود و فضایی شبیه به استادیوم‌های ورزشی پر از استرس و تشویق در سالن برج میلاد به وجود آمد.

■ با شروع نیمه دوم و بازی درخشان ایران، فضای سالن هم پر از شور و حرارت و امید بود و با گل‌های ایران این هیجان بین خبرنگاران و هنرمندان و اهالی رسانه بیشتر می‌شد.

■ یکی از حاضران سالن، فوتبال را از جایی تماشا می‌کرد که زودتر از سالن و تلویبون از اتفاقات آگاه می‌شد و همین باعث می‌شد که گروهی از تماشاگران واکنش‌های سریع‌تری نشان بدهند.

■ پس از زدن گل مساوی ایران توسط محبی، همه سالن شادی کردند و فضای غرورآمیز و پرافتخاری شکل گرفت و بسیاری از حاضران در سالن ترجیح دادند بقیه بازی را ایستاده تماشا کنند.

■ با اعلام ضربه پنالتی به نفع ایران، اکثر گوشی‌های همراه آماده ثبت و ضبط این لحظه تاریخی بودند و نور گوشی‌های همراه، تصاویر جالبی را به وجود آورده بود.

■ پس از گل شدن پنالتی و قطعی شدن صعود ایران به مرحله بعد، صدای سوت و کف و تشویق‌های مکرر یک جو جذاب و پر از امید را خلق کرده بود و برخی از حاضران اشک شوق ریختند.

■ به جز مردم و تماشاگران و تیم ملی، عوامل فیلم «شه‌سوار» هم از برد ایران در دقایق آخر خوشحال بودند زیرا فیلم‌شان با تاخیر بیشتری روی پرده نمی‌رفت.

■ حال و هوای برج میلاد پس از پیروزی و صعود ایران، خاص و شاد و امیدآفرین بود و تا الان پرشورترین نمایش جشنواره بوده است.

نگاهی به آثار سینمایی میهن‌پرستانه در سینمای ایران

# در جست‌وجوی ایران

ایمان عظیمی
خبرنگار

بعضی‌ها ایران را ملک پدری خود می‌پندارند و سعی دارند بگویند دیگری که از فلان گرایش سیاسی برخوردار است اصلا قادر نیست به کشور خود عشق بورزد و دینش را به این مملکت ادا کند. در همین ابتدا باید گفت که این تصور، تصویر کدر و بی‌آینده‌ای را به شهروندان ایران مخابره می‌کند که این جغرافیا تنها به عده قلیلی اختصاص دارد و تنها آنها هستند که می‌توانند از مواهبش برخوردار شوند. همین مساله موجب شده تا برخی در مواجهه با آثار سینمایی «وطن‌پرستانه» به شکل خاصی از فیلم‌ها توجه کنند و از نشان دادن روی خوش به دیگر فیلم‌ها غافل بمانند. وقتی از آثار وطن‌پرستانه در مدیوم سینما حرف می‌زنیم مجبوریم که انتخاب‌های خود را در سینمای موسوم به ژانر در چند گونه مختلف خلاصه کنیم. هدف ما نگاهی به تاریخ فیلم‌های وطن‌پرستانه در موجودیتی به نام جشنواره فجر است و قصد نداریم که در مورد سینما و ارتباط آن با مفهوم ناسیونالیسم سخنی به میان آوریم. ولی بد نیست بدانیم که دفاع از مرزهای جغرافیایی کلیتی به اسم وطن، بیشتر در سینمای منسجم و نظام‌یافته‌ای نظیر آمریکا طرفداران پروپا قرصی دارد و به همین دلیل سالانه آثار زیادی در این زمینه ساخته می‌شود. اما داستان در مورد سینمای ما کمی متفاوت است. در آمریکا احترام به پرچم وظیفه ذاتی هر آمریکایی است و آنها نمی‌توانند دعواهای سیاسی‌شان در صحنه نبرد را تا جایی ادامه دهند که اصل آمریکایی بودن زیر سوال رود. اما در ایران این‌گونه نیست و حتی ما به خاطر منافع شخصی کار را تا جایی پیش می‌بریم که دشمن بتواند از یمین و یسار به ما ضربه بزند و در کشاکش دعواهای سیاسی کاری کند که به میهن خویش عشق نورزیم.

جشنواره فیلم فجر که از راه رسید، قرارش بر این شد که ایرانیان حداقل در سینما با تماشای آثاری که عشق به ایران را ترویج می‌دادند، اختلافات‌شان را زمین بگذارند و برای ساعاتی هم که شده تنها به این گستره پهناور بیندیشند. اینکه کار چگونه پیش رفت و نتیجه چه شد، موضوع گزارش ما نیست ولی با جست‌وجوی کارنامه سینمای کشور در دوران جمهوری اسلامی درمی‌یابیم که توجه به مفهوم وطن‌پرستی و میل به گسترش این نگاه در آثار تولیدشده، نه‌تنها قابل مقایسه با گذشته نیست بلکه به دلایل مختلف مانند جنگ تحمیلی هشت‌ساله و ظهور و بروز گروهک‌های تروریستی در اطراف کشور عزیزمان -که به‌عنوان بازوی عملیاتی غرب علیه ایران عمل می‌کنند و قصد برهم زدن آرامش شهروندان ایرانی را در سر می‌پرورانند- رشد نیز یافته است. ما تصمیم داریم در این گزارش با نگاهی به دوره‌های گذشته جشنواره فیلم فجر، آثار مهم وطن‌پرستانه‌ای که در بخش مسابقه این فستیوال به نمایش درآمده‌اند را با شما مرور کنیم.

## وقتی شعارجان روایت را می‌گیرد («عبور از میدان مین» ۱۳۶۲)

دوره دوم جشنواره فجر، محل آزمون و خطا بود و سینما در عصر جدید داشت بدون اتکای چندان به ستارگان اصلی سینمای فارسی راه خودش را پیدا می‌کرد و کاملا طبیعی بود که فیلمسازان جوان در کوران جنگ تحمیلی نتوانند به‌راحتی خودی نشان دهند و وضعیت بحرانی کشور و مردم در آن زمان هم باری بر دوش آنها اضافه کرده بود تا ساخت فیلم بیش از هر دوران دیگری کاری بس عجیب و دشوار به نظر برسد. دومین فستیوال فجر محلی بود برای حضور چهره‌های تازه‌نفس سینمای انقلاب و سینماگرانی که پیشتر در دوران پهلوی پشت دوربین قرار گرفته بودند و اکنون می‌خواستند به زیست خویش ادامه دهند. ادامه فعالیت برای عده‌ای از آنها مهیا شد و برخی دیگر حضوری کوتاه در این دوران داشتند. جواد طاهری جزء آن دسته از فیلمسازان این دوره از جشنواره به شمار می‌آمد که در تجربه‌های انگشت‌شمارش در دهه ۵۰ توانسته بود پشت دوربین قرار بگیرد و در سینمای فارسی آن دوره نقشی -ولو کوچک- ایفا کند. طاهری در دومین دوره از فجر با فیلم «عبور از میدان مین» در بخش مسابقه (بخش حرفه‌ای) حضور پیدا کرده بود تا شانس اندک خود را برای دریافت جایزه محک بزند. عبور از میدان مین روایت نظامیانی است که موفق می‌شوند یکی از پایگاه‌های دشمن بعثی را به تصرف نیروهای ایرانی دربیاورند اما دشمن دور این قلعه را مین‌گذاری می‌کند و رزمنده‌های ایرانی را در شرایط محاصره قرار می‌دهد. در این بین یک افسر ارتش با بازی سعید راد که تخصصش خنثی نمودن مین است ماموریت می‌یابد تا به کمک نیروهای ایرانی بشتابد و محاصره را بشکند. عبور از میدان مین آشکارا یک فیلمفارسی است و شعار از سر و روی آن می‌بارد اما ساخت چنین آثاری درست در حساس‌ترین روزهای جنگ ما را از سرزنش سازندگان آن معاف می‌کند. با این حال داستان ما با سینمای جنگ و فیلم‌های وطن‌پرستانه‌ای که از این جریان منشعب می‌شدند، تازه شروع شده است.

## آغاز جدی رسول («بلمی به‌سوی ساحل» ۱۳۶۴)

«بلمی به‌سوی ساحل» ترجمان سینمای مقاومت است. با ساخت این فیلم بود که رسول ملاقلی‌پور در دومین تجربه سینمایی‌اش برای مخاطبان جدی‌تر یا همان سینماروها شناخته شد و عده‌ای را در ادامه به پیگیری کارش امیدوار کرد. پاسدارانی از تهران ماموریت پیدا می‌کنند که عازم خرمشهر شوند و همراه با رزمندگان مستقر در این شهر بجنگند و خواب را بر دشمن عراقی حرام کنند. اما آنها دیرتر از موعد، یعنی یک روز پس از سقوط خرمشهر وارد سرزمین سوخته می‌شوند و حال باید عزم‌شان را برای شناسایی استعداد نیروهای دشمن و به دست آوردن اطلاعات لازم از استحکامات آنها جزم کنند. فیلم در چهارمین دوره جشنواره فجر به اکران درآمد و به خوبی دیده شد. اما این پایان راه رسول ملاقلی‌پور نبود.

## نبرد حرفه‌ای‌ها («کانی‌مانگا» ۱۳۶۶)

ششمین جشنواره فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۶۶ برگزار شد و «کانی‌مانگا» ساخته سیف‌الله داد توانست دو سیمرغ در رشته‌های فنی و جایزه ویژه هیات داوران را به دست آورد. هواپیمای مهاجم عراقی در کانی‌مانگا، منطقه‌ای در غرب کشور ما سقوط می‌کند ولی خلبانش زنده می‌ماند. حال نیروهای ایرانی وظیفه دارند او را اسیر کنند. آنها در این مسیر با عراقی‌ها و گروه‌های ضدانقلاب درگیر می‌شوند و در انتها با موفقیت عملیات را به پایان می‌رسانند. کانی‌مانگا با فتح گیشه به‌عنوان یکی از پرمخاطب‌ترین آثار تاریخ سینمای ایران نام خود را جاودانه می‌کند.

## تعبیر خواب آشفته نفت («جنگ نفتکش‌ها» ۱۳۷۲)

محمد بزرگ‌نیا و فیلمی دیگر که بر پهنه دریا روایت می‌شود: «جنگ نفتکش‌ها». دوازدهمین دوره از جشنواره فیلم فجر با حضور آثاری مانند «حماسه مجنون»، «روز فرشته»، «همسر» و... در تهران آغاز می‌شود و در آخر کار سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی به محمد بزرگ‌نیا برای ساخت جنگ نفتکش‌ها تعلق گرفت. نکته جالب در دوره دوازدهم این است که داوران تصمیم می‌گیرند که به هیچ اثری سیمرغ بلورین بخش بهترین فیلم را اهدا نکنند! شعله‌های جنگ آنقدر گسترده و همه‌گیر است که بلای جان نفتکش‌ها نیز می‌شود و تنگه هرمز را به محل زورآزمایی طرفین درگیر در جنگ تبدیل می‌کند. در این بین، یک ناخدای جوان تصمیم می‌گیرد تا با همراهی یک ناخدای باتجربه نفتکش غول‌پیکر ایرانی را از منطقه عبور دهد و محموله را با موفقیت به مقصدش برساند. آنها در این مسیر با وجود مشکلات فراوان و توطئه‌های دشمن کار را به سرانجام می‌رسانند.

## با شیطان دست نده («روز شیطان» ۱۳۷۳)

بهروز افخمی «روز شیطان» را با اقتباسی از داستان «پروتکل چهارم»، اثر فردریک فورسایت تولید کرد. او در گفت‌وگویی که با ماهنامه فیلم در شماره ۱۷۱ انجام داد در این خصوص عنوان کرد: «موقعی که قصه پروتکل چهارم فردریک فورسایت را خواندم فکر کردم که این قابل اقتباس در فضای ایران هست، به این دلیل که ایران در شرایط دیگر در معرض چنین توطئه‌ای است. در زمان ساخت «روز فرشته» یکی از دوستانم از من خواست که فیلمنامه‌ای بنویسم که او بسازد. من پس از مدتی داستان فورسایت را پیشنهاد کردم. بعد تهیه‌کننده گفت که این فیلم را به دلیل هزینه زیاد و ساخت دشوار و پرسوناژ زیاد به کارگردانی که فیلم نساخته نمی‌دهم و فکر نمی‌کنم کس دیگری هم بکند و دوست من کنار کشید. بعد قضیه به خود من برگشت و فکر کردم خودم کار کنم. البته نوشتن این فیلمنامه کار دشواری بود، هم به علت تنظیم کردنش در فضا و مقتضیات سیاسی ایران و هم به این علت که داستان فورسایت ۶۰۰ صفحه است و راحت می‌شود از رویش یک مجموعه ۱۳ قسمتی ساخت. پر از جزئیات و حوادث فرعی است و البته همه هماهنگ و منسجم، منتها کوتاه کردنش در حد یک فیلم ۱۰۰ دقیقه‌ای کار دشواری بود.» فیلم در سیزدهمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و فقط در دو رشته بهترین موسیقی متن (بابک بیات) و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (منوچهر حامدی) نامزد شد.

## روزهای دشوار زندگی («روزهای زندگی» ۱۳۹۰)

ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را پذیرفته است. اغلب این‌طور فکر می‌کنند که جنگ دیگر به اتمام رسیده و شرایط برای صلحی پایدار مهیا شده اما به یکباره همه چیز به‌هم می‌ریزد و عراق در حمله‌ای برق‌آسا دوباره به سمت مرزهای ایران یورش می‌برد و دست بالا را در نبرد پیدا می‌کند. در همین حین است که بیمارستان صحرایی‌ای که توسط یک زوج اداره می‌شود همچون یک دژ در برابر هجوم نیروهای بعثی از خود مقاومت نشان می‌دهد و ایستادگی را معنا می‌کند. فیلم «روزهای زندگی» با دست پر سی‌امین جشنواره فیلم فجر را به پایان می‌رساند و با دریافت پنج سیمرغ موفقیت خود را جشن می‌گیرد.

## همه برای ایران («تنگه ابوقریب» ۱۳۹۶)

بهرام توکلی با قرار گرفتن در پشت دوربین فیلم «تنگه ابوقریب» پا به عرصه ساخت فیلم‌های بیگ پروداکشن می‌گذارد و در این راه با نظرات مثبت خوبی هم مواجه می‌شود. اتفاقات این فیلم برمبنای واقعیت روی داده و داستان حفظ تنگه راهبردی و بسیار مهم ابوقریب را به‌وسیله رزمندگان گردان عمار یاسر لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله بازگو می‌کند. این اثر توانست پنج سیمرغ، ازجمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر به خود اختصاص دهد و در ادامه اکران موفقی نیز داشته باشد.

## زخم کاری («روز صفر» ۱۳۹۸)

در اسفندماه ۱۳۸۸ بود که عبدالمالک ریگی، سرکرده گروهک تروریستی جندالله توسط نیروهای وزارت اطلاعات در فرودگاه بندرعباس بازداشت شد. اخبار دستگیری او مثل بمب ترکید و همگان را شگفت‌زده کرد. بسیاری دوست داشتند بدانند که این عملیات چه جزئیاتی داشته و چطور محقق شده است. بالاخره، سعید ملکان در اولین تجربه کارگردانی‌اش با همراهی بهرام توکلی به سراغ این سوژه رفت و موفق شد تا در این‌باره فیلمی آبرومند بسازد. «روز صفر» در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر در بخش سودای سیمرغ حضور داشت و با اقبال مناسبی روبه‌رو شد ولی حواشی ایجاد شده باعث شد تا عوامل روز صفر اختتامیه این فستیوال را تحریم کنند.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سه‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### عبدالکریم پرسپولیس را بالانس کرد

# ناکامی مرد برزیلی در مدیریت حواشی اردوی دبی

## قول و قرار سرخپوشان برای اعتصاب

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

کاروان پرسپولیس بعد از برگزاری اردوی تقریبا یک هفته‌ای عصر روز گذشته به ایران بازگشت. همزمانی ساعت پرواز سرخپوشان از دبی به تهران با بازی ایران و ژاپن باعث شد که آنها نتوانند بازی را به خوبی تماشا کنند. مزیت این اردو این بود که سرخپوشان بدون مصدوم راهی دبی شدند و با همین شرایط هم به تهران برگشتند، با این تفاوت که از لحاظ آمادگی توانستند با تمرینات خوب و فشرده وضعیت‌شان را بهبود بخشند. اگرچه از لحاظ هماهنگی تیمی این اردو برای پرسپولیس چندان مفید نبود؛ از این جهت که این تیم فقط یک بازی دوستانه انجام داد و این مسابقه هم چون در زمان خوبی برگزار نشد (فردای روزی که دو جلسه تمرین کردند)، بازیکنان نتوانستند آن‌طور که باید از این مسابقه بهره ببرند. در مورد تک بازی دوستانه پرسپولیس با شباب الاهلی باخبر شدیم که این تیم اماراتی قرار بود در همین روز با تیم الاتحاد بازی دوستانه داشته باشد اما عصر روز قبل از مسابقه این بازی به خاطر انصراف حریف لغو می شود و مسئولان باشگاه اماراتی به پرسپولیس پیشنهاد بازی دوستانه می دهند که اوسمار بعد از مشورت با اطرافیان تیم پاسخ مثبت می‌دهد. تصمیمی که با اعتراض بازیکنان هم مواجه می‌شود و در همین راستا نیز اوسمار بازی دوستانه دوم تیمش با تیم شارجه را به خاطر نگرانی از شکست دوباره لغو می‌کند. در واقع او این تصمیم را باید در مورد بازی اول می‌گرفت که تیمش خسته بود، و نه بازی دوم که از قبل می‌دانستند در این روز مسابقه دارند.

### حواشی که خوب مدیریت نشد

پرسپولیس به امارات رفت تا در فضایی آرام و بدون حاشیه به کارش ادامه دهد اما به گواه حاضران در این اردو، یکی از پرحاشیه‌ترین اردوهای سرخپوشان را شاهد بودیم. از بحث‌های پی‌درپی بین بزرگ‌ترهای تیم در مورد حمایت یا عدم حمایت از اوسمار گرفته تا اعتراضاتی که نسبت به برگزاری بازی دوستانه سرخپوشان مقابل شباب الاهلی صورت گرفت، لغو بازی دوم، حرف و حدیث در مورد اضافه شدن نفرات خارجی جدید به تیم، اختلاف بین دستیاران ایرانی در مورد مسئولیت‌هایی که از سوی سرمربی برای آنها تعیین نشده بود و... که هر یک از این اتفاقات از سوی اوسمار به خوبی مدیریت نشد. ناگفته نماند مدیریت باشگاه پرسپولیس هم در این حواشی نقش زیادی را ایفا کرد از این جهت که حداقل تکلیف سرمربی تیمش را قبل از رفتن به اردو مشخص نکرد و همین عامل باعث شد حواشی زیادی در محل اردوی سرخپوشان در دبی اتفاق بیفتد. به گفته یکی از حاضران در اردو، اوسمار به شاگردان و دستیاران ایرانی‌اش در این اردو به خوبی نشان داد که نمی‌تواند از پس حواشی تیمش بربیاید. مخالفان سرمربیگری اوسمار در پرسپولیس اعتقاد دارند که او در انتخاب ترکیب اصلی تیمش نیز به طور جدی به مشکل خواهد خورد، چراکه مشخص است برخی از بازیکنان اسمی در تفکرات تاکتیکی‌اش جایی ندارند اما شهامت نیمکت‌نشین کردن آنها را ندارد.

### دخالت مشهود در کار سرمربی

اگرچه رضا درویش در اردوی پرسپولیس در دبی حضور نداشت اما نزدیکانش همراه تیم بودند. در همین راستا باخبر شدیم در یک سری از تصمیمات مهم پیرامون تیم برخی افراد حاضر در اردو روی اوسمار تاثیر مهمی داشتند. از استخدام دستیار خارجی گرفته تا جذب ویلن موتا که قرار است از لیگ تایلند به جمع سرخپوشان بپیوندد. افراد حاضر در اردوی سرخپوشان در دبی اعتقاد داشتند که اوسمار در اتخاذ چنین تصمیماتی از نزدیکان درویش مشورت می‌گرفته و توجهی به دستیاران ایرانی‌اش نداشته است. همین مسائل نیز باعث شده بود حرف و حدیث در محل اردوی سرخپوشان زیاد شود.

### عبدالکریم مهره گمشده پرسپولیس

پرسپولیس مدت‌ها بود که در جناح چپ خود ضعف‌های زیادی را در کارهای تهاجمی داشت و همین مساله باعث شده بود توان هجومی این تیم در دو جناح بالانس نباشد؛ مخصوصا اینکه همین ضعف نیز باعث شده بود مهدی ترابی به خوبی از خط دفاعی حمایت نشده و نتواند کارایی لازم را در ترکیب سرخپوشان داشته باشد. اما عبدالکریم، خرید جدید سرخپوشان با آمادگی خوبی که در اردوی سرخپوشان از خود نشان داد به طور کامل این ضعف را برطرف کرده است. چه بسا در صورت هماهنگی بیشتر او با بازیکنان کناری‌اش به‌زودی شاهد این باشیم که حملات پرسپولیس به جای جناح راست بیشتر از سمت چپ طراحی شود. مدافع قطری با وجود اینکه دیر به سرخپوشان ملحق شد اما از نظر بدنی خیلی زود توانست خودش را به سطح همبازیان جدیدش برساند.

### همان عیسی همیشگی

عیسی آل‌کثیر بعد از یک نیم فصل خیلی خوب که فصل گذشته با پرسپولیس داشت در نقل و انتقالات تابستانی راهی سپاهان شد. او نتوانست در این تیم جایگاهی ثابت برای خود دست و پا کند و اکثر بازی‌ها را از روی سکوها و نیمکت سپری کرد تا در نیم فصل تصمیم به جدایی و بازگشت به جمع سرخپوشان بگیرد. عیسی در اردوی دبی در اوایل ناآماده نشان داد اما رفته رفته به شرایط خوب گذشته خود برگشت. اوسمار نیز در انتخاب ترکیب مدنظرش برای مسابقات نشان داد روی عیسی حساب باز کرده و او یکی از مهره‌های ثابتش به شمار می‌آید. ناگفته نماند عیسی به مانند عبدالکریم از نظر بدنی خیلی زود خودش را به بقیه بازیکنان رساند تا نشان دهد از تمرینات اختصاصی دور نبوده است.

### قول و قرار سرخپوشان برای اعتصاب

این روزها در مورد تغییر مدیریت در باشگاه پرسپولیس حرف و حدیث زیاد است و این خبر نیز در روزهای آخر اردوی سرخپوشان را حسابی تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. در واقع نگرانی آنها این بوده و هست که اگر در این مقطع رضا درویش رفتنی شود تکلیف مطالبات آنها چه خواهد شد. در همین راستا برخی از بزرگ‌ترهای تیم اعتقاد داشتند در تهران نباید تمرینات خود را تا زمانی که باشگاه به آنها پرداختی نداشته شروع کنند. در واقع آنها نظرشان این بود که باید درویش را تحت فشار بگذارند تا مطالبات آنها را پرداخت کند. از آنجا که در بین بازیکنان سروش رفیعی ارتباط خوبی با درویش پیدا کرده، بازیکنان سعی می‌کنند از طریق او برای مدیرعامل خود پیغام بفرستند. در هر صورت سرخپوشان قول و قرار خود را برای اعتصاب گذاشته‌اند و باید دید بعد از آغاز دور جدید تمرینات تیم‌شان که احتمالا از فردا خواهد بود، در تمرینات شرکت خواهند کرد یا نه؛ هر چند مسئولان باشگاه پرسپولیس از بازیکنان تیم‌شان خواسته‌اند که حداقل تا روز اولین بازی‌شان در جام حذفی صبر کنند.

### سرمربی تیم تنیس روی میز بانوان دانشگاه آزاد: به دنبال بازپس‌گیری قهرمانی سال گذشته از سایپا هستیم

# دانشگاه آزاد در تنیس روی میز نخبه‌پروری می‌کند

## شانس کسب ۲ سهمیه المپیک پاریس را داریم

مهدی منصرف
خبرنگار

**دور رفت رقابت‌های لیگ برتر تنیس روی میز بانوان در شرایطی به پایان رسید که تیم دانشگاه آزاد در رقابتی تنگاتنگ با سایپا، قهرمان دوره گذشته در صدر جدول قرار گرفت تا به کسب عنوان قهرمانی در پایان فصل امیدوار باشد. زهرا میربابایی، سرمربی تیم تنیس روی میز بانوان دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از عملکرد شاگردانش در نیم‌فصل نخست ابراز رضایت کرد که در ادامه می‌خوانید.**

**دور رفت لیگ برتر تنیس روی میز بانوان در شرایطی به پایان رسید که دانشگاه آزاد در رقابت نزدیک با سایپا صدرنشین شد. سطح کمی و کیفی مسابقات چطور بود؟**

از لحاظ نتیجه‌گیری که بسیار عالی بود و امیدوارم که در دور برگشت نیز با یاری و همت بچه‌ها به مقام قهرمانی دست پیدا کنیم. در لیگ امسال باشگاه از یک سری نیروهای نوجوان استفاده کرده بودند که همین موضوع باعث ایجاد انگیزه در این چهره‌های نوجوان شده بود. این بچه‌ها خیلی کم شانس بازی با چهره‌هایی مانند مهشید اشتری و شیما صفایی را دارند و لیگ این فرصت و موقعیت را در اختیار آنها قرار داده بود. از طرفی در لیگ امسال تمام چهره‌های بزرگسالان، جوانان و نوجوانان در مسابقات حضور داشتند و تمام موجودی تنیس روی میز بانوان در ۹ تیم شرکت‌کننده در مسابقات حضور داشتند.

**در مقایسه با لیگ‌های بسیاری از رشته‌ها که نهایتا ۴ تیم در بخش بانوان حضور دارند، لیگ تنیس روی میز امسال با ۹ تیم نیم‌فصل خود را پشت سر گذاشت.**

حضور ۹ تیم در لیگ قابل قبول است، اما در تنیس روی میز بانوان رقابت‌ها تنها در یک دسته برتر برگزار می‌شود. اگر دسته یک نیز داشتیم و هر سال چند تیم از این رقابت‌ها به لیگ برتر صعود و چند تیم نیز سقوط می‌کردند، کیفیت مسابقات بالاتر می‌رفت. اتفاقی که به خاطر شرایط اقتصادی رقم نمی‌خورد و ما مسابقات لیگ دسته یک نداریم. همین موضوع نیز باعث شده است عمر تیمداری برخی تیم‌ها در مسابقات کوتاه باشد. تیم‌های ماه اسپورت و پاکنژاد اسپورت در لیگ امسال حضور دارند، اما سال گذشته در مسابقات نبودند. اگر ما لیگ‌های برتر و دسته یک داشته باشیم سطح مسابقات لیگ برتر با حضور بازیکنان نخبه‌تر بالاتر قرار خواهد رفت و هر کسی هم که قصد شروع فعالیت را داشته باشد از مسابقات لیگ برتر این کار را نمی‌کند و از دسته یک کار خود را شروع می‌کند. با وجودی که فدراسیون با تیم‌ها همکاری خوبی دارد و ورودی سنگینی دریافت نمی‌کند، اما باز هم تعداد تیم‌ها در مسابقات بالا نیست.

**به نظر می‌رسد رقابت قهرمانی لیگ امسال بین تیم دانشگاه آزاد و سایپا باشد؟**

اگر عملکردمان مانند نیم‌فصل نخست باشد، حتما با توجه به یکدست بودن بازیکنان تیم مدعی قهرمانی خواهیم بود. در فصل گذشته نیز ما در آستانه قهرمانی بودیم، اما تنها با اختلاف یک امتیاز با سایپا نایب قهرمانی شدیم. این در حالی است که در مسابقه دور برگشت نیز سایپا را شکست دادیم. به دنبال این هستیم که قهرمانی فصل گذشته را از سایپا بازپس گیریم.

**از کدام‌یک از چهره‌های شاخص تنیس روی میز بانوان در ترکیب خود استفاده می‌کنید؟**

شیما صفایی نفر اول و مهشید اشتری نفر سوم تیم ملی در ترکیب تیم ما حضور دارند. فدراسیون تنیس روی میز امسال به تیم‌ها اجازه داد تنها از دو ملی‌پوش در ترکیب خود استفاده کنند و بر همین اساس دو بازیکن تیم ملی در ترکیب ما حضور دارند و دو بازیکن نیز در تیم سایپا هستند. در کنار این دو بازیکن ملی‌پوش، کیمیا رستمی را داریم که موفق شد با اقتدار ندا شهسواری، ملی‌پوش باسابقه کشورمان را شکست بدهد. کرمی جزء هشت نفر برتر کشور است. باران ارجمند و یکتا امیریان نیز از بازیکنان نوجوانی که در اکثر مسابقات کانتندر به مقام قهرمانی، نایب قهرمانی یا سومی دست پیدا می‌کنند. ملیکا عباسی نیز مقام اول جوانان تهران را دارد و هستی فرتوک‌نژاد نیز نفر نخست طرح هوپس ملی را دارد. این بازیکنان ترکیب تیم ما را تشکیل می‌دهند.

**حمایت مسئولان دانشگاه آزاد از تیم تنیس روی میز چگونه است؟**

از ابتدا با دکتر لشگری پایاپای جلو رفتیم. ما در ابتدا بودجه‌ای را پیشنهاد دادیم، اما در ادامه مشکلاتی ایجاد شد. با ندا شهسواری به توافق رسیده بودیم و قرار بود برای ما بازی کند، اما در ادامه سایپا پیشنهاد بالاتری داد و او به این تیم پیوست. با این وجود، با همکاری دکتر لشگری توانستیم تیم خوبی را ببندیم. یک سری از بازیکنان مانند شیما صفایی نیز با وجودی که پیشنهادات بالاتری داشتند از ما جدا نشده و روی قول و تعهد خود به دانشگاه آزاد باقی ماندند. مهشید اشتری نیز چنین شرایطی داشت و او نیز در کنار ما باقی ماند و این پایبندی اخلاقی این بازیکنان را نشان می‌دهد. مسئولان دانشگاه آزاد همه‌جوره با ما همکاری می‌کنند تا آسایش و آرامش را برای بازیکنان فراهم کنیم.

**نقش باشگاه قدیمی دانشگاه آزاد در ورزش قهرمانی کجا است؟**

در تنیس روی میز باشگاه دانشگاه آزاد قدمت دیرینه دارد و چندین سال در بخش آقایان و بانوان تیمداری و از این رشته حمایت می‌کند. دانشگاه آزاد در حقیقت در تنیس روی میز نخبه‌پروری می‌کند و یک جورهایی به فدراسیون کمک می‌کند. ارتباط دانشگاه آزاد و فدراسیون نیز خوشبختانه نزدیک و بین دو ارگان همکاری و ارتباط تنگاتنگ وجود دارد.

**دلیل اینکه تنیس روی میز بانوان در مقایسه با آقایان در چند سال گذشته پیشرفت کمتری داشته است را در چه موضوعی می‌بینید؟**

فکر می‌کنم بچه‌های ما مسابقات برون‌مرزی و بین‌المللی کمی را می‌بینند و اردوهای کمی را پشت سر می‌گذارند. بچه‌های ما برای پیشرفت بیشتر باید به صورت مداوم در مسابقات باشند. اگر دختران ما مانند نوشاد عالمیان، امیرحسین هدایی و بنیامین فرجی پشت سر هم در مسابقات حضور داشته باشند از لحاظ انگیزشی بالا خواهند رفت و از لحاظ فنی نیز پیشرفت خواهند کرد. دختران ما واقعا پتانسیل بالایی برای پیشرفت دارند. بچه‌های ما با حمایت فدراسیون لژیونر شدند و به ترکیه می‌روند که خیلی موثر بوده است.

**با این شرایط فکر می‌کنید شانسی برای کسب سهمیه در بخش بانوان خواهیم داشت؟**

شیما صفایی شانس صد در صدی برای کسب سهمیه المپیک پاریس دارد و امیدوارم ندا شهسواری نیز موفق به سهمیه شود. وقتی ما از مسابقات موفق به کسب سهمیه نشدیم، این شانس را داریم تا از طریق رنکینگ به سهمیه برسیم، اما وقتی اعزام نشویم در رنکینگ نیز دچار مشکل خواهیم شد. در حالت خوش‌بینانه شانس کسب دو سهمیه خواهیم داشت.

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school
ارائه مدرک معتبر و رسمی از مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

مدرک فارغ‌التحصیلی علی بهزادی فرزند سعید به شماره شناسنامه ۱۷۴۱۶۲۵۴۳۲ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی شهرسازی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۵۹۶۱۰۶۰۰۴۸۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت سهیلا اسلامی فرزند عباس دارای شناسنامه به شماره ۷۵۸۸ صادره تهران رشته کارشناسی علوم تربیتی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء (ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سمند سواری LX مدل ۸۳ به رنگ بژ متالیک به شماره شاسی ۸۳۸۴۳۰۰۹ و به شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۰۰۵۹۸ و به شماره پلاک ۲۴ – ۱۲۴ ب ۱۷ به نام امید وزیری‌پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دانشنامه پایان دوره کارشناسی ارشد رشته حسابداری اینجانب سمیرا پورکیانی فرزند یدالله با کد ملی ۲۹۹۲۸۴۸۳۲۸ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی مزایده عمومی

شماره ۴۲-۲-۱۴۰۲

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات در نظر دارد لوله‌های سیمانی خود را به تعداد ۹۰ عدد (ابعاد: قطر داخل لوله: ۲ متر – طول مفید لوله: ۲/۵ متر – قطر از جداره بیرونی لوله: ۲/۴۵ متر) از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

۱- از اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت به عمل می‌آید از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری با ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به شماره حساب ۰۱۱۵۸۶۰۸۲۳۰۰۸ (شماره شبا IR ۲۴۰۱۹۰۰۰۰۰۰۰۱۱۵۸۶۰۸۲۳۰۰۸) با شناسه واریز ۴۱۹۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۲۵۳ نزد بانک صادرات به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات به همراه معرفی‌نامه (برای اشخاص حقوقی) و کارت شناسایی معتبر برای خرید (دریافت) اسناد مزایده در ساعات اداری به نشانی: تهران- انتهای بزرگراه شهید ستاری شمال- میدان دانشگاه – بلوار شهدای حصارک – دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات - ساختمان بلوک یک آموزشی – طبقه ششم - اتاق ۶۰۱ (تلفن تماس: ۴۴۸۶۷۶۰۶ داخلی ۳۰۰۸) مراجعه نمایند.

۲- مهلت دریافت اسناد مزایده و همچنین تحویل پاکت‌های اسناد مزایده تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۴:۵۰) روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ می‌باشد.

۳- هزینه درج آگهی در روزنامه‌ها و هزینه تعیین قیمت کارشناسی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۴- مزایده‌گذار در رد یا قبول پیشنهادها دارای اختیار تام می‌باشد.

۵- تاریخ درج آگهی در روزنامه‌ها روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ می‌باشد.

فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR
farhikhteganonline

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### درباره سرنوشت رئیس‌کل بانک مرکزی ترکیه

# ارکان آخرین قربانی سلطانیسم اردوغان

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

**تورم و بحران‌های اقتصادی چند وقت اخیر، منجر شده اردوغان در دوره جدید ریاست‌جمهوری خود مسیر دیگری برای اقتصاد ترکیه و مهار تورم انتخاب کند. این امر البته در شرایطی اتفاق افتاد که اردوغان متاثر از این شرایط بد اقتصادی انتخابات را با فاصله کمی از رقیب خود برد. برهمین مبنا، اردوغان تیم جدید اقتصادی برای تغییر این مسیر انتخاب کرد و در ادامه همین تغییرات بود که حفیظه ارکان، مدیر سابق بانک مستقر در ایالات متحده به‌عنوان رئیس بانک مرکزی ترکیه انتخاب شد تا این اهداف و برنامه‌ها را برای کاهش تورم در ترکیه اجرایی کند اما نهایتا جمعه شب ارکان به‌طور ناگهانی استعفا داد تا اجرای برنامه‌ها و کنترل تورم در هاله‌ای از ابهام باقی بماند.**

## ارکان به دنبال کاهش تورم به زیر ۳۰ درصد

اردوغان در شرایطی پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری شد که انتخابات را با فاصله کمی از رقیب خود، قلیچدار اوغلو، برد. برخی از کارشناسان علت این پیروزی لب مرز اردوغان یعنی کسب ۵۲٫۱۱ درصدی آرا در مقابل ۴۷٫۸۸ درصدی اوغلو را شرایط بد اقتصادی در ترکیه دانستند. با این حال اردوغان از همان روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت، وعده داد تا تورم را مهار کند. بر این مبنا نیز «شیمشک» را به‌عنوان وزیر دارایی انتخاب کرد و حفیظه ارکان نیز به‌عنوان رئیس بانک مرکزی انتخاب شد. البته انتخاب یک رئیس بانک مرکزی زن برای اردوغان جنبه تبلیغاتی نیز داشت. انتخاب اولین رئیس بانک مرکزی زن در ترکیه، چیزی بود که اردوغان به دنبال آن بود تا با استفاده تبلیغاتی از این انتخاب، به نوعی محبوبیت خود و حزبش را افزایش دهد. با این حال مهار تورم در ترکیه هم یکی از وعده‌های اردوغان بود. اردوغان شهریور ماه در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که تمرکز برنامه سه ساله توسعه ترکیه بر مهار انتظارات تورمی، تضمین رشد و اشتغال ناشی از تولید و صادرات و تقویت عدالت و رفاه اجتماعی متمرکز خواهد بود. او همچنین اعلام کرد که تیم جدید اقتصادی بر افزایش نرخ بهره بانکی برای کاهش میزان تورم تمرکز خواهد کرد. ارکان نیز از همان روزهای بعد از انتصاب برنامه‌های خود برای کاهش تورم نزدیک به ۹۰ درصدی ترکیه اجرایی کرد و در همین راستا نیز اختیارات زیادی از اردوغان گرفت. در گام اول برای کاهش تورم، نرخ بهره بانکی را ابتدا به ۱۸ درصد و بعد از آن به ۴۵ درصد رساند تا میزان تورم را کنترل کند. وزیر خزانه‌داری نیز اعلام کرد که در سفرهای خود به کشورهای عربی و آمریکا به دنبال ورود سرمایه‌های خارجی به ترکیه هستند. با این حال این امر محقق نشد و اگرچه میزان تورم از ۸۵ درصد به ۶۰ درصد رسید اما برمبنای وعده ارکان قرار بود تورم به زیر ۳۰ درصد برسد اما رئیس بانک مرکزی، اعلام کرد که برای مهار تورم حداقل دو سال زمان نیاز است.

## ضربه‌کاری حواشی به رئیس بانک مرکزی

این موضوع و عدم تحقق وعده‌ها، فشارها را بر رئیس بانک مرکزی زیاد کرد. در ادامه اما برخی حواشی، فشارهای دوچندانی برای رئیس بانک مرکزی به همراه داشت. ارکان در مصاحبه با سردبیر روزنامه حریت اعلام کرد که اجاره‌خانه در استانبول گران‌تر از منهتن نیویورک است و مجبور است، در خانه مادرش زندگی کند. اما بعد مشخص شد که ارکان در ازمیر ویلایی به ارزش یک میلیون دلار دارد. علاوه‌بر این اردوغان به دنبال این بود که ارکان را به عنوان نامزد حزب خود در انتخابات بعدی معرفی کند اما یکی از اعضای حزب «خوب»، حزبی که یکی از دشمنان اصلی اردوغان به شمار می‌رود، اعلام کرد که ارکان پیش از انتخابات رزومه خود را برای آکشنر، رهبر حزب خوب، فرستاده بود تا به‌عنوان مشاور اقتصادی این حزب مشغول به کار شود. این تقریبا ضربه نهایی به رئیس بانک مرکزی بود. نهایتا روز جمعه و بعد از این حواشی، ارکان از سمت ریاست بانک مرکزی استعفا داد. پس از این استعفا، شیمشک وزیر خزانه‌داری و دارایی ترکیه، بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد: «استعفای شیمشک یک تصمیم شخصی بوده و برنامه اقتصادی که اردوغان طراحی کرده همچنان ادامه دارد.» با این حال اگرچه برخی کارشناسان ترکیه‌ای نیز به این موضوع تاکید دارند که این استعفا شخصی بوده و ارتباطی به اجرای برنامه‌های توسعه‌ای نداشته اما برخی نیز این گزاره را مطرح می‌کنند که استعفای رئیس بانک مرکزی تعمدا در آخر هفته اعلام شد تا به روزهای تعطیلی بخورد و ترکیه با افزایش تورم و موج تازه‌ای از التهاب‌های اقتصادی همراه نشود. با این حال استعفای ارکان مشخصا شکست سیاست‌های اقتصادی اردوغان برای کنترل میزان تورم است. امری که در ادامه تغییر سه رئیس دیگر بانک مرکزی از ابتدای آغاز به کار اردوغان، افزایش میزان تورم، عدم توانمندی اردوغان برای کنترل و مهار تورم برخلاف وعده‌ها، بر محبوبیت اردوغان و حزب عدالت و توسعه سایه می‌اندازد. برای بررسی علل استعفای ارکان و تاثیری که این استعفا بر اقتصاد ترکیه خواهد گذاشت، با مهدی سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل ترکیه گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

## حاشیه‌های رئیس بانک مرکزی فشارها بر دولت اردوغان را افزایش داد

سیف‌تبریزی ابتدا به این موضوع اشاره کرد که حواشی به وجود آمده برای ارکان فشار احزاب مخالف به دولت اردوغان را افزایش داده بود و گفت: «استعفای خانم ارکان را می‌توان از دو جهت بررسی کرد. از بعد شخصی و حواشی که برای دولت اردوغان به وجود آورده و یک بعد هم عملکرد و اوضاع اقتصادی ترکیه بعد از انتخاب مجدد اردوغان و روی کارآمدن خانم ارکان است. خانم ارکان در دو سال گذشته برای حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان، هزینه‌سازی‌های بالایی انجام داد. اگر بخواهیم به صورت تیتروار به این هزینه‌سازی‌ها اشاره کنیم باید گفت خانم ارکان جایی مصاحبه کرد که همه‌چیز در ترکیه به‌شدت گران اداره می‌شود، به این شکل که من خودم مستاجر هستم و خانه شخصی ندارم. درصورتی‌که تقریبا یک هفته بعد تصاویری که از ویلای شخصی خانم ارکان بیرون آمد و حاشیه‌سازی‌های چندهفته‌ای را برای دولت به همراه داشت. از طرف دیگر مساله پدر خانم ارکان بود که در یکی از پست‌های مدیریتی بانک مرکزی استخدام شد. پدر خانم ارکان یک بانکدار معمولی در سیستم اقتصادی ترکیه بود و بعد از بازنشستگی، وقتی دخترش به‌عنوان رئیس بانک مرکزی انتخاب می‌شود، او را به‌عنوان مدیر میانی انتخاب می‌کند. وصله‌های دیگری نیز به پدر خانم ارکان می‌چسبد، از این جهت که هزینه‌های زیاد و کارهای عجیبی انجام داده و چند نفر از مدیران بانک مرکزی را اخراج کرده است. یکی دیگر از مسائل، سفر خانم ارکان به آمریکا بود که زمانی این سفر انجام شد که هیچ‌کدام از اعضای دولت از این سفر خبر نداشتند. جمیع این هزینه‌ها و حواشی، دولت اردوغان را در شرایط اقتصادی‌ای که ترکیه داشت، به‌شدت در فشار قرار داد و احزاب مخالف این حواشی را دستاویزی برای وارد کردن فشار به دولت اردوغان کرده بودند.»

## اردوغان برای کم‌کردن فشارهای ناشی از شرایط بد اقتصادی ترکیه به یک قربانی نیاز داشت

سیف‌تبریزی در ادامه به اجرای برنامه‌های اقتصادی کاهش تورم توسط رئیس بانک مرکزی اشاره کرد و توضیح داد: «بعد دیگر، بعد اقتصادی بود که در این مدت و بعد از انتخابات حاکم شد. زمانی که اردوغان به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید انتخاب شد، تورم ترکیه بر مبنای آمار رسمی ۸۵ درصد بود، البته منابع غیررسمی تورم ترکیه را بالای ۱۰۰درصد اعلام می‌کردند. ارکان توانست بعد از مدتی و در بازه زمانی کمتر از یک سال تورم را به ۶۵ درصد برساند. نکته اینجاست که در برنامه‌هایی که اردوغان و ارکان ارائه داده بودند، قرار بر این بود که تورم به زیر ۳۰ درصد برسد و الان به صورت رسمی روی ۶۵ درصد است که مطمئنا الان ترکیه نزدیک به ۱۰۰ درصد تورم دارد. البته باید به این نکته اشاره کنم که یک سیاست اقتصادی قبل از دولت جدید اردوغان پیگیری شد که زمان خانم ارکان هم دنبال شد که آن سود سپرده مرکب بود که در دولت ترکیه اجرا می‌شد و قرار بر این بود که مردم به سرمایه‌گذاری تشویق شوند و گفته شد که اگر تورم را سالانه ۴۰ درصد حساب کنید، دولت ۴۰ درصد سود به شما می‌دهد. ما به ازای این، اگر تورم بالا رفت، سود سپرده‌گذاری را به صورت دلاری به شما پرداخت می‌کنیم. خب در حال حاضر ترکیه نزدیک به ۶۵ درصد، حداقل به صورت رسمی تورم دارد. دولت می‌خواست دلار را از سطح کشور جمع کند اما با این سیاست اشتباهی که دولت پیگیری کرد و خانم ارکان هم آن را دنبال کرد، ترکیه مجبور است با یک فشار مضاعف، سود دلاری به مردم پرداخت کند. این فشارهای اقتصادی بیشتری را به بدنه دولت وارد کرد. این روندی که در زمان خانم ارکان ادامه پیدا کرد، اعتماد خارجی را از بین برد و سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه اتفاق نیفتاد. با این حال به نظر می‌رسد که این شرایط بد اقتصادی یک قربانی نیاز داشت و خانم ارکان با شرایطی که ایجاد کرده بود یکی از بهترین گزینه‌ها برای قربانی شدن بود. هرچند فکر می‌کنم خانم ارکان هم در ترکیه نماند و دوباره به آمریکا برگردد. ولی به نظر می‌رسد این یک بازی بود و اردوغان برای اینکه بتواند فشارهای اقتصادی را از روی خودش بردارد و از فشارهای احزاب و گروه‌های مخالف خود در ترکیه به خاطر اوضاع بد اقتصادی کم کند، این استعفا از این نظر هماهنگ شده بود. البته در حواشی، مقامات حزب خوب اعلام کردند خانم ارکان قبل از اینکه به حزب عدالت و توسعه برود به این حزب مراجعه کرده بود که مسئولیت مالی حزب خوب را به دست بگیرد که اگر حزب در انتخابات برنده شد، وزیر اقتصاد یا رئیس بانک مرکزی از سمت حزب خوب معرفی بشود که البته صحت و سقم آن هم تایید شد. همه این موارد دست به دست هم داد تا خانم ارکان دیگر گزینه مناسبی برای دولت اردوغان نباشد.»

سیف‌تبریزی در پاسخ به اینکه با توجه به سیاست دور زدن تحریم‌ها از جانب ترکیه در چندوقت اخیر دنبال نمی‌شده این استعفا و انتصاب تازه می‌تواند منجر به تغییر این سیاست شود، گفت: «اینکه رئیس جدید بانک مرکزی چه سوءگیری‌هایی دارد و می‌خواهد چطور رفتار کند، هنوز مشخص نیست، چون خانم ارکان به‌عنوان رئیس بانک مرکزی فعالیت می‌کرد و اگر بخواهیم موضع‌گیری‌ها را مورد اشاره قرار دهیم از این جهت، کسی که معاون خانم ارکان بوده به لحاظ فکری نمی‌تواند تفاوت قابل توجهی با خانم ارکان داشته باشد. اما این را در نظر داشته باشید که بعد از چندسال گذشته، سیاست دور زدن تحریم‌ها از جانب ترکیه، شکست خورده است و در مدت یک‌سال‌ونیم و دوسال گذشته دیگر مثل سابق برای دور زدن تحریم‌ها با ایران همراهی نمی‌کرد و ما تقریبا مصدر دور زدن تحریم‌ها و چنج دلار توسط ترکیه را از دست داده بودیم و این تصمیم اردوغان بود. اینکه تصمیم اردوغان بعد از سفر رئیسی به ترکیه چه تغییراتی داشته باشد، باید مقداری فرصت داد و ببینیم اردوغان و حزب عدالت و توسعه چه تصمیمی در این رابطه می‌گیرد، طبیعتا اگر تصمیم اردوغان به شکلی بود که تحریمی دور زده شود، قاعدتا در سیستم سیاسی ترکیه، بانک مرکزی و رئیس بانک مرکزی، آنقدر قدرت ندارد که بخواهد مقابله کند و این سوءگیری خود دولت اردوغان است که مشخص می‌کند می‌خواهد در کنار ایران بازی کند و برای دور زدن تحریم‌ها می‌خواهد با ایران همکاری کند یا خیر.»

## با این شرایط اقتصادی، انتخابات بعدی انتخابات خوبی برای حزب عدالت و توسعه نخواهد بود

سیف تبریزی در ادامه درباره اینکه آیا اردوغان موفق به کنترل این تورم خواهد شد یا خیر نیز گفت: «شرایط اقتصادی ترکیه نشان می‌دهد، این تورم بالا به این راحتی قابل کنترل نیست، شرایط جهانی به شکلی است که در کوتاه‌مدت نمی‌توان تورم را در حدی که بتواند رفاه را به جامعه ترکیه برگرداند، کنترل کرد. وزیر اقتصاد ترکیه هم اعلام کرد تا دوسال آینده، مردم توقع کاهش تورم بیش از این را نداشته باشند. خیلی از برنامه‌هایی که اردوغان پیاده می‌کرد و صحبت‌هایی که می‌کرد در جهت کاهش تورم و افزایش رفاه مردم بود. بعد از انتخابات هم این اتفاقات پیگیری نشد و همان سیاست دولت قبل پیگیری شده و مجدد افزایشی شد و الان تورم در جامعه بالای صددرصد است. فکر نمی‌کنم با این شرایط نظام بین‌الملل و اتفاق‌هایی که در جنگ روسیه و اوکراین افتاد و فشارهای اقتصادی که روی ترکیه است، آینده خوبی برای اقتصاد ترکیه حداقل در کوتاه‌مدت شاهد نیستیم. در کمتر از دوسال شاهد نخواهیم بود که تورم ۸۰ درصد به ۵۰ درصد یا حتی به زیر ۳۰ درصد برسد. حتی کف مقداری که برای سود سهام سپرده گذاشته بودند، ۴۰ درصد است و مشخص نیست با چه برنامه‌ای قرار است تورم بالای ۸۰ درصد به ۴۰ درصد برسد. خواه ناخواه در دوسال یا حداقل تا انتخابات بعدی این تورم به این راحتی قابل کنترل نیست و به‌نظر نمی‌رسد انتخابات بعدی، انتخابات خوبی برای حزب عدالت و توسعه باشد.»

### رسانه‌های ضد ایران ۲۴ ساعت توهمی را سپری کردند

# عشق‌بازی با خیال جنگ

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

«به ایران حمله کنید» عبارت ملتمسانه بسیاری از گروه‌های رسانه‌ای ضدایرانی در این روزهاست که بعد از حمله به یکی از پایگاه‌های نظامی آمریکا بیشتر هم شده است. حمله‌ای که بعد از آن بسیاری از جمهوری‌خواهان و در راس آنها دونالد ترامپ به مخالفت صریح از بایدن برخاستند و با اعلام اینکه روز وحشتناکی برای آمریکا رقم خورده این حمله را یکی دیگر از پیامدهای وحشتناک و غم‌انگیز ضعف و تسلیم‌پذیری بایدن دانستند. از روز این حمله برخی رسانه‌های ضدایرانی از احتمال حمله نظامی به ایران حرف به میان آوردند و حتی کارویژه رسانه‌ای‌شان را این موضوع قرار دادند تا جو رسانه‌ای تازه‌ای علیه ایران ایجاد کنند. اما همچنان کارشناسان بین‌المللی از ناممکن بودن آن خبر می‌دهند و معتقدند آمریکا توان پرداخت تاوان آن را ندارد. روز یکشنبه ۸ بهمن‌ماه یکی از پایگاه‌های نظامی آمریکا موسوم به «برج ۲۲» در شمال شرق اردن هدف حمله پهپادی قرار گرفت که تلفات این حادثه سه کشته و ۴۰ زخمی بود. ساعاتی پس از این اتفاق مقاومت اسلامی عراق مسئولیت حمله را پذیرفت اما انگشت اتهام ایالات متحده سمت ایران بود. آمریکایی‌ها با این ادعا که تحرکات مقاومت عراق تحت حمایت ایران است، ایران را تهدید به حمله نظامی کردند. شب گذشته و پس از گذشت شش روز آمریکایی‌ها به وعده خود عمل کرده و مواضعی از سپاه پاسداران و حشدالشعبی را در سوریه و و عراق بمباران کردند. تا لحظه تنظیم این گزارش تعداد شهدای حادثه ۱۶ تن اعلام شده و ۲۵ نفر نیز زخمی شده‌اند که تعدادی از آنها نیز غیرنظامیان هستند. همچنین طبق اعلام حشدالشعبی تمام شهدای این حادثه از اعضای این گروه بوده‌اند.

## فرکانس‌های حمله به ایران داده شده بود

آمریکایی‌ها از زمان هدف قرارگرفتن پایگاه نظامی‌شان در اردن با فشارهای زیادی روبه‌رو شده‌اند. مقامات ارشد آمریکایی در مورد اینکه آمریکا کی و چطور دست به اقدامی تلافی‌جویانه خواهد زد، بر این باور بودند که نمی‌توان مستقیما ایران را نشانه گرفت؛ چراکه این حرکت منجر به یک نبرد تمام‌عیار و همه‌جانبه خواهد شد. به همین دلیل پیش از آغاز حمله، بایدن و مشاورانش در میان گزینه‌های موجود «هدف قرار دادن مواضع خارجی ایران» را انتخاب کردند و پیش از آغاز حمله بارها و بارها از رسانه‌ها و مقامات مختلف کشورشان پیامی را به ایران مخابره کردند: «پاسخ خواهیم داد.» آنها می‌دانستند که قطعا هدف قراردادن خاک ایران تبعات سنگینی خواهد داشت و به همین دلیل پیش از حمله خود، ایران را متوجه فرکانس‌هایی از آن کردند. درنهایت اما جو بایدن به‌عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی گزینه مذکور را انتخاب و اعمال کرد.

## به مواضع داخلی ایران حمله کنید نه خارجی

همزمان با شدت گرفتن تنش‌ها در منطقه، برخی رسانه‌ها شروع به آتش‌افروزی در این فضا کرده‌اند. شبکه اینترنشنال که همیشه در راس گروه‌های ضدایرانی قرار دارد در یک برنامه به اصطلاح کارشناسی از خبردادن آمریکا به ایران درباره این حمله گله کرد و گفت: «آمریکا باید محاسبات سپاه را عوض کند. راه‌حل این مسائل ساده است. چرا آمریکا قبل از حمله، به سپاه خبر می‌دهد؟ ببینید آمریکا به چه روزی افتاده.» این کارشناس در جای دیگری از بحث می‌گوید: «مهم‌ترین گزینه، هدف قراردادن مواضع سپاه در داخل خاک ایران است و مردم ایران از این مساله استقبال خواهند کرد!» مجری برنامه در ادامه با تایید صحبت‌های این کارشناس می‌گوید: «مردم به بایدن انتقاد می‌کنند که چرا به ایران حمله نمی‌کند!» از طرف دیگر گزارشگر بی‌بی‌سی هم از درز کردن احتمال حمله ایالات متحده گلایه کرده و می‌گوید: «می‌شود انتظار داشت که بخش بزرگی از این اهداف خالی بودند و از چند روز پیش گروه‌های هدف دستور به تخلیه گرفته بودند. وال استریت ژورنال هم در مقاله‌ای سه گزینه آمریکا را برای اقدام تلافی‌جویانه بررسی کرده است که شامل حمله به خاک یا آب‌های سرزمینی ایران، حمله به گروه‌های نیابتی یا نیروهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور و تحریم یا فشارهای اقتصادی می‌شود. همچنین شبکه ان‌بی‌سی‌نیوز در گزارشی تشریح کرده است که این اقدام آمریکا می‌تواند پاسخ خوبی در جهت جلوگیری از اقدامات ایران و نیروهای تحت حمایتش در خاورمیانه باشد.

## آمریکا نمی‌تواند بهای سنگین جنگ با ایران را بپردازد

خبرگزاری سی‌ان‌ان پیشتر گزارش داده بود: «بایدن تحت فشار زیادی قرارداشت تا به مرگ سربازان واکنش نشان دهد به‌گونه‌ای که حملات شبه‌نظامیان را برای همیشه متوقف کند. شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران (مقاومت اسلامی عراق) از ماه اکتبر بیش از ۱۶۰ بار تاسیسات نظامی آمریکا در عراق و سوریه را هدف قرار داده‌اند و چندین قانونگذار جمهوری‌خواه از آمریکا خواسته‌اند مستقیما به داخل ایران حمله کند تا پیامی روشن ارسال کند. اما مقامات دولت به صراحت گفته‌اند هرگونه واکنشی موجب تشدید بیشتر اوضاع در منطقه خواهد شد.» این گزارش‌ها مستقیما می‌تواند مقامات آمریکایی را تحریک به ایجاد تنش کند. این خبرگزاری همچنین در گزارشی تفصیلی خصومت‌های پیشین ایران و آمریکا را یادآور شده و فرماندهان نظامی ایران را «رجزخوان» می‌نامد. سی‌ان‌ان به نقل از برخی مقامات آمریکایی می‌گوید ایران نفوذ بسیار زیادی بر شبه‌نظامیان نیابتی فعال در داخل عراق و سوریه دارد و فعالیت این گروه‌ها اغلب تابع تصمیمات مقامات اطلاعاتی و نظامی ایران است. کارشناس شبکه الجزیره جنگ ایران و آمریکا را غیرممکن می‌داند و می‌گوید که آمریکا هرگز با ایران وارد جنگ نمی‌شود؛ چراکه جنگ با ایران بهای سنگینی دارد و آمریکا نمی‌تواند این بها را بپردازد. این کارشناس همچنین مدعی شد که ایران در منطقه از قدرت زیادی برخوردار است و جنگ با آن معادلات منطقه را بر هم خواهد زد.

# انتقام قطر ۲۰۲۲ را از قطر ۲۰۲۴ می‌گیریم

عطیه همتی
دبیرگروه نقد روز

۱۲۰ دقیقه که تمام می‌شود، میثاقی رو به دوربین می‌گوید: «الان اصلا هیچ‌چیزی مهم نیست. حتی بازی بعدی با ژاپن هم مهم نیست. الان فقط مهم است ما از این بازی و از سد سوریه بگذریم و بعد برای بازی با ژاپن یک فکری می‌کنیم.» انگار در زندگی بعضی لحظه‌های جهنمی را گذاشته‌اند فقط برای گذشتن. مثل دست‌اندازی که می‌افتد زیر ماشین و همه‌چیز را تکان می‌دهد. جوری تکان می‌دهد که می‌خواهی همه‌چیز را بالا بیاوری ولی می‌گذرد. ما از جهنم بازی با سوریه گذشته‌ایم. شبیه دست‌انداز جهنمی که معلوم نیست چطور از وسط جاده سبز شد و دل‌مان را به‌هم زد. از جهنم جام جهانی قطر. از جهنم ایران- انگلیس. از روزهای جهنمی که معلوم نیست چه شد یکباره زیر پایمان رفتند، بالا رفتیم و پایین آمدیم و با هزار دل به‌هم خوردگی به این روزها رسیدیم و فوتبال دوباره همه‌مان را دور هم جمع کرد تا از این با هم بودن دوباره کیف کنیم که ببینیم چقدر وقتی پشت هم درمی‌آییم قوی‌تریم. گویی که هر جیغ و هوارمان، هر صدای بوق و فریادمان جانی می‌شود بر تن بازیکنانی که امروز نیم‌ساعت اضافه بیشتر از حریف‌شان دویده بودند ولی روز اول امضا کردند که تا پای جان برای ایران می‌جنگند. ما ژاپن را برده‌ایم. بدون هیچ‌وقت اضافه. بدون هیچ سودداوری. بدون ضربات پنالتی. همان ژاپنی که همین چندوقت پیش کل اروپا را برده بود و خیال‌های بزرگی توی سرش داشت. همان ژاپنی که مزدک میرزایی توی اینترنشنال نشسته است و تکنولوژی‌اش را با خشم می‌کوبد سر ایران و وقتی تعویض می‌کند، همینطور از لیگ انگلیس بازیکن می‌ریزد توی زمین. ژاپنی که نظرسنجی سایت AFC گفته ۸۶ درصد مخاطبانش به بردآن رای داده‌اند و فقط ۱۳ درصد مردم که ۸۵ میلیونش توی ایران نشسته گفته‌اند ایران حالش را می‌گیرد. من نمی‌دانم اگر فینال هم رفتیم با کره چه کار خواهیم کرد. من فقط دوست دارم امشب وقتی سرم را روی بالش گذاشتم به آن پاس بیرون پا فکر کنم که محبی چسباند به تور دروازه. به دعای مادر جهانبخش که انگار آسمان را شکافت و به آن بالابالاها رسید تا در دقیقه ۹۶ همه ایران را هم با خودش به آسمان ببرد. به روزهایی که هیچ‌کس تلاش نمی‌کند از برد ایران خوشحال نباشد. به همه آنهایی که حالا دیگر نمی‌ترسند پست و استوری برای برد ایران بگذارند. برای همه چهره‌هایی که سکوت‌شان دوام نداشت و دیدند نمی‌شود از برد ایران خوشحال نشد. ما ژاپن را برده‌ایم و حالا مخاطبان AFC از خودشان خجالت می‌کشند که روی ما حساب نکرده بودند. روی بازیکنانی که از دست‌اندازهای جهنمی عبور کرده‌اند و حالا آمده‌اند انتقام همه روزهای سخت قطر ۲۰۲۲ را از قطر ۲۰۲۴ بگیرند.

# بشنو ایرانی... بشنو...

هومن جعفری
خبرنگار

اسمع ایرانی!
بشنو ایرانی...
اسمع!
بشنو صدای تمسخر شغال‌ها و کفتارها را ایرانی! بشنو و ببین که چطور دور هم جمع شده‌اند و مسخره‌ات می‌کنند. برای باختنت، برای حذف شدنت، برای تحقیر شدنت، برای آنکه سقوط کنی و هم قد آنها شوی، چطور لحظه‌شماری می‌کنند!
اسمع ایرانی!
اسمع!
بیدار شو ایرانی! تنها جایی که امنیت داری همین جاست. در کنار رفقایت. در کنار فارسی زبان‌ها... ایرانی باشی جایی بین بقیه نداری... ببین شرق و غرب، چشم بادامی و پوست سیاه، خاوری و باختری چطور با هم اجماع می‌کنند برای تحقیر کردنت... برای زمین زدنت... برای کوچک شمردنت... بیدار شو و ببین که یوزها اگر بخواهند غرش کنند، شغال‌ها و کفتارها باید دمشان را بگذارند لای پایشان و فرار کنند.
اسمع سامورایی!
اسمع!
اسمع افهم یا یابان*! فرزند خاقان بن خاقان! بشنو و فهم‌کن ای ژاپن! ای فرزند شمشیر! دیگر در این جام نیستی! یوزها کاری کردند که باید برگردی به خانه‌ات! باید ببازی سامورایی عزیز! بدان که برایت احترامی بیش از اندازه قائلیم اما به تماشاگرانت یاد بده، دفعه دیگر برای ما کری عربی نخوانند! ما برایت کری چینی کره‌ای نمی‌خوانیم و تو برای ما کری عربی نخوان.
سایونارا سامورایی عزیز!
اسمع ایرانی!
اسمع!
بدان ایرانی! بدان و آگاه باش که تنهایی... دوستی نداری. دور و برت را شغال‌ها پرکرده‌اند و شغال‌ها خاصیت‌شان در اتحاد است به وقت تنها گیرآوردن شیرها و یوزها. با این همه شیر و یوز حتی به وقت تنها ماندن هم غرش‌شان کافی است تا رنگ شلوار کفتارها عوض شود و به دل‌شان ترس بیفتد. پس اسمع ایرانی! اسمع! اینجا ایران است. سرزمین اتحاد به وقت مقابله با دشمن خارجی. اسمع ایرانی! تیم ملی‌ات، فرزندان وطنت، دوستت دارند. برایت جنگیده‌اند. برایت در زمین شاهکاری به پا کرده‌اند که آن سرش ناپیدا. پس اسمع ایرانی! تیم ملی‌ات را بین شغال‌ها تنها نگذار. اسمع!
دلت هم خون است، تیم ملی‌ات را تنها نگذار... حالت هم اگر بد است، تیم ملی‌ات را تنها نگذار... رقص شغال‌ها و کفتارها را نه تو می‌توانی تحمل کنی نه من. حرف داخل برای داخل... قهر داخل برای داخل... بیرون از این مرز، ایرانی کسی نگاه نمی‌کند تو کدام سمت ایستاده‌ای. سرت گرم ناب‌ترین باده‌ها هم باشد، دستت توی دست هر دشمنی که باشد، وقتی «اسمع ایرانی» بشنوی، بیدار می‌شوی. عین فحش ناموس می‌ماند. رگ غیرتت را می‌سوزاند حتی اگر دیگر به وطن تعصب و غیرتی هم نداشته باشی! محال است ایرانی باشی، نان وطن خورده باشی و «اسمع ایرانی» سرخت نکند. داغت نکند. حالت را نگیرد. خشمت را دو چندان نکند...
اسمع ایرانی!
اسمع!
ما به نیمه‌نهایی راه یافتیم ایرانی...
اسمع!
ما ژاپن را حذف کردیم...
اسمع!
ما قهرمان آسیا می‌شویم...
عشق است!

*تلفظ عربی ژاپن

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم